

سینما

سینما و سرگفتاری
سالنامه هفته‌نامه ادبی، اجتماعی، فرهنگی

Ketabton.com

سلام دخترها !

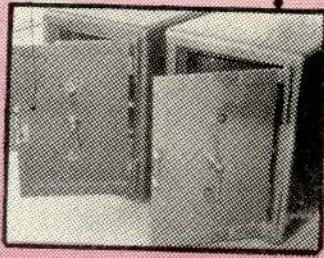
در صفحه ۱۰۲ بخوانید

لزمه دوستی نزدیک، عقائد نمطبوعات، فروشگاه
موساد دلخواه خضراب، متبرکیم دینی مذہبی مال
تکلف با مامکار نمایند.

تا گفون این دوستان بمالتعالی ارسال داشته اند:
دلم غوت بیلر، فروشگاه بزرگ فخر، شرکت سعی در خود کاپر (ترکم)
کوچکی نلپسن ... ۱۳- مده محنت سرمهزی ... ۴- (از این غوت نام اچهار تخفیف بهای راه حمل، اعماق
از فروشگاه فریز افغان - ۵۰ هزار اتفاقی بول نقد از شرکت خود خواست.

سبا و وون
بن بست بیان سال
زشت خون
بیکار می دم

آدیا پامیر لمتد



فرشگاه: حدودم خادم بیرون
تیفون ۲۲۸۳۷

با خیاری اجتنابی سختم و بادام تویید و مرتباً خوبی
آرد با پارکت زیست دنار و من از خود بیزایم.

آدرس فابریک: عقب باغ بابر تیفون ۴۲۷۳۳

بیمه و خدمت شرکت

فرشگاه سالنگ دات نزل ایل
آربانامارکت تیفون ۲۳۷۳۷

رستوران محبت



فرشگاه شیرینی خوشمزه فرشگاه ترازو دستورات محبت برگزار
نمایند. رستوران محبت با محبت خاص شرط نجفین خود را خوب

و قیمت داشتند زیست خودشان خوبی خود را می خواهند.

همچنان رستوران محبت به زده ز ساعت ۱۱:۳۰ ۲۰ نظر

با خود رفته، نمی خواست در قدس شهیدی است.

لکن: خودل جاده سرمهزه فابریک تصفیه پرچم فرشی = ۲۵۷۶۶

نجیب هوتل

توپنگی کے باہر ریط کا سوتھرہ تازہ بہ فعالیت کے غاز نموده رہ
با تہیہ خذلہ متنوع دہنیک دسالوں زیبی پر شیرخواری
عدس و دعوت کارٹھا لہ مریضہ.

ایس توپنگی میں ۳۵۰ نفرہ دارو.

کدیس سرکت اول پروڈکٹ نامیز

رستوران ستارہ

مفصل عرض شیرخوار دعوت تائزہ درستوران ستارہ
باشیستہ تریشکار بگزارن یہ.

فقط ستارہ را استخاب کنید

ہوتا ستارہ از ساعت ۱۱،۳۰ تا ساعت ۲ بعد ظهر بار
صرف طعم چشت شہ آمادہ است. آدرس:
دریا کینگ رستوران و سیط شہ عقیقت میتو شہر نو تیفون ۳۰۵۸

سیاوجو

شماره ۵۷ ماه اسد ۱۳۴۹
شماره سالانه ۳۶

خوشی میروند و خوشی می آیند

دوراز تیپ

فلمنج طنزه روی پرندگان

دانوبنیلرو اتحاری نوی نوشته تو

تصاویری بالیزه و میلت خیزگار ب.ق.ب.لی

۰۴ دخواست

ح خبر

چ گل،

نیزه، اشنه، چهارموده، سلطان
حسنه، شوهر، میر سویل، پدر کوچک طه و فاطمه
باور، شهنسوز، تیکان، مساده، مساده، مساده
عبدالله خادم، مساده، مساده، مساده
و هنرورد زیما، مظاہن، پیغمبر احمد حسن فاطمه
خانم، نیزه، اسوس، نیزه، نیزه، نیزه،
ساده، ازت و گرانه، دخواست، دخواست، دخواست
شادی، ساده، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی
شادی، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی
شادی، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی، شادی

در اسحاق نگیل

۰۴ دخواست



به فیلمی
دلیسته آمده

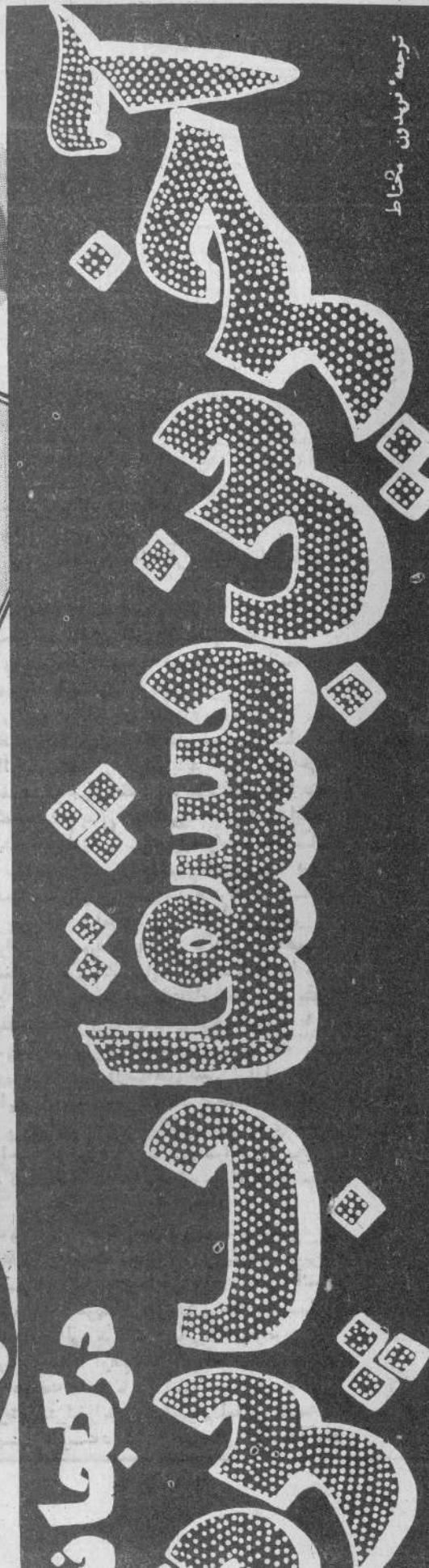
صفحه

۱۰۲



فرع... ۰۴ دخواست





خراب شده بود . کوچکترین روزنامه‌ای هم
برای زنده ماندن نبود مادر بسته
باروت خواب میکردیم و با آواز کلوشه
و افجعه از پریدیم . فکر میکردیم طی
یکی از همین تصادف ها فامیلیم تهمه
خواهد شد . ناگهانی تصمیم به رفته
گرفت . داروندار را فروخت و خودم
را با فامیل تا پاکستان رسانیدم . ییدم
که در پاکستان کاره نمیشود . رفته
هند وستان ، به زودی در آنجانم ز
جنک در گرفت .

پول ها خلاص شد ، خانی بسیار دو
حالیکه خانه اصلی اشیرا یاد میکرد
و ادامه ساخت که اگر اتفاق هم بهار د
باید دوباره به هرات برگردیم .

« هما خود را معرفی نماید ؟
نام مه محمد اکرم از ولایت غزنی
سابق دهقان بچه معودت کننده از -
ایران .

« چرا رفتن - چه قسم پس آمدی ؟
هن سودای حقیقت : رفتن ما از
خطاط طولانی بودن دوره سربازی
بود مودیدم که یکان خوش و قم سا
که بکار سرباز میشدند هم از چند -
ین سال تر خیص گرفته نیافتستن .

هرماه چند نفر دیگه هست که کیزمه
گروپ راهی پشاور شدم ، در راه مه
بار سرما خیریت تپر شد بالآخره در
شهر پشاور رسیدم ، آنجا به مأ
و ظایقی سپرده شد که هزار بار مشکل
تر از عسکری دیدم یهوده نمیشه ؟ -
آمدیم که ده ملک خود که فعلاً شرایط
هم آرام شده خدمت زیر برق اجرا
کتم .

« میخشد اسم شما ؟
- غلام یحیی "اصفی" از ولایت کابل
قبلاً محصل پو هنچی انجمنی "بره
کشت از ایران .

« دلایل دوری شما از میهن چی بود ؟
چطور شد که برگشتید ؟
- ما را ناامید بودن سرتی به زندگی ،
سرور کم بودن سر نوشت آینده ، عذر م
تا همین ارامش جسمانی ، روحی مجهور
به ترک وطن کرد . اما چرا برگشم ؟
ورق برگردانه

به گفته مونی اسلام هلام سید جمال
الدین افغانی کرمای جا ری و ساری
خون است در رکهای هست که اگر
این نیاز خود جوشیه خوش و سردی
گراید شواره "پکر آسوب پذیر فرسو
بدنه بدنه فرو مهریزد .

دده بی راکه میشود اینکه از آیه
عنوان "ماض در دنیاک سخن گشته در
ابعاد سراسر اوضاع با همچیکله از
دو راه های پیشیم باهی هیچ معما -
ری قابل مقایسه نیست . همانگونه
که اگر در سطح سعوی و آرام آب ها
ستگی پرتاب شده باشد آرامش برسی
آشید - دایره های بیانی پیوسته
اهماد شده به سوی ناملحوم محظی
گشته بیم یا پند و سرانجام در -
مجهولیت محوی از دیدگاه های پنهانها
میشوند .

یکی از بین عرصه ها که همانندی را
در گذشته های آنسو از دده "اخیر
نداشتم از سوی دور شدی از دهی از
است تحت هر نام و نشانی که باشد
واز سوی دیگر "برگشته دوباره"
به کوتاه سخن ، عددی میروند و
عددی میباشد هاما چرا ؟
بهتر خواهد بود اگر جواب "چرا ؟
را از زبان آنانی بشنیم که سوالیه ها
را در زمین ذهن هر خواننده کا -
شته اند .

« لطفاً خود را معرفی کنید .
- سید عبدالحق "آباد" قبله معلم
اجتماعیات در لیسه جامی هرات -
مودت کننده از کشور هند .

« چرا رفته ؟ چگونه برگشتید ؟
- روز کار هفت سال قبل هرات بسیار

بنده است به میان کرامن میدارد که
میتوانم به میان از این میان میان
این خاک پاک را همراه و در برای این
خوبید برتری دارم و پاک نمایم . یک لحظه
رسالت فراموش ناید بیره راه تسبیح جاییز
در رکه و فروکش نمیداند ، بلکه عین قوه با آن
و نایابسته نمیداند .

مشف به میهن و زیسته نهادنگی

پیش

می‌آیند

کزارشکر حجرالا سود

میتویند میهن دوستی زرف تریه
احسان آدمی است که گذشته
قرون به آن قوام میخشد . بانگی
ناپدید و نتوای ملکوق میختنند نهانانه -
چنان دیواره کاشانه که از ازینون خلوت
نیامدی فاصله ها به سوی خوشتن
نیرو میخواند ، از میان دم تاریخ اجتماع
هایی است و این دستیون نیوا -
آنرا میخواهد که نایین دم تاریخ
هایی تاریخ همراه میخانند .
میزین میخوب و درست راشتن
از آنجانیکه به شهادت پسریه
ماه از آنجانیکه به شهادت پسریه
مودت کننده از کشور هند . راکه
اینک به میان امانت بزرگ "پیش
های تاریخ همراه میخانند .
اینک به میان امانت بزرگ "پیش
میتوانم به میان از این میان میان
این خاک پاک را همراه و در برای این
خوبید برتری دارم و پاک نمایم . یک لحظه
رسالت فراموش ناید بیره راه تسبیح جاییز
در رکه و فروکش نمیداند ، بلکه عین قوه با آن
و نایابسته نمیداند .

مشف به میهن و زیسته نهادنگی

طريق ترانسپورت هوايى انتقال يابند
اين مسائلهها امکانات دست داشته‌ما
و مشکلات فراواه ترانسپورت که داريم
از يك طرف با اقامه چند روز شعر
ديريجا مصارف اضافي را ايجاب ميگند
واز جانب ديرگر كه بود بستر ميسار
محسوس است در زمينه ما از موسي
تيپون الملى خواستام تاباهه اختيار
كذاختن هوايىها ماراکه بهتر
نمایند.

- از طريق كوشني طبع كردید تا با
ايران و پاکستان تعامل گرفته شود كه
ما مودت كندهها را از همانجا
ستقهما به ولاياد شان انتقال بدهم
چون موضوع مهاجرین از نظر مواصلاتي
و بهره‌مند آنها زياد شده و مشكل است
لذا اداره كوشني در چوکات موسسه
مل مخد ايجاد شده كه با امکانات
كه دارند به يابد بالاي دولت‌ها و -
گروپ‌هاي سفردارند در نظر است سال
نمایند تا مانع بازگشت آنها نشود.
نيرا به جوانان كفار اجازه مراجعت
به وطن داده مشود، اين خود برو
سعودت را يطي و مختل ميسازد.

* * * * *
... واما حققت چن زنگ دارد?
چون کس متواند روی اين حقيقه
ظاهر بوده بخندارد كه قبل از پرورد -
بهای صالحه مراجعته ما به گونه
و حشتناک درسترنابه سامانه‌هاي كه
ساکون اعم از جاروجنبال هاي
مرکاري جنکه و وحشته تا امن و بسر
احتدادي افتاده بود.

هيلولاي نا اميدی بير روی هرجهره
عن اخم ميگرفت و سبب مشد تا دروي
از وطن درستور روز قرار گرد.
اينک اکنون كه آرام آرام جامنه
مورد تا ارامنه ازدست رفته اغير را
باز يابد و بد و اينک روی اين نكته
در رنگ شود "آنهاي كه موردن برحق
اند يا آنانى كه مهايد؟" جوانه هاي
اميد در دل هاي آزومند اين ديار
قامه برس افزاده و اميد اينک بالا
خره وطن هاي خانه ايسه كه يابي
به آب و دانه آف قناعت داشته و فرب
مشهه رئكمي ديرگان راکه هزاران سانجه
بنچه در صفحه (۸۱)

ندارند.
* مراكز پذيرش واجد چن خصوصيات.
* اند?

متعدد پذيرش هاساپايد در نقاط
تعداد نهادنده کي ها در سطح کشور
به ۲۸ نهادنده کي هرسکه هراوهاد
آن در پهلوی خود مهمانخانه هاي
صلح نيز دارند.
* ظرفیت مهمانخانه هاچقدر -

است?
* در مجموع مهمانخانه ها ۲۱.
هزار بسدر دارند در نظر است سال
جاری، اين رقم به س هزار بسدر
ارتفاع داده شود.
* آياتام عودت كنده هادرین وزارت

شيء ميگردد?
* آنده مهاجرین كه در مناطق
سرحدى به خانه و کاشانه خود موده
مهنگند در وزارت امور موده کنندگان
ثبت نيمگرددند، لذا نكته نيز به آنها
صورت نيمگردد. مكته دين مورد تجد.
يد نظر صورت گورد.

* مغارفون كه درين راه صورت گرفته
به چن وقت بالغ ميگردد?
* ها اخير سال ۶۸ مجموع مصارف
مودت كنده ها بهشتاز دولتماراد
و سه صد و بیست و دو مليون افغانۍ
مشود كه از بودجه دولت به هميو
منظور اختصاص داده شده است.

* اين نكت شامل اعماهه، اباتهه
تجهيزات، مهمانخانه، مانقلات

* مشود هاليهه كيچي ها و بيجانده -
كان نيز از همین نكته ها مستفيد شد
اند.

* ول ناكته نايد گذاشت كه رقم
نكت ها معلم متحدد در رطرف شرعيه دوم
ششماء تا جبيل در معيار خدمت سر -
هازي، معرفون مجدد به کار و تحصيل در
مو سات تحصيلات عالي و وزارت تعلم
و تربيه محل مساله تكتانه هفتماليه
و خمسه.

* در صوريه با خود و سايل ترانسيو -
رث بياورند، پنجاه تيصد تخفيف در
محصول گرگي، مسترد گرد و دوباره
ملكت و توزيع نمرات زمين (طبق فر -
مان جداگانه) به آنانى كه سرپنهام

- مثله از لحظ ساخته و ارگانه زم
مهاجري كاملاً روش است. در بيش
اهمان زنان، اطفال، هيران و جوانان
وجود داشته باشد ها آنچه
روي ما نشانده است ه همه
عوامل مختلف مهاجرت از کار قسو
تلبيفات، ه مهاجرت پسندان گرفته
آن اتباع فئارها به يك نكته مربوط -
مشود و آن "جنه خانمانسور" در
کشور است هر دليل از همجانافس
مشود.

* چن کمع هاو امهازات به عسود
كتنده كان در نظر گرفته شده است?
* پهرومون اين مطلب استاد صرب
دولتش موجود است ها آنهم به مانع
برسخ شما باید گفت كه:



** آنده مهاجرین كه در مناطق
سرحدى به خانه و کاشانه خود موده
مهنگند در وزارت امور موده کنندگان
ثبت نيمگرددند، لذا نكته نيز به آنها
صورت نيمگردد. مكته دين مورد تجد.
يد نظر صورت گورد.

* مغارفون كه درين راه صورت گرفته
به چن وقت بالغ ميگردد?

* ها اخير سال ۶۸ مجموع مصارف
مودت كنده ها بهشتاز دولتماراد
و سه صد و بیست و دو مليون افغانۍ
مشود كه از بودجه دولت به هميو
منظور اختصاص داده شده است.

* اين نكت شامل اعماهه، اباتهه
تجهيزات، مهمانخانه، مانقلات



** چن چيزی شما را مجبور به رفتن
گرد و چن گونه دوباره آمدید?
* جنه روز کارما را خراب ساخته بود
چار طرف خطر مرگ بود، ه همراه
دوچه جوان و دخترهايم مهاجر
شد، هر دوچه از پاکستان بعيران
رفتن، چند وقت بانکس بري ما
نشان آورد كه آنها را قاچاق براان
به قتل رسانده، دوباره هردم -
* شهيد با هزار مشکل به وطن آمد.
* * *



* اسم شما ۴۰۰
* نام من سراج الدين قيلا مامور -
* زراعت در لوگر برگشت از ايران
* منطقه سرخ آتش گشته بود ها لوكر
آمد، هم به كابل، درينجا قحطيس و
قبيش بيدار ميگرد، هفت هشت ماه
پيش از طريق هرات به ايران رفته
چون تعداد اهالي فاميل زياد بود
كارپيدا نيميد، كرايه خانه در ايران
بسمار بلند است، جبور پس آمد.
حالا سري هيز نهم به وزارت امور -
عودت كنده كان و هر سنه هاي را در
زميه با پيتن از مسؤولين در مومن
مكدايرم.

* لطفاء پهرومون كميت عودت كنده ها
و اينک آنها از کجا هامن آيد معلوم
نماده است.
* در مجموع ها اميرز (۵۴۰۱) نفر
به طبق موده اند كه از چهلمين
۱۴۹۶۱/۱۱ نفر از ايران / ۲۱۵۸ نفر از هند
نفر از پاکستان / ۱۴۹۶۲ نفر از
و چهه از گشورهای كيجهه، ه مرسنه
سعدي، هامر يك، هالهان غرب، ه
اسفراها، اتفيش، ه جا چان، هانکسا
وطبعاه، وقت آن هاي وطن بودگر -
اردي، ه ترکيه، ه فرانسه، ه سويس
دوي، ه سوچي، ه کانادا، ه سر
سريلانكا، هراق، هالهند مسوده
نموده اند، كه واپس جمعه در ۳۱
ولایت گشور مكه گيرم شده اند.

* هررومه تمول هوده كنده گاهي هر -
هوره هم اينجا وضع هنوز هم خوب نهست
و اگر خودت خواسته باش، ه بما من
ترا هم به پاکستان من برم و زياد تر
ازد و چند همان معاشه را برايم
ميدهم كه فعلاً از مجله سپاهون مس
کهري، زنده گيت خوب بيشود.

* شما لطفاً خود را معرفت كنيد?
* اسم هم بس هم حاجي مزاري برگشت
از پاکستان.

* چن چيزی شما را مجبور به رفتن
گرد و چن گونه دوباره آمدید?
* جنه روز کارما را خراب ساخته بود
چار طرف خطر مرگ بود، ه همراه
دوچه جوان و دخترهايم مهاجر
شد، هر دوچه از پاکستان بعيران
رفتن، چند وقت بانکس بري ما

نشان آورد كه آنها را قاچاق براان
به قتل رسانده، دوباره هردم -
* شهيد با هزار مشکل به وطن آمد.
* * *

* اگر حقيقت را بکويم سپاهون آسرا
چاپ خواهد كرد?
* گفت چرانه؟ با اطميان كامل.

* در ده سال گذشت هم حرمس
نسبت به کرامات انساني به قانوون
تبديل شده بود، ها هر روز از جانب
بعض ها تو همین متفق و تخریب
ميشد، ه بروزه ها در اواخر هر راه
من غير قابل تحمل شده بود.

* با خانواده ام مهاجرت نمودم.
* ميدانيد، وضع در آنها به هم صوره
خوب نمیست. مردم بیگانه بانگاههای
خود پناهندگان را اتفان را تو همی
و تغیر ميکنند. از هر گوش میکنند:

* آه! او ترك وطن نموده است!
* و به اين ترتيب دوباره برگشت.
* * *

* اگر زحمت نباشد خود را معرفن نما
يد.

* اسم من غلام تقبيند سابق پيشه
آزاد، از ولا یت پيکها برگشت از ها
كتن.

* میخشید شما بگويم، كه چرا فهد
و چن گونه بزرگشند؟

* جواب مرا نشر كرده میتوانند?
* بل - چران.

* رفتم كه زنده گيت خوب شود و بار
هوره هم اينجا وضع هنوز هم خوب نهست
و اگر خودت خواسته باش، ه بما من

ترا هم به پاکستان من برم و زياد تر
ازد و چند همان معاشه را برايم
ميدهم كه فعلاً از مجله سپاهون مس
کهري، زنده گيت خوب بيشود.

* همینقدر گفته میتوانم كه آرامش در غرب
بت به دست نم آيد، ه مردن در طلاق
خود هزار بار غرف دارد، ه سرزمه
ديگران سلطنت كردن.

* هرجس نباشد، هطن حيثت ما در
را دارد، ه ۰۰۰ هرچه مخواهم شا خود را معرفن
مهمرا نمیشد.

* عبد الرشید دهاتي، دهاتي زبان
ديپارتمان همیز ه دانشکده زبان
و ادبیات برگشت از ايران.

* هرگاه دلایل راکه شما را ماصم
ترك وطن نمود، ه بگويم و اينک چن گونه
برگمهد؟

* اگر حقيقت را بکويم سپاهون آسرا
چاپ خواهد كرد؟

* گفت چرانه؟ با اطميان كامل.

* در ده سال گذشت هم حرمس
نسبت به کرامات انساني به قانوون
تبديل شده بود، ها هر روز از جانب
بعض ها تو همین متفق و تخریب
ميشد، ه بروزه ها در اواخر هر راه

من غير قابل تحمل شده بود.

* رفتم كه زنده گيت خوب شود و بار
هوره هم اينجا وضع هنوز هم خوب نهست
و اگر خودت خواسته باش، ه بما من

ترا هم به پاکستان من برم و زياد تر
ازد و چند همان معاشه را برايم
ميدهم كه فعلاً از مجله سپاهون مس
کهري، زنده گيت خوب بيشود.

* هرجس نباشد، هطن حيثت ما در
را دارد، ه ۰۰۰ هرچه مخواهم شا خود را معرفن
مهمرا نمیشد.

* عبد الرشید دهاتي، دهاتي زبان
ديپارتمان همیز ه دانشکده زبان
و ادبیات برگشت از ايران.

* هرگاه دلایل راکه شما را ماصم
کهري، زنده گيت خوب بيشود.

چه غور و تکی

چاچن دانه دی آز بولی جی
مینه انسان خرنگ هخوی هنه
رستینی مینه نه پیژنی .
ن مجیر نیشیفسکی
خرنگ سری هفتمین مینه .
ای . ایرینبورگ

مینه لرل - پعنی دبل لیاره
د خیر غوشتل ؟ هغه هم دلما ن
به خاطر نه بلکه دهنه چاپه
خاطر لک کم سره جی مینه لریا و
هنه کوی خود ایمان به صورت
که هنه ته داخیر و بروی .

ارتیتو
مینه په خیل معان کی دانسان
تول نه خصوصیات یوغا ی کوی .
بالزاله

مینه هنه بوانی هوس دی جی
تیوار او اتلونکی نه پیژنی .
بالزاله

زوند گل اوبینه دهنه گلبن
د ی .

ویکتور هوگو
به زوند کی بویره لریه نیکرفس
به دی باوری ده جی ستاره
مینه لری .

ویکتور هوگو
بازی قوی مینه کولاپش

هنه سو تغاهیات رفع کریمه
چی به گذ زوند کی منع
راست .

تیود و د راند

بن مینی زوند هفن و چی ولس
نه درته دی چی به اورینه حسکه
ک شنه شوی وی .

هندي حکمت
نارینه اوینجه - د موزیک هنه
دویی پانی دی چی بیله هنوار
انسان د زنده تارونه بنه ای سوره
زغنه کوی .

د مادر زنی
مینه اود وست دوه لور احسان
سونه دی چی انسان به رستینی
دول بد لسوی .

ای . رختیر

بسته میشوند



بر اشتکار فریبا سرلیمی

اين بار در نهکه میکند و بلا فاصله نهاد
نه سوالیه بزرگی در نظرش جسم

مشهد ؟
حالا کجا هم ؟ و خصی ها کوتاه
میخواست - مدن است جهت رفع
تیاز مندی های اقتصادی درین مدت
کاری برآم دست و پانعام ؟

- آیا میتوانم به خاطر دیدن خا -
نماده ام به ولا یات سفر نمایم ؟

- برای اماده کی گرفتن در روس آینده
کتاب موجود نیست چی طور مشهد ؟

- آیا درس های که شنیده هنوز
آنقدر شده است که بایست بارها

نکاراش کنم ۰۰۰۰ و از جانب دیگر
هر سه های دیگر :

- اگر در جریان درس و تحصیل هفت
بانی حوادث را کش شوم ؟

- اگر هنگام کردش و تفريح در صحنه
پر هنtron ، ناگهان با خاک و باره
یک شوم ؟

و بدهنگنه است که اگر دروازه های

مراکز تحصیلی بسته میکردد هکتاب
های بسته شده به المانها پناه میبرند

اما دانش آموزان چی میکنند و چس
میگویند ؟ بهتر است از هفاه خود -

شان بقیه نهم .

بقیه در صفحه (۱۶)

وقتی همیشه

چی کاری برای مردم (خشنی همکویاه
مدتاست
میتوانم دست و پانهام

اگر از سوی " مثله " پس از تکمیل -

نسبت خود " رهنمود دهنده است
در پاره عی از موارد " در مدارج

آغازین " محتاج رهنمی ها الا -
بس و برایش میباشد .

وقت شاگردی محصل و پادانش
آموزی میخواهد وارد مو

تحصیلش شود و چشمیش به اعلاه
بر جسته بی مخورد که " تعطیل

است " راه آمد " اش را واپس میباشد
و وقت روز زیابان تعطیل به تاریخ

معنی دوباره من اید و اعلان بر -
جسته تری را میخواند که در آن نوب

شته است : " تعطیل تمدید است "

کفته معرفه است که فرهنگ فلتنه
با فرهنگ میتواند جذب شود و بدنی

ستکم آموزش صرف بر زمینه مستکم
هزی میتواند استوار باشد .

بدون شده این زمینه همان
مثلیست که امروزه ، ان را دانش

پزو هان " وضعیت فرهنگی " نام
داده اند که عبارت است از :

- قلاش لحظه افزون در امری بر و ش
سمتیماتیک ذهن پذیرندگ و ارتقای
سطح باز دهی آن .

- جاری نگهداریشن پدیده " مدامت
با طرد هر نوع مقاطعه کاری در روید

فرار کری .

- استحکام نهاده های آموزش از
طریق تا " مین و تحکیم بیوندمیانه
دستاوردهای فکری و تکیه گاه های

اجتماعی آن ها .

وضعیت فرهنگی نیز همانند هر
مینیت دیگر در هر مرحله بی از روند



به رخصتیوکی سالی او کنیه بختیاری
ولی.

- دفتر علی دنترهارد طب د اول کال
محصل د خپلو مصروفیتیوکه هکله
داس خرند ونی لری :
- نون ورخ چن کم قبایل موانسان
دلته به زده بکره بخت دی "چن م
تحصیل او بنه خدمت وکری
شتره مرخه دخنه
مز تولو قبایل زده کونکته داموضع
لو بوره با ارزشته ده چن دیستاخواوی
که د پخواه غم او بنادی سره شریکه کرو
نون ورخ چن کم شرایط به افغانستان
کی دی دادند موز ته رایه غاره کوی
چن باید د جنگ پر مدد مبارزه وکری
اوهدی لاره کی انخانونه هم و نصیمو و
د مثال به توگه موز نه بواخسینه کابل
بلکه بیر جلال اباد کی هم دینی باند
افتتاح کری او د افغانی زخمیاند -
زوند در فرولویه خاطر خپله ونه اهد
کرد.

زمیاعینی ارزو داده بی پس
افغانستان کی امن راش او ملکه
ترقی وکری د دفعه ملک ترقی زموز ترقی
د .

مز خبری لایای ته نه وی رسیدلی
چن بی میوان مد اخله کوی ایواخی که مکنه
وی زه غوارم د محان به هکله بیخه
وایسی .

- به مینه ای اوره .
- زه محمد خان د خوشحال خان د
امحمد فارغ التحصیل هم داده کاله
کنیه چن دلیمی محظه فارغ شوی هم
هیله لم چن دلته د طب به استیتوت
کی شامل شم

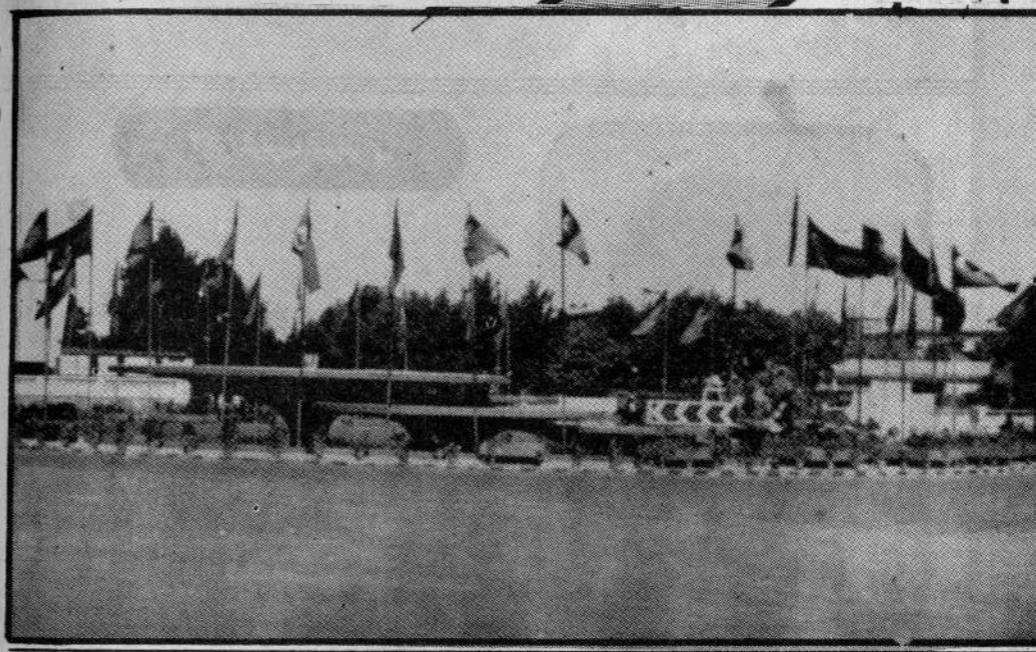
- دلته تاس ته دلور و زده کر و جانس
نه ورکل کنیه ای اوکه نور بونهنه
ستاس یه زه بربرنه دی بواخس
طب غواری .

- مانه به نور بونهنه یوکی لکه
ژدنالین کی جانس را کوی ولی نظر زما
بعلاقی اونظر زموز دخلکواوسین به
ضرورت زه غوارم چی طب او یامه
انجیری و لولم .
- اید واره یه ستاسی مندی کم او -
اززو مو ترسه شی .

او کله چن م دهد الباری اخکری
د خوشحال خان دلیسی فارغ التحصیل
اویه انجیری رشته کی د بورم کاندید
خخهد رخصتیوکه ورمعوکی د هفه د
مصره فیتوکو بونته وکر د داس یس
یاتی به (۲۹) مخ کی

قابله خوان پکان

صلمه کلکیه لمه



سعوی، پایی ته رسپنی . دی هد ف
ته درسید و به لارکی هر راز خدمت
او فعالیت خیل اساس مسولیت او
دنده بولو . موز قبایل خوانانیه
کی بیشیر قبایل موانان لید کنیه
چن خپلی زده کری برخ بیايس .
د وی د خپلو سیمود بیلا بیلا
گوند و نو عضویت لری چن د گوند لے
خوانه د لته راستانه کنیه . دلدو و
زده کر و به ساحه کی ۱۵۰ او بی
خوشحال خان لیسے کی د د وی شعیر
وینی بانک تا رسپنی کری چن بی خپل
کی مو ۰ زه سی سی وینه ورکر ۰ -

البته داکار هردی میاشتی تکارنیه
او هفه قبایل خوانان چی به بعر کی
زده کر که کوی کله چن به رخصتیوکی
رامس دی بانک ته وینه ورکوی .

مز به دی عقیده بیچن لرا و پیشتوں
بیو دی . د د وی بمنع کی باید بوره
وحدت او بیوانی موجود وی به هدی
وجه غوار و به خپل سازمان کی دنسه
د بسته د ملی وحدت او بسته باره
کی بیوه مجله راویاسو .

- به دی رسپنی خوانانله خولی
خخه د هنفوی د مصروفیتو و فعالیتیو
به هکله بیخه واوو :

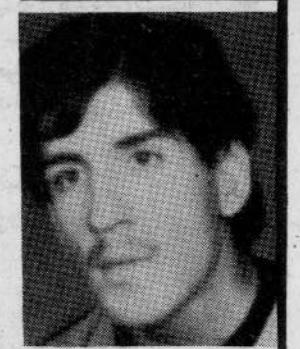
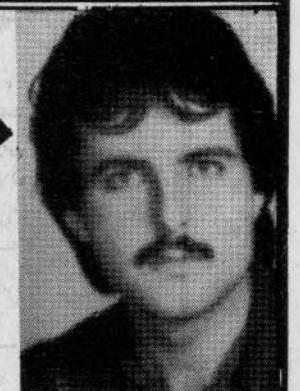
- تاس خپل نهان معرفن کوی ؟
- سید معروف شاه د بولیخنیک د د وهم
کال محصل .

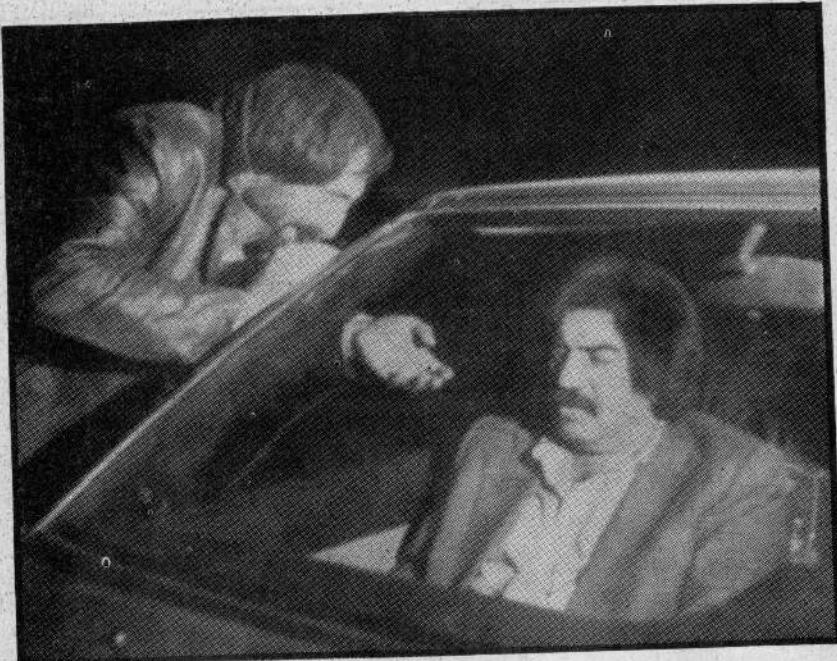
خجوره وخت کنیه چن د لته یاست?
دری کاله . چن د وه کاله د خوشحال
خان به لیسے کی زده کونکی ۰ .
تاسی د د رس ترخنگ نور کوم سولیتنه
لری .

مز د افغانی دریو ستوزه خپله
ستونزه بولو . کوینس کوچنی باید
به افغانستان کی دنه لعنتی جگر
چی دانسان د زوند کلان مر اوی کوی
د زوند تکی غوت زنی اوایادی به
که جیوی موز سره به دی هکله همکاری
کعن والید لوی او د خا و سره یس

د اجکره ده چی دانسان د زوند کلان مر اوی کوی .

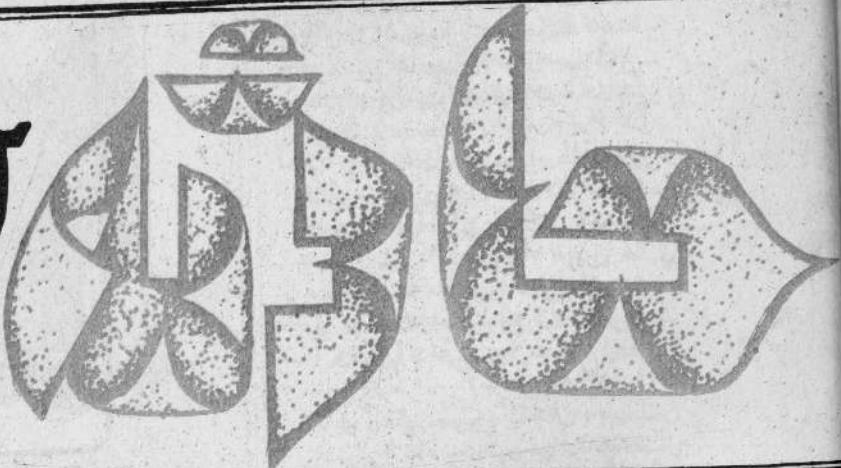
لرا و بر پیشون سره بودی .





عباس شهان تهیه کننده و کارگردان خوب فلم های سینمایی و تلویزیونی کشور ماست، که تحصیلات مسلکی خود را در رشته کارگردانی با استفاده از یک کورس تحصیلی در فلم "استمتوت پونه" کننده به درجه لوسانس به پایان رسانیده است. آغاز کارش در سال (۱۳۵۲) تهیه و کارگردانی چار فلم سینمایی بوده همچنان دو فلم کوتاه هنری در ارتباط با فعالیت های سره میاشت تهیه کرده است که هر دو فلم در فستیوال "ورنای" بلغاریا در کشورهای نگرانی باشد اما مقام اول درین سایر فلم های که بدین مناسبت تهیه شده بوده حائز کردید. افرون بر آن فلم های مستند سینما بعنی نیز تهیه و به نشر سپرده که مادر این اواخر نمایشنامه فلم حادثه را بسیار

آمد



در این فلم هنر پیشه گان خوب کشور چون اکرم خوش، فردی فیض، جواد ناصر حسدری، عادله ادیم و که متوان از کوکه همایون عجایب و دلایل لودین نام گرفت، هر چند کارد رهمنا خالی از دشواری نیست با ان هم هنر پیشه گسان فلم حادثه هر کدان در حدود برداشت خوبی خوب درخشیدند. چن مددار بول در تهیه آهن فلم به مصرف رسید؟ ما در یه فلم در حدود یک والم

یقه در صفحه (۱۲)

در روی پرده



صاحبہ از ذکر اجر

حادثه

فلم حادثه از فاجعه و امداد یاری تقدیم شد

حادثه

حادثه

دستورالعمل

تصویرهایش

ساخته از فریما سولهی

وآن را زنده و برجسته میسازند. استفاده از سبک‌ها بدون ادای جملات و حتی بدون یک کلمه میتواند مفهوم را برسانند.

* استفاده از سبک‌ها - بعیزه

سبک‌های پیچیده - در کارهای شما کاملاً کاه ادران آن را مشکل ساخته است. ممکن است یک از سبک‌ها به کار گرفته خوبی را تشریح کند؟

- آهنگ اسد بدین رایه یاد می‌آورم.

آهنگ را که طرح نهایت بلند (هدیه) فروغ فرزاد را اجرا کرده است برای این آهنگ تصویری ساختم درین

تصویر، نماد نخستین دو شاخه گل است. یک جوان و تازه و دیگری

سبتاً پرمده. گل جوان که سبک نسل جوان است میسوزد و همراه با خود گل پیر رانیز میسازند و بعد تصویر کودکی می‌آید با شمع یا چراغی در دست

که نماد نسل آینده "چراغ به دست" است.

* در جامعه مامعمول است که هنرمندان، بیش از آن جه که میسازند خود نمایی میکنند و بیش از آفرینش‌ها،

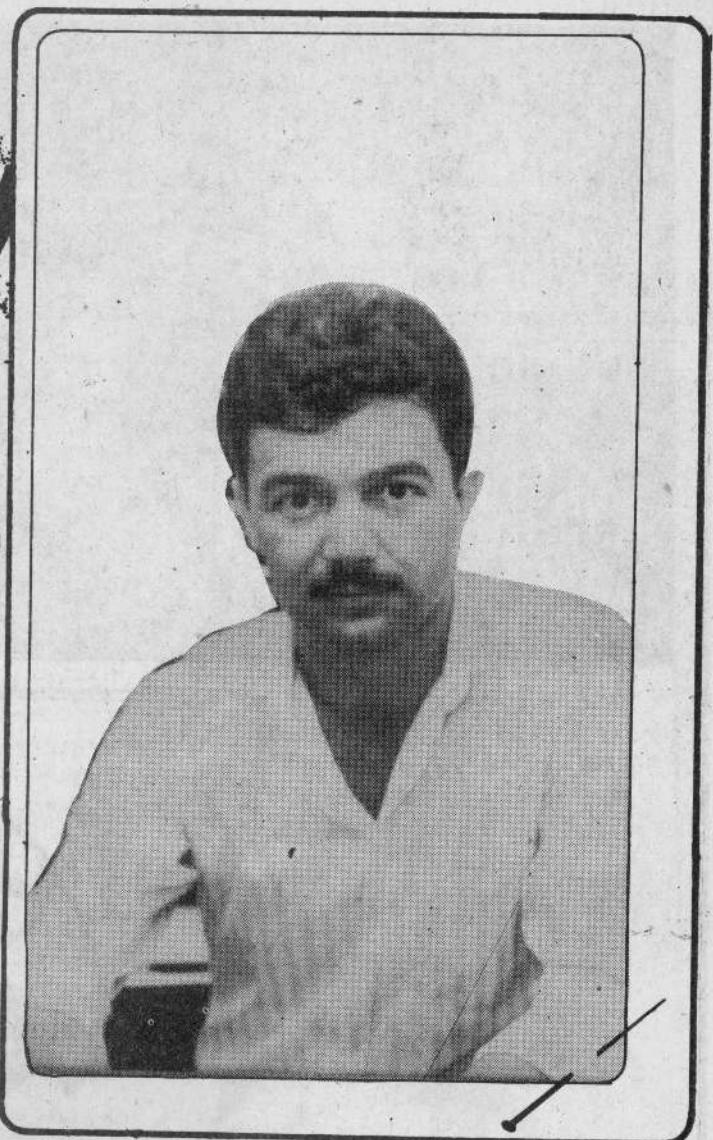
بار بار خود را رکلام مینمایند. درین سخن بیشتر به نظر نامجوی استند تا آفرینش خوب هنری. اما شما بر عکس

این شیوه عمل مینمایید، تاجایی که با این همه کار

های چشمگیر حتی برای انجام داد ن

این معاشه نیز با اکراه حاضر شده

بقیه در صفحه (۱۶)



تلوزیون ایفای وظیفه میکم و مکه پر عموی

یک از ستاههای سیار تلویزیون است.

* از جی زمانی به اندیشه کار

گرد ای آهنگ‌ها افتاده بود؟

- در یک شنبه در معلوی کارها ی -

اصليم، با محترم ظاهره هریدا کارها ی

تلویزیونی برنامه ((قطعن عطار)) را -

تنظیم مینمودم ۰۰۰ ولی در مسال

(۱۳۶۱) نظریخواهش محترم هود ا

یک آهنگ تلویزیونی را ثابت نمودم که

استفاده زیاد مردم توجه قرار گرفت و

این ترتیب کارهای در زمینه ثبت

آهنگها آغاز شد.

* چرا شما در کارهایتان بیشتر از

سبک‌ها یاند ها استفاده میکید.

- استفاده از سبک‌ها که ریت

آهنگها ی تلویزیونی، همیشه من بود

و سبک‌ها به آهنگ، روح میبخشنند

باری، از تلویزیون پارچه‌های زیادی از

موسیقی را به تماشا شسته ام که در این

عرضه، کارگردان جوان و مستعد (نزار الله سیفی) خیلی برجسته بوده

و چشمگیر، و سپس سروصد ابرانگیز.

سراج سیفی رامیکیم تار رابطه با کار-

هایش، شیوه کارگردانی موسیقی در

تلویزیون و سروصد اهای که در مساله

کارهایش ایجاد شده، صحبت کم -

بر سههای خود را مطرح میسازم:

* ممکن است اندکی در مردم خوده

صحبت کید، منظوم در رابطه با کار

نان است، تاجایی که میدام، نما

نه عضو اداره موسیقی تلویزیون استید

ونه هم به عنوانی کارگردان موسیقی...

اما در کارگردانی آهنگها ی تلویزیون

سهم نمایی دارد؟

- درست است، من در بخش تخصصی

چهرهها

کتابخانه ایران



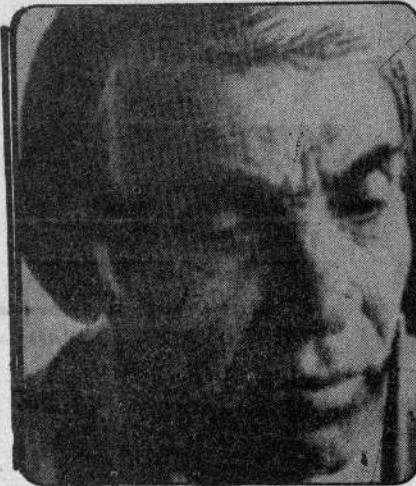
دوست

جدید به کار پرداخته بعد از اخیر
سند عالی اکون در شفاهانه ملاس
زیست نتون وکلپنیک های مختلف کابل
کارمیکمید.

اساساً عده ترین کارهای راکه
انجام داده، هیارت است از جنده
عملیه "جراحی به نام (سازان مکنن)
در شفاهانه" سهم غرفتن در عملیات
جر احی خارج ساختن تومورها سایر
را قعات سلطانی بوده که خوشبختانه
فالباً منجربه صحت یاب گردیدن ببین
ران گردیده است ۰۰۰ نجات دادن
جنده طفل نژاد، با تکالیف و مصائب
و اعماق پیشرفت تفسی که هنگام تولد
خط مرگ آشنا را تهدید نمیمود، تامین
مراقبت جدی و انتظامات عاجل طبع در
بقیه در صفحه ۱۲۷

blow

د اکثر سعیده شمس زیست خوش
پر خود و همیان که به بسیار آرامش
آهسته آهسته حرف میزند از حرکات
و وزست های پر درجه اعتناد به خوشبختن
او را به خوبی میتوان دریافت هنگام
استدلال کردن؛ جدی قاطع است.
د اکثر سعیده شمس با بیمارانش بربر
خورد بسیار صمیمانه و عاطفی دارد. به
همین جهت است که مراجعین حین-
بیان شکایات خود، هرگز اوابیانه
تصور نمیمایند. وی پس از فراتت از-
ناکولته طب کابل، جهت تحصیلات
عالی در شرکت اختصاص نسایی ولادی
در شفاهانه ((بشوانم)) واقع در هلس



محمد یوسف کهزاد شاعر و نویسنده
شناخته شده، نقاش چیزه دست، " مثل
بیشکمتو و دراما تیست صاحب نظر
دراد بیات و هنرهاي زیبا اکون به
حیث رئیس کلتورو هنر وزارت اطلاعات
ایفاي وظیفه مینماید. اوراد رهمان
لحظه اول با بیان نصیح " افاده " صریح
طنز گویی ها ویله گوین های استادانه
اهل صحبت و اهل ذوق یافتم و فهمید
که با شخصیت ای طرف نیستم. استخراج
موضوع از سوال، قراردادن سوال با
سوال، ایجاد تنازع سوال از سوال و
تلغیق آن با موضوع از شیوه های صحبت
های استادانه اوست . . .

در طریل صحبت در یافتم که این
هنرمند توانا ذهن شنونده خود را به
بازی میکیرد، بازی های او شاعرانه
است، هنرمندانه است، سحرگذشته
است و هرچه از این بیشتر گفته ایم،
کثر گفته ایم.

وی تحصیلات عالی خود را رایاتیا
از اکادمی هنرهاي زیبایی شهر رود ر
بخش نقاشی به بایان رسانیده است با
وجود آن که او هنوز رایاتیا ماحصل
بود، اما در بیشتر مسابقات هنری
اشتراتک میگرد و چنانچه در ریکی ازدوا-
مسابقه برندۀ مدال طلا و نقره شد.
قبلاً یک سلسله کارهای را در زمینه
میانواری مدرنسیزه شده انجام داده که
موضوعات آن بیشتر روی تعثیل متن شعر
است واریوده، سوزه نقاشی اورا-
آبدات تاریخی، طبیعت افغانستان،
پروریت و کوجه های قدم کابل که از
نکاه ساخته اند و ارشیتکور کابل باستان
که برای بینندۀ فوق العاده دلجمش
است، تشکیل میدهد. از زون پسر
نقاشی که مسلک اصلی وی است، به
بقیه در صفحه ۲۹

دليکوالد انجمن د هنرمندانه لیکوال او همراهانه



د ليکوالد انجمن مرستيال محترم
اکبر کړګرفارم چې د ليکوالد انجمن
د نوي هلوغلو به باب موز تا
معلومات راکړي.
د ليکوالد انجمن رئيس او مرستيال
د هنري برتميني فوندي به ترڅ کمس
پتاكل شول . به دفعه فوندي کي د هيواد
نامټواسابه لړونکليکوالوکون کړي.
کولائي شو دواړيون داد انځاستان د
ليکوالد انجمن لومړي پلېښ و چس
د هنري به ترڅ کي دانجمن رئيس
بخيله د ليکواله خواونتاكل شو.

د ازاد انتخاباتو له ترسه کيد وروسته
دانجمن به شريانونک یوهنون او
خونون رامنه ته شو چې د هنري به
ترڅ کي پخوانی بیوکراسی به تامه مانا
دله منعه تللویه طالی کي شووه .
زموږ د انجمن انتخابی مشتابه
تره رخه لوړي بخيله پاملنډه د ليکوالو
الجنون خپروني دزوندون مجلی ته
وکړه دهکه چې دفعه مجله دنه پاملنډه
له امله د کال به وروستيشن و پاشتو
کي له جایه راوونه دفه مجله د فصل
نامې بهه فوره کړي . د زياتو مخونو او
زياتو مطابویه لرلوا سره خپرې . د
مشتابه پلے بري د قلم جرد چې به
دي ورځوکي یې لومړي کې له چاپه
راوونه او نووي کې به یې هونسلسله
وړځوکي خپري شن .

د عوانانو ليکوالو کاټو، هم پېړته را
ووندي شود عوانانو لیاره چې زیارت
د کابل پوهنتون اوښونې یو زده کونک
دي دزده کړي کورسونه جوړ شویدي
دفعه کورسونه د شمر، نقد او خپرې نوا
داستان به برخوکي فعالیت کړي .
د افغانستان د ليکوالو اونجعن هیله
کړي چې د هيواد هرليکوال او هر شامر
پايد دفعه انجمن خپل کورېولی او به
خپلوا یجاده او تحقیق لیکو پايده
دفعه فرهنگي مرکز سره مرسته وکړي .
زمزه د انجمن صده او همی دندې
د قلم مازره او د فرهنگ سوسو تباده
موز دفعه اصل ته پرته له دی چس
پاڼي به (۸۱) مع کې

رو مروده د هنرمندانه تحادیه پر جملو سوده درې



تحاد په ٻاندي استقادونه را پيل شول .
خوبه دې روستيو وختوکي زمزه زد
تحاد ساده دې به دې ماناجۍ د ټه
والی کلمه به خپل دا تک به گوته کوي
چې د دا سی اتحاد پورامنځ ته کهدل
او د خپلوفر و فوښتوونه پايد محواب
وړکړي .
په هردوول د اتحادی رامنه ته
کسرې . خوله بدء مرغه جو زمزه .
زموږ اتحادی به تيره بيازمه زون
تحاد په له پاسه او د لړي و مقاماتوبه
فرما پيش جوړه شوي وه . ټعنه پن د لړو
فوښتوانه کار کاوه او هنډه خه چس
پايد اتحادي ترسه کري واي هنډه
ترې پاتې شول او پله لاره یې فوره کړه
حتي وئي نه شوای کولائي چې دانجنا
دې اهداف به خپل د اتحادی دغرو
چې منځ خواره کړي . همداوجه وه
چې له مختلفو اخوندځه زمزه پس

کي پر نوچر و اصلونو پرالي شن کنه!
محواب ساده دې به دې ماناجۍ د ټه
والی کلمه به خپل دا تک به گوته کوي
چې د دا سی اتحاد پورامنځ ته کهدل
او د خپلوفر و فوښتوونه پايد محواب
وړکړي .
په هردوول د اتحادی د فعالیتونو
زموږ دې پنهن خونه موځوښتل خروږا
جن ایاد دوی اتحادی د هنرمندانو
په راغډوکي یې نړۍ بجوري برخه
اخسته اوکنه ؟ په خواب کې به دا س
وړل :
د افغانستان د هنرمندانه
دانجمنونو اتحاد به به یې بازمه زون
جوړه شوه . د دفعه اتحادی د جوړ پدرو
اساس هدف د هيواد د هنرمندانو
راتولول به هيواد د وګنۍ هنرمسوټيا
د هنرمندانو لړو خنځه دفاع، د
مختلغو هيواد له هنرمندانو سره دوه
ار خیزار یکي د نړۍ هيواد و خلکو ته
د هيواد د هنرمندانه ده . مکر
اتحاد پوره ته توونه لاسلیک کړیدي .
په نومړي پوهنځه د هنرمندانه ده
دې وکلائي شول چې په تېرو لسو کلونو
پاتې به (۸۱) مع کې

تشویق به برخه کي یې به افیزه کړي
د هنرمندانو اتحادی به ۱۹۸۰ کال

کي د زورنالستانو ده سازمان د کنګري به
غري پتوب د دفعه سازمان د کنګري به

ترڅه کي چې به مسکوکي جوړه شووه
اتحاد يه له غري پتوب خنځه تراوسي ده

خلی د اجرائيه هيات دغري به توګه
تاکل شوي ده ۱۹۸۰ د ۱۱۷۰ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۸۵ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۸۶ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۸۷ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۸۸ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۸۹ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۰ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۱ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۲ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۳ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۴ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۵ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۶ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۷ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۸ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۱۹۹۹ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۰ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۱ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۲ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۳ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۴ ته د هنرمندانو

ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۵ ته د هنرمندانو
ټه د هنرمندانو ده ۲۰۰۶ ته د هنرمندانو

د زورنالستانو اتحادی به ۱۳۰۹
کال د سبلی به ۲۴ نیټه د ۴۸۰ ته
زورنالستانو یه گډون د خپلې بنستو
کنګري به ترڅ کي براستله شوې بشه
لومړنی کنګري کي د اتحادی داهد او
او دندو لولیدي به گوته شو، اساسامي
جوړه او د اتحادی بې مرکري شورا تخاب
شوه .

د زورنالستانو اتحادی بې مرکي
عبدالله نادر د زورنالستانو اتحادی
په باب د اسی عزیزه وکړي :

د زورنالستانو اتحادی بې جوړ یدو
نېټنې ترڅه وکلائي شول چې د کابل ناري به
زورنالستانو چې د کابل ناري به ۱۹۲۲ ته -

لومړ نیوسازمان او د ولایتونو به
شیرا کاټوکي راغونه شوې دې په د اتحادی

دې غري پتوب یه ملنی دې چې
لړوړو یې شميرخه ۱۹۰۱ ته د هرځو
په د جمعي ارتباټي سایلويه برخه
او ۲۱۰۱ ته خود قلې همکارانو په
تولګه کارکوي .

د دغنو اتحادی له معموں عمالیتو
خنځه یوهم دنړی یوال زورنالستانو د پرسو
خوږو او معموں زورنالستانو میټو د پرسو
پېښت د زورنالستانو روزنه او بالسده .

په همدي توګه اتحادی تراوسي وکلائي
شول چې د کړښوا پاندې یو تحریک
لړونک او ستاد او په همکاري (۲۶) -

ټورنالستانوی کورسونه جوړ کړي چې به
دغو کورسونوکی تول (۱۶۳) ته
زورنالستانو یوال شوي او زده کړي په
ټورنالستانو یوال شوي او زده کړي په
په کې کړي ده .

برسیره بزدې اتحادی تراوسي د
زورنالستانو د تېټوی په باب (۲۵) کتابونه

په مختلفو برخوله هنډي اوږد
د زورنالستانو ده لارې د وټلواستارو په

برخه کي خباره کړي دې دی اتحادی تر
او سه خلور لوی علمي سینیارونه او -

درې مسلکي سینیارونه جوړ کړیدي .
اتحادی دکړي دی شول چې تراوسي

د زورنالستانو اتحادی د اسیا او افريقيا
د وجو او د لاتيني امريکي له (۱۹) -

اتحادی دکړي دی شول چې تراوسي
د زورنالستانو به برحه (۱۲) کاګړو زورنالستانو

اعلان کړي چې هریو یې به خپلې وخت
کي تکیدور او د زورنالستانو د هنرمندانو

په نومړي پوهنځه د هنرمندانو ده
دې وکلائي شول چې په تېرو لسو کلونو

پاتې به (۸۱) مع کې



د هنرمندانو اتحادی

سلاح ده



در چاشت

پیشنهاد

داریه استعفای کرد .
” نویسنده می‌افزاید :
البته مسلمه که میتوان این چنین
حوادث را بهتر شمرد و دلایل آن را
هم ادا مداده ولی باور دارم که
شما همه چیز را خوب میدانید . نظام
سوسیالیستی در سراسر بلک شرقه
بادیگر گونه‌های روحی روزگردید و در
کشورهای پادشاهی که چند ماه پیش
توسط دیکاتوران اداره پیشند ،
انتخابات دموکراتیک به راه افتاد و در
سیستم سیاسی و اجتماعی آنان دمو-
کراس راه یافت ، باید گفت که این
تحولات خارق العاده است . یقین
دارم و من یکانه کس نیستم که از تصادف
تعجب آوریم تغییرات در اروپایی
شرق و خبرهای مشاهده بشقابهای
پژنده در اتحاد شوروی آگاهی یافته ام
بل شواهد عینی در سراسر جهان و به
ویژه اتحاد شوروی موجود است که
حکایه گرمشاهده بشقابهای پژنده اند
شاید شما از خود پرسیده باشید که
آیا بین این گونه تحولات اصلاحی
و بازدید متعدد توسط مخلوقات از
سیاره‌های دیگر کدام ارتباط وجود
دارد ؟ آیا بازسازی یک نوع طبع
موجودات زنده خارج از زمان است ؟
من در تلاهی یافتن پاسخی برای این
پرسشها برآمدم و بایک نماینده
سفارت پولنیاند شناس گرفتم .
نماینده سفارت پولنیاند گفت :

من در این مورد نظری ندارم ، برایم
مشکل است که اشهر نظر کنم ، در
حقیقت من نمیدانم .
با وجود این همان نماینده پاره‌واری
کرد که : بقیه در صفحه (۱۸۹)



نیروهای مخالف روی بحث پیامون
اصلاحات سیاسی اعلام نمودند .

۲۱ اکتبر ۱۹۸۹ :

میدهد که یک سفینه اجنبي بزرگتر از
مهاوبا با چهار چراغ بزرگ که درین
لای شهر سیر پایی او مسلک توپ کرده
بود و دیده شده است . درین پیداد
آنزوون بر دیگران ، یک افسر عالی‌مقام
به نام ” جکون ولادیمیر لوگنوف ” نیز
شاهد عینی بوده است که قرار گزارش
روزنامه وی از جمله اشخاص با
صلاحیت و قابل اعتمادی می‌باشد که
جریان عینی قضیه را حکایت کرده است

۲۹ اکتبر ۱۹۸۹ :

یک مقام رسمی شوروی اعلام داشت که
عضوی از اعضای پیمان وارسا میتواند
در هر موقعی که لازم داند پیمان
وارسا را ترک گوید . پنگوئن پریما -
کوف رئیس شورای هالي اتحاد شوروی
اظهار داشت که ماسکو قاطعانه از
سیاست عدم مداخله در امور دیگر
کشورها پیروی میکند .

۰ اد سپتامبر ۱۹۸۹ :

پس از سال ۱۹۶۸ نخستین حکوم
متش در چکو سلوواکیا به قدرت رسید که
در آن کوئی نیستها اکثریت ندارند
این تغییر که موفق به خواست و ذرا
نهنگت عالمه صورت گرفت ، گوستاف
هوساک رئیس جمهور محافظه کار را وا-

آخرین پیشنهاد

ترجمه نویدون محتاط

داشت ، به من نزدیک گردید . آن
جا توره ب جای سر هنرها یک نشان
دکه مانند کوچک داشت که به سیله
آن از جمیش نور می‌افشاند و ناگهان
ناپدید گردید .

یک زیبور پرور به نام ” ج . شراکلا راف ”
آن نظره را تایید کرده افزود که دو-
جسم روشی بخصوصی شکل که بزرگ آنها
به اندازه هواپیماها بود در ارتفاع
تفربیا ۲۰۰ متر از زمین توپ کرده
بودند .

۱۳ اگست ۱۹۸۹ :

اتحاد شوروی همه محدودیتها را در
مور آثار نویسنده گان که ورود و نشر
آثار شان به اتحاد شوروی منع قرار
داشت ، رفع کرد . این رفع محدودیت
شامل آثاری به نام ” کلاک ارکهیلاکو ”
” جزیره کلاک ” اثر الکساندر سولو-
نستین که حساسی از اراده کامتا .
لعن بوده نفع مشود .

۱۵ اگست ۱۹۸۹ :

تدابیر مازویک به حوت نخستین
ضد راعظم غیر کوئی نیست پولند دیلاک
شرق انتخاب شد و حزب همیسته کو
وی در این کشور قدرت را در همین
آوان به دست گرفت .

۱۹ اکتبر ۱۹۸۹ :

رهبران افراطی کوئی نیست آلمان شرق
که به قیام سراسری برای دموکراسی در
کشور تسلیم شدند ، تقابلات خود را با

آباهجوم بشقابهای پرند بالای شوری ، محرك باز - سازی خواهد



های پل و آوردن بشقابهای پرنده
تحولات کتف اتحاد شوروی و اروپایی
شرق و جهان را در بر گرفت که
این مطلب طاوی تعبیرها و نظراتی
درین زمینه است که بخش خواسته اند
دیگر گونهای راک در کشورهای
جهان و شوروی بخداه است های
حوالات فرود آین بقایه های
پرنده پوند دهند . به یقین که
مرواری این مطلب عمال از دلچسپی
نمی‌ست .

واقعه چی چیز موجب تحولات کوئی
در اروپای شرق شد ، آیا هجوم
بشقابهای پرنده بالای شوروی محرك
بازسازی خواهد بود ؟

واقعه ها خود شان حرف میزنند :

۱۸ اکتبر ۱۹۸۹ :
یک پسر نایم ” کوهه مزکی حزب کو -
نوست شوروی به نام ” صنایع سو سیا -
لوستی ” کزاوش میدهد که بقایه
پرنده بی در منطقه هم واقع روسه ” -
مزکی فرود آمد . لوبایا و مید ویدوف
یک خانم دهقان است که چنین اظهار
داشت : یک شن که به انسان شباخت

نیست تا فیصله کنم که چن کس بر حق
است؟ این سویا انسو؟

اینجا و انجا حرف‌هایی بپردازیم شاء
سابق به گوش مورس دادا حرف‌ها
بپردازیم صلح را در همه جا مشنوم
امیدوارم اراضی درین سر زمین هر
چه زود تر حکم‌فرمایی کردد.

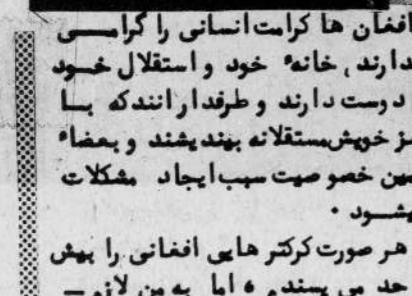
ش - در موعدی که قرار دارید
چن فکر میکنید چطور خواهد شد؟
ج: در جریان کارهایم، حقوقیه
من با افراد جالیم در هر دو طرف
رو برسدم. نمود اتم چقدر وقت دیگر
با او ضایع این منطقه سر و کار خواهیم
داشت. من هم بسیار علاقمند هستم
بدانم که چن واقع مشود و باصطلاح
چطور خواهد شد؟

مشکل است که نظریات شخص خود
را بکنم. در هر ذوق جانب با استعداد
دهای قابل قدری، ملاقات نمودم.
بیویند؟ مثله در پشاور؛ او غایع
کامل اشته و پیچیده است چندین
حزب و رژیشنکران در سطح مختلف
افزون براین‌ها تعداد رهبران زیاد
ولذا وحدت نظر و عمل موجود نیست.
شاری را دیدم که صلح مخواهند داشت
از پیش ناکفته نند. که هنوز در اینجا
نفرت عمیق نسبت به حزب وطن وجود
دارد خوب شاید نظر به خاطره‌ها
و تجارب گذشت.

ش: لطف کرده در باره معتقدات
تان به خواننده کان سیاون مطلع
می‌أرایم نمایید.

ج: خوشبختانه در فامولی معتقد
به ارزش‌های مسوحی تولد شده‌ام.
خدمت مک خدا پرست اصول و رومن
کاتولیک هست که با تمام جنبه‌ها
آن سنتوان مواقف باشم، زیرا من
به سایر مذاهب نیز علاقمند دلیم
میخواهد راجع به سایر مذاهب چیزی
هایی بدانم، به ویژه اسلام و مفکری
میکن اسلام محتوى و کیفیت دیگری
دارد.

البته این نکته بسیار روشن است
که بالا خرمه ماهر که باشم و هر چیز
باشم به خداوند واحدی عقیده دارم
بنیه در صفحه (۱۴).



گفتگو از ۱۰۰ معروف

داشتند و ماستری اشرا در رشته مطا
لغات سیاسی به دست اورده است
وی مدش را در غرب افريقا به مطالعه
فرهنگ مردم پرداخته و از ۱۹۸۳ به
اینطرف برای بیان کار میکند.
در پیوری سال گذشته به مسائل
افغانستان علاقه گرفت و پس از
هزار شهید، جلال آباد هرات
مینه و کندهار می‌فرتند داشته
و سپس در اسلام آباد توظیف شد.
او سفرهای زیادی به اطراف و
اکاف کانا دانوده و افريقا، شوروی
هند، پاکستان، افغانستان و لندن
را آزادی کرد. از آن‌جا آغاز دارد -
این‌ها را نیز بینند.

با خانم لیزد و سیاست صحبت مختصری
دارم که از اباهم میخواهیم:

ش: ممکن است از حرف‌هایی
بپردازیم زنده‌گی خودتان بیا غایبیم؟
ج: من هم اکنون ۳۱ سال دارم و
یک زورنالیست هستم که به بیان می‌سی
احترام زیاد دارم و با کارکردن با
آن نهایت خوش می‌ماید.
وطنم را زیاد دوست دارم و افغان‌ها
را نیز؛ افغان‌ها را مردمانی باشه
ام که در برابر وطن احساس عجیبی
دارند. اینها یکی از کاشانه و دیوار
خود به دور مانده‌اند، بسیار زیاد
زیج می‌کنند.

شما می‌گویید انشاء الله من هم
می‌گویم - به هر حال مهمنم نکن
اینست که روزی همه دور افتاده کان
به میهن خوش بیرون گردند.

ش: افغان‌ها را چگونه یاد می‌نماید؟
ج: براهم بسیار جالب است و تو خیلی
می‌فهم که مردم افغانستان مانند مرد -

مان سر زمین خودم، ظرافت و سرمه
بی دارند. به نظر من افغان‌ها
(چه آنها که در خط دولت فرار
دارند و چه برخلاف دولت) همه
یک احساس عمیق و یک صفت برازند -
دارند؛ شهامت. این‌ها دارای
قلب بزرگ هستند.

زورنالیزم رشته مورد توجه با محترم
در حضر ماست.

خبرنگاران امروز تپنگ نگارش تا ریخت
معاصر را در پیش بودیا گذشتند و اینده
در دست دارند. ازین رو مقام
زورنالیست با همه اعتبار و صلاحیت
وی توسط قوانین جهانی تسجيل -

مشود.
و اما زورنالیزم در جهان ما چقدر
ارزش بافته و خبرنگاران در کدام -
حدودی از اثرگذاری پر خواستگار
هاعلی می‌باشد و باید با خیال
لیزد و خوبی دو شهزاده نسازم و -
جستجو گر اشنا شویم.

لیزد و سیاست در شرق کانادا در قبیله
کوجک به نام بار خوست تولد گردید
شش خواهر و پهادر دارد او که با
سلط کامل به فرانسوی و انگلیسی
حروف می‌زند، در "بونورست کین"
تحصیل نموده است.
در سیاست و اقتصاد مطالعات زیاد



با خانم لیزد و سیاست خبرنگار بی‌بی‌سی معرفی شویم

نسل جوان در ستیر موسیقی



حکایت لشتنی

د رَگد

آن دوزینه آموزش آلات مو - سیق محترم استاد سلیمان سرمانت محترم آرمان و محترم ننگالی کمک مان نیکردند.

* آساسات و آموزش هر آله موسیقی را جداگانه در اوقات تعیین شده چن کونه من آموختید؟

- ما هر آله موسیقی را در اوقات معون به خاطر تعریف و کار پرانتکس موسیقی، هارمونیزه شده اجرا میکردیم یعنی نواختن تمام آلات موسیقی موازی با آهنگ اجرا میشد.

* چن زمانی حنجره تان را امتحان کردید؟

- وقتی که دانشجوی لیسه موزیک بودم با آموزش آلات موسیقی، آهنگ را به زمزمه میگرفتم، رفتہ، رفتہ احساس کردم میتوانم در اثر تعریف و تجسس بیشتر در عرصه موسیقی آواز خوان شدم و این پشتکارم باعث شد تادر ب کسرت هایی که از طرف مد رسه موزیک به راه انداخته میشد آواز بخوانم. * به متدهای رادیویی چن کونه راه یافتید؟

- از طرف لیسه موزیک سری به رادیو افغانستان زدم، بعد از امتحان در برابر استادان هنر موسیقی موفقی - شدم نخستین آهنگ را ثبت نوارهای رادیو کنم.

* چن کسانی شما را درین راه یاری کردند؟

- تشویق بیشتر هم از طرف خانواده و هم استادان یاریم کرد تا هنرآواز خوانی را ادامه دهم.

* چند آهنگ ثبت رادیو و لبسته تلویزیون دارید؟

- در آرشیف رادیویی و پنج آهنگ بقیه در صفحه (۱۵)

در سال ۱۳۵۴ شامل مدرسه مو - سیق کابل شد، و راه آموزش هنر موسیقی را بنیال کرده با وی حرف ها - بی داریم که خوب است از زبان خودش بشنویم.

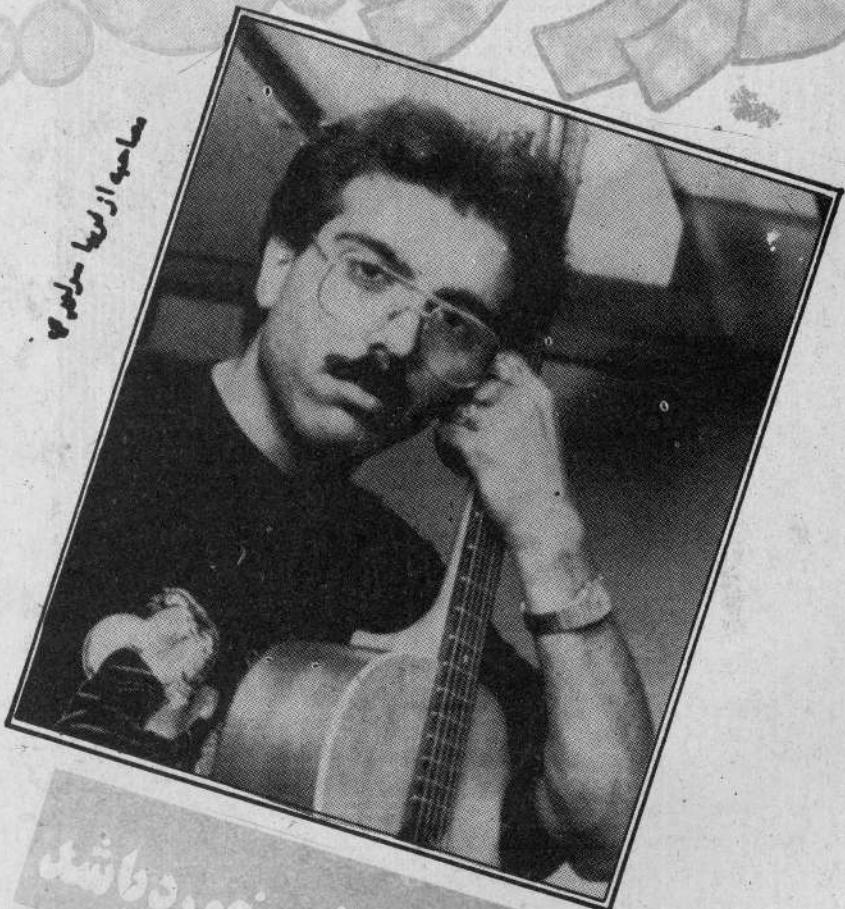
* شما هنر موسیقی را از کجا و چس کونه فرا گرفتهید؟

- من در لیسه موزیک را فرا گرفتم، اکسن آلات موسیقی را فرا گرفتم، اکسن خودم میتوانم ۱۵ آله موسیقی را - خوب بنوازم با تمام تورم و اساسات

حکایت از زکوه احمد

باری حرف های مان را با گل شکته بی از باختان موسیقی من آغازیم که صد ایش را بار بار از امواج رادیو افغانستان شنیده ایم و گاه تصور نهش را در صفحه تلویزیون های مان دیده ایم این گل نو شکته موسیقی جاز کشور ما، حمید گلستانیست، وی

پاپی



مقدمه از آنها
لرمه

روح الله رویین: هنرمندی باید متواضع و خوش بود

همه عده مندی جوانان به آوازی وی

شیره تلاش‌های وی باشد.

روح الله رویین از زمان مکتب بسته

آواز خوانی آغاز کرده است زمانی که

شاگرد صنف هشت مکتب پسندیده

لوسیه موزیک درس را آغاز کرد و باعث شد

مندی که به موسیقی داشت، توانسته

این راه پرخواهد بیج را تاحد توان

بهماید.

از او دعوت به عمل آوردم تا پرسشها

با آن که خیلی جوان است و سال
های زیادی پیش رو دارد تابه سطح
آگاهی هنری و تجربه هایش بیفزاید
با آن که زمان کم میگذرد که کام در
راه هنر موسیقی نهاده است، با
آن هم توانسته جایی در دل های
جوانان، علاقه مندانش بگزیند هشایر

هم را پاسخ بددهد:
«قصیده میهنم، باز ای موسیقی
 محلی گرم شده است و برخی از آواز
 خوانان ما میگوشند بیشتر محلی بخواهند،
 و بیشتر آنان نیز از همین راه
 به زودی به شهرت رسیده اند، شما
 در رابطه چن نظر دارید؟»

— همه مدانند که مادر اوضاع و احوال
 کنونی کشور شاهد روی کار آمدند شما—
 ری از هنر مندان استم که همراه از کس
 و کاستی نیستند، اگر آنان راهنمای راه
 به باد انتقاد بگیرم، کنایه است و
 اگر بی جهت تشویق هم شوند —

درست نهست که عده از این هنرمندان
 مایه سوی موسیقی محلی رو —
 آورده اند، این کار خوب است همیزرا
 موسیقی محلی، موسیقی اصولی کشور —
 ماست و نباید گذاشت که این موسیقی
 از خاطره ها برود و فراموش شود و باید
 آن را هیچگاهی از یاد نبرد.

«یک آواز خوان، چن گونه ممتازند
 جایی درین هنر دوستیان و مردم
 باز کند؟

— راهیابی و یا کسب هویت در بین
 مردم و پذیرفته شدن از سوی مردم
 اکاریست خلی لی دشواره هستند باید
 متواضع و خوش بخورد، بی آلا یعنی
 و در همین زمان باید در عرصه موسیقی
 کوشای بشاد تا از طرف مردم مورد پذیرش
 واقع شود.

«شما این راه را حتماً پیموده اید؟

— من هیچگاه خود را مثال نمی‌آورم
 من خطا دین راه جوانم و سفیر
 های طولانی در پیش دارم، این که
 بنگویم، صفحه (۸۲).

به هم گزه کرد که حتی کوچکترین مقاومت آنکه نتوانست مقاومت چی که نیعنی از اخراجیم در فضای تنگ داخل موتور بیجید.

تاخال نوکلی بودم دست نخورد، تا حال من فقط بادستان خشن لت و کوب میشدم. اماحالا با دودست خشن و شهوائی خود را اسپیافتم. در لحظه کوتاهی موتربه حرکت آمد و سفرم را در موتور ادامه دادند مردی که مراد زید و بعد هنامش را (تعیم) معزفی کرد، شاید بارها روسی هارا در این وقت (صبحگاه) از جاده دزدید و برده و در ادامه کمالت شبکه زن پساز به دست آوردن بسول کرایه اش راه خانه را در بین گرفته، خود را از خنا نموده باشد ۰۰۰ او- (تعیم) به همین اعتقاد مراسوان برموتور کرد سفردر شهریار را در صبح جاده ها باید دختران تھاوراهم و بیحال و بیخوا برآ در خود داشته باشند؟ نی (نقطه این ساعت ها- ساعت های بی باوری وی اعتماد پست). نعم- مرد یک سخت میتوانست با خشونت قیمت هرجیز را ببرد از زیرموهای جرک و کنالشیک جفت چشم وحشی پرورد، سرعت موتور را تعقیب میکرد و آن جا پاییتر از جشمایش گشید بوي ریش و صورت نشسته و دندهای زد شدیدار بود. تازه وقتی خود را موارمoter یافتم، دانستم چی اشتباهم کرده ام.

- انسان چی موجود خود خواهیست به اندازه خود خواهیش، چی راهنمیست، تاخال خود خود را فرار میدادم، اماحالا که کسی دیگر میخواهد به همان سو فرام دهد، من ناخوشنودم ۰۰۰ شاید دوست دارم که بابا های خود، به انتقام موهوم زند گشیم.

موتور را میتداد جاده همچنان مید وید، گویی میخواست نقطه بايان شرق را دریابد. باری در خدم و بیچ کوچه بی و کوچه گک از مشترق روئیشاند. اندک بعد کار عمارت قلعه سای از موتربایین شد و حرفی را که در تمام راه باخوشت گفتند بود، باز تکرار کرد.

((اد)) نظر فرارنیاش که ای منطقه همه اش از خودم ارسو ۰۰۰ و یقیه صدای دشمنی را صدای- کن دروازه متبرید - الفاظ، لحن بقیه د رصفه ۹۰۰)

قریه بی یک تو بیدار میند کمرهای خرها و صاحبانش برای کارروزانه بسته میند یکان موترا و اسپ و سوارو هابری در کام تلغ و سیاه جاده بدید شدن دومن هنوز در ترس و در فرست نام نوی شود ۰۰۰ خدیجه میشانه و بنیاد در جاده ها و جاده باشافت به سوی ناکجا کام برمیداشت. حد ای قدم های را که مینشیدم در توهم و یا بن کس جاده، کلایه دارم. آخر شاید در جنگ با توهم میزد و زمانه هم از هیبت بی صدای بیرون میشید. از برا بین موتربه سوی شهر را حرکت بود. باعهه سرعتی که داشت، بر کرد، نمیتوانست آن سوکه موتور و موتور ران بود نسبت. حتی نمیتوانست رفتن را گزیده بودم. آسمان، آرام دستیابه گیم را از اثر صدای دلخواز برک و جنگ تایره اوسک پنهان نگهداز. کاذب آن روز، مدادات کرد و اما بر من زود در زد و از عقب کار هی کل خنک و ترس ایستاد و حد ای برآمد:

- ((بیا که برسانت!))

لکتم:

- نی تشرک!

و قبل از ادامه حرف هایش تصمیم

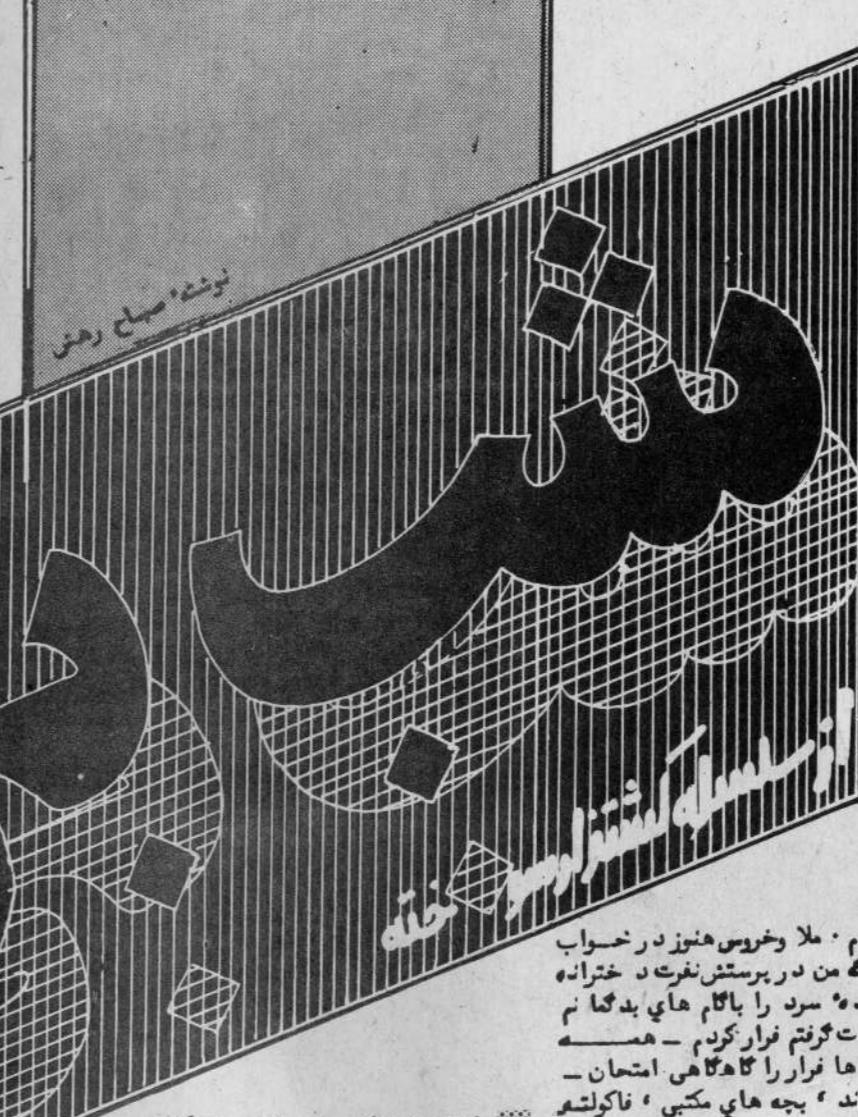
در روزه وبارستان شان ده ها زنگ و بیزندگ زندگی میکند واینک یکی از این زنگ های آتش گرفته میزد که به انجعاد یخنده ای فرار برای همیش شدن دومن هنوز در ترس و در فرست نام نوی شود ۰۰۰ خدیجه میشانه و بنیاد در جاده ها و جاده باشافت به سوی شرطیه های سرو میگردند. بن کس جاده، کلایه دارم. آخر شاید در جنگ با توهم میزد و زمانه هم از هیبت بی صدای بیرون میشید. از برا بین موتربه سوی شهر را حرکت بود. باعهه سرعتی که داشت، بر کرد، نمیتوانست آن سوکه موتور و موتور ران بود نسبت. حتی نمیتوانست رفتن را گزیده بودم. آسمان، آرام دستیابه گیم را از اثر صدای دلخواز برک و جنگ تایره اوسک پنهان نگهداز. کاذب آن روز، مدادات کرد و اما بر من زود در زد و از عقب کار هی کل خنک و ترس ایستاد و حد ای برآمد:

- ((بیا که برسانت!))

لکتم:

- نی تشرک!

و قبل از ادامه حرف هایش تصمیم



از ته نورانگ های بلک هامیک شتم
شند واما نقطه سهای کار جاده با
با این از کام های میگریه هرقد ر
از نوره و میشدم، همان ساینه.
میزانم قد بر میافراشت بلند میشند و من
خدیجه دیگری را در سایه امیدیدم
انسان ها فرار را کاهله ای امتحان -

کرده اند، بجه های مکتبی، فاکولته
سی ها ماسورها، زندانی ها و ۰۰۰ همه
واما راست میکیم من آن شبین فردا
بار اول فرار کرد، بودم، فرار که به
با زنگشتن بی باره بودم. فرای منطق
فراری بیلان وی مکان، فرار همه
سراسیمه گی های پک دختر، فرار که
ها به زمین دراز میشد و آرام آرام در -
میان لکه های ذخیره های آب جاده و
راهرو نابدید میگردید، شاید تفسیر
زند گم همین بود.

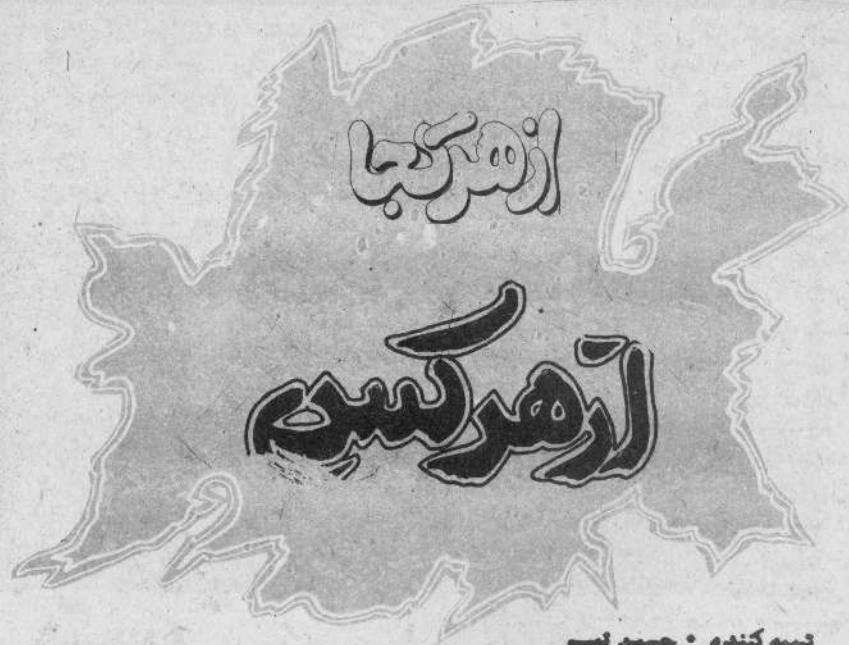
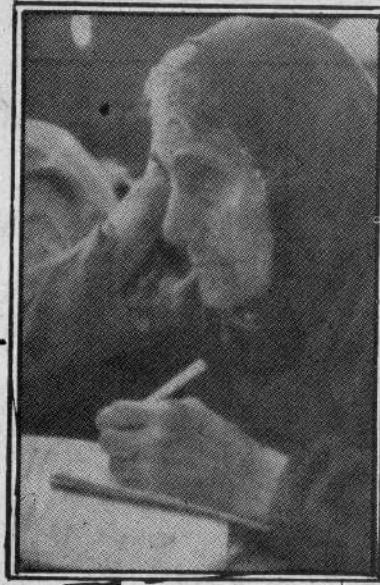
وقتی از جاکهای عمارت های پین و
شش طبقه بی با شتاب بیرون آمدم،
نکر میکدم خدم امامه مان خواهند
خواند چن تفای ا چه تحریم به
اندازه همه بی سرینا هیم.

من از بلک های بیچ در بیچ و تو
در تو که نام فرنگ ((مکریان)) برایش
دانه اند، با اندام کوچک و سست
شده بیرون میشدم در روسعت تهایی
چن پست تر معلم میشدم و ما وقتی

و پراپاید در چارد بواری خانه
کلاکه میوردم !
چرا پاید پلولی رنج پنجه
رنج همیشه در آوش دشمن بود
را میکشیدم ؟
چرا پاید همه هستم در مرداب
طعنه همانه های - همانه های
بیتلانه ام - مدفن میشدند ؟
چرا؟ چرا؟ چرا؟
این چراهای بود که امروز اینجا
در زندان - در رسانه، پاسانهای تندگ
در آبود رشرا بطیه بند پنهانه زنانه
ها سخ شانرا میجنم و کاهله ای باخود
میاند یعنی که پاسخان را عزتم ۰۰۰
چراها احتمانه تراز زندگی
ماستند، چراهای کیهه نیستم استند:
من آشناهی همه شاهامت مردم
مرا باور کشد (من از قدره اشتباه
شما زاده شدم و دریا شدم، واپسی
حالا ۰۰۰ نه درختی رو آندم، نه علی
آیدادم و نه حلقی ترکدم - واپسی
حالا در رستگان بی انتها گشای
آدم ها نی نی ((آدم دزد ها))
دارم نیست میشم.

مرا باور کشد من از شعاست مردم !
فصل سردی ها نزد بدرود رامسر
کرده بود ۰۰۰ زستان میشند شستو
شها چون بفال هنوز هم آوش سر
و سمع و سیاهی داشتند. شها همی
لغزشند که خود را سیکون شب های
که حالا میدانم اشتباه کرد، بسدم،
در تفعیم، پاییست من از آن شها
میترسیدم و از آن غرفت میترسیدم (همیشه
اطعنه و دشمن ولت و کوبار میگیرم)
شب های نارام که در بلک های
شش طبقه بی در ایستادن باشیم
به ستر میفرم و بامداد اداها با حسرت
آزادی از ستر میخاست ۰۰۰ آزادی
را میگیرم در پی راه کانونیت زستان
و پایینه نمیگذرد از خضری صاف و -
واقعی داشته باشد اینان از زیره بی
جستی زده و به این طه بی دیگر افتاده
اند و ترجمه زندگی شان چنین
است ۰۰۰ که من ۰۰۰ من سحر
نشده یک نیمه شب را از بلک های
زندگ بلکه جستم که آزاد (۱) شدم
و بهم که در ده طه بی افتادم ۰۰۰ آن
شب هرگز فرد انداشت شب بی فردا
که تاخال من در آن جاری است و هر
آن ذره ذره ام رامیلدم ۰۰۰
شب سرد هنوز بستر مهاجرت بس
ند اشته بود که من مهاجر بی خیمه

گرفتم چیز بزم امایی کس جاده مانند
انشیت، مهرخانویش بزلانم ۰۰۰
خواست فرار کم و امامد دوست بی
ترس و جرک و ترکیده اش راهه بی از فرار
که کوچک از حلقه دیازویش بود، چنان
بقیه د رصفه ۹۰۰)



تهریه کننده: حسین نیر

سال سواد

پونسکو و سا زمان ملل متحد سال ۱۹۹۰ میلادی را به نام سال بیمن-الملل سواد آموزی اعلام کرد مانند: "معاون پونسکو ضمن اعلام این خبر گفته است "سواد آموزی صرفه" به خواندن و نوشتن محدود نمیشود" اخیراً وزیر تعلیم و تربیه ایها لت کوچک کانا دا اعلام داشته است که دوازده درصد از مردم آن ایها لت قادر به خواندن و نوشتن نیستند و شمار زیادی نیز اگرچه متوانند بخوانند و بنویسند، اما قاد رنیستند از عهده ساده ترین امتحانات حاوی مسائل و نکات پسیار ساده در زمینه های جمع و تفریق یا نکارش برآیند. در حالیکه تعریف پونسکو از بوسوا در چنین است: "ببسیار دشوار است تواند من ساده بی راکه به حوالات و امور روز مر زنده کی مربوط نمیشود بخواند و بنویسد و بفهمد."

و سهین انتساب سنگها پیدا نمیکرد در صورت این جا به جایی به صورت خط مستقیم و سریع از پنج تا چارم کیلومتر در ثانیه به سرعت دستگاه. هایی تبت لرزه میرسد. امواج دیگری که (من) نامیده میشوند و دارای عکانهای عمودی اند در زمین همکاری فیباشی به وجود من آورند یعنی بسا مقایسه امواج و خط مستقیم بصر از اسباب مخوب تراست و به ویژه اگر درمجاورت سطح زمین ایجاد شود و پرانت های بیشتری را سبب میکردند. شدت زمین لرزه را با ریشترا اندازه که ای میکند. چار لوح. پیغام زلزله شناس، معروف در سال ۱۹۳۵ در - آلامایشگاه خود در لکنور نیا از عدالت زمین لرزه و تعبیین مقیام بسرای آن، صحبت کرد یعنی ارزی افزاد شده. در اثر زمین لرزه و محاسبه آن طبق حاصل منحنی های دستگاه های پیچیده در صفحه (۱۱)

چندی پیش فاجعه بارتر بود زمین لرزه در تاریخ منطقه هلال غرب ایران را تقریباً به خاک سپید سان ساخت. پیرامون علل چندی من حوالات طبیعی هایکو پند: حرکات تکتونیک یا بوجا شده لا یه هادر حق زمین که روی یکدیگر میلخزند هسب ایجاد زلزله میشود به گونه یعنی که لبه های هیان لا پهنا به یکدیگر مخوردند و فشار شدیدی ایجاد مینمایند این فشار های طی دهها و صدها سال افزایش میمایند طاآن که هسب شکستن سطح زیر پنه خود میشوند و چنان تکانهای را بدست وجود من آورند که امواج آن تا سطح زمین محسوس نمیشود و بعضی این امواج به اندازه یعنی قویت که انهدام ساختهای را سبب میکردند. امواج زمین لرزه به انواع مختلف پیدید هی آید که بعض امواج (۱۲) نامیده من شود و از تراکم یا انقباض

علل زمین لرزه

کشیک آنج

تمایل غیر مجاز

به گزارش نشریه چیزنا دیلی نریک از شهرهای ایالت ساحلی فوجان در جنوب چین از هر ۲۰۰۰ فردیک نفر در زمینه تهیه فلمهای مبتدل بورنو-گرافی فعالیت میکرده است. به قول همین روزنامه بازار این بقیه در صفحه ۱۶۲.

در کتاب این سکه‌ها سوراخ دیده مشود چنین مینماید که به حیث زیور از آنها استفاده می‌شده است سکه ها از پایخت خوارزمشاھیان به دست آمده که چندین قرن پیش اعمصار شده بود و کتابخانه‌ها و محلات زیبای آن در نتیجه چندین جنگی که نخ دادنا بود شدند. سهاه چنگیز و بعدتر تیمور لنگ این مرکزی‌سازیه خاک پک سان ساختند.

پاستان شناسان در نزدیکی های عشق آباد ظرف حاوی سکه‌های نقره و یعنی راکه برای سواری داشتندان - تسبیح آور است که کشف کرده اند هنوز کس ارزش این سکه را ثابت کرده نتوانسته است و صرف دانسته اند که به سده‌های مختلف مربوط مشود. داشتندان عقیده دارند که ارقام روی بعضی سکه‌ها سال ساختن آنها را مینمایند که آن هم طبق سالنمای اسلامیست مثلاً ۱۳۲۵.

کشیک آنج

شماری از داشتندان باور دارند کارهای نخستین که البرت انشهرهن را شمرت داده شمول تهوری نمی‌بیند او مر هون خانمش می‌باشد.

ماله‌امریکی دختر سیاه موی اهل صربستان در انتظانت تکو لو جس زوجه سویس وقتی ۲۱ سال داشت با البرت انشهرن آشنا شد. آن وقت او ۱۷ سال داشت مو هایش مجده و چشمان او آبی و نافذ بود. آن دو عاشق هم شدند و به خاطر مخالفت پدر دختر نتوانستند ازدواج کنند. امادر سال ۱۹۰۲ یک دختر نامشروع داشتند که ناپدید شد. بعدتر آنها عروسی کردند انقلابی در شرف وقوع بود والبرت و ماله‌ای خانشترین جفت هصری و مدرن بودند که از الکترود ایمنیک و اتوم صحبت میکردند و در سال ۱۹۰۵ انشهرن طن مضمون تهوری نسبت تغییرات انرژی را مطرح کرد و

از اтом سخن گفت تو گوین در همین صفحات شده بست جان گرفت و به وجود آمد.

شهرت انشهرن بالا گرفت و ماله‌ای در سایه آن به گفتمان خزید. خانم او در منزل مشغول تهییه دو پسر خود شد. انشهرن جایزه نوبل را نصیب شد. دو باره عروسی کرد و به امریکا رفت و ماله‌ای را با طفل هایش تهیما کرد. یک پسرش مرد و دیگری پروفسور در رشته انجینیری شد. ماله‌ای در سال ۱۹۴۸ چشم از جهان بست بدون آنکه صفحه علمی اینها به نام خود من امضا و چاپ کرد. باشد.

در سال ۱۹۸۷ نامه‌های انشهرن عنوانی ماله‌ای طبع شد. نامه‌های اعشقانه که بیشتر به زبان دو همکار در عرصه پژوهش و تحقیق میماند.

بقیه در صفحه ۱۶۲.

آدم‌ها



شنه ببل یک عادت و مکمل
ستق میان اسلاف آنها بود.
قابل یاد آور است که این زمان
مصادف بود با اوج رونق دورهٔ
رسانی یا احیای مجدد.

در سال ۱۳۴۸ سراسراری
با بلای سیاه مرک دست بگیریان

بود. اشاعه‌ها و خرافات بی‌
ساخته‌اند و خرا فات پیشه‌گان
فرار کر فتند. پیروان کوثر
یهودیت بودند یهودیان که
اسماهای عرب و طبایعت را بیشتر
از دیگران میدانستند پیشتر از
دیگران با خشونت و تصرف
این چشم افراد روح روشند
حتی تا زمانهای نه چندان
دور هندیس و آموزش انسانوسی
تسویه کلوا رسماً منسح
اعلان شده بود و انانتوس را به
منابع پیشتر فاسد علم طب
به حساب آوردند.

خصوصاً در مالجای امراض
رواس برخورد سای ناهمکون
و خرا فات وجود داشت.
بنین پنداشته مشد کامرا ص
و بیماریهای روانی از جانب
شیخان پدیده اند و برسرف
ساختن آن سرفه در دور -
ساختن اجنه امنان پذیراست
و این امر در ذات خود حالت
تمرینات و مراسم جادوی میشد
که شمه و همه از خرافات و غایبید
واهی منشاء و الها میگرفت.

به عقیده شماری از دانشمندان
معاصر علم روانشناس پژوهشکس
روانی از ممیں لحاظ ناکون
نسبت به سایر ساحت علم غلب
مانده است.
و در این جانباید به غلیظ
بنیه در صفحه (۸۸)

مورده بی در پی میان مردم صاف
پختن میکردید و یکی از آنها
از بین بود یهودیان را به
خاطر رفع بلافتی میداد.
سرانجام در اثر همین انگیزه
ها به تعداد هزارها پیرو کشش
یهودیت، یا به قتل رسیدند
و یا سوخته شدند. صرفدر
شهر باواری به تعداد دوازده
هزار در شهر المفروت، سه
هزار در شهر ستربرورک تا دو
هزار تن از پیروان کشیده شده
یا کشته و یا سوخته شده
اینها فاکت‌ها و شواهد نا -
پیش اندکه انگیزه ویشه
آنها را باز هم به موجودیت
و فعالیت جن‌ها ارتباط می‌
دهند. خرا فات و غایبید واهی
بنین بر عملی ساختن بنین
و پیش‌بینی ها و بررسی های -
و حشتناک بین کسان از همان
پندارها و تصورات نادرست
پیرامون فعالیت جن‌ها منشاء
میگردید.

یکی دیگر از جنبه‌های منفس
نتایج چنین تصورات خرافات که
در راسته طب یهودی است.
جادوگران و ساحرین که بنا به
پندارهای وقت هنگاران و هم
رازان نزدیک جن‌ها به شمار
میگردند، در انتشار و پیشرفت
علم طب منافع شانرا در خطر
ذات خود ویشه مذهبی نداشت.

امرتایید میکنم به برجی بهماری
و آفات طاعون و محرقة به ویژه
به جن‌ها نسبت داده میشند.
هنگام بروز چنین مصایب به
هدیه‌ها و خیرات میگردند.
در زمانهای پیشین مردم

تصورات مانند روابط خصوص
انسانها با جن‌ها را در ذهن
خود میگردند. آنان به
این عقیده بودند که برجی
انسانها با جن‌ها روابط مرموک
قدیم نموده و از راز آن‌ها قسمه
آگاهی میگردند و بدینوسیله
از آنها در شفا یابی بیماری‌ها
و مشکلات خود یاری میخواهند.
حتی در برخانی شناس شاء
کشور، بهماری تحت نام شاء
«بهماری شاهانه» را ملاج

میگرد و طور بده روایت میگردند
کارل دوم (۱۶۲۰-۱۶۲۵) با شناس خود، هزاران انسان
مانده کردیده بود، آنها
تصور میگردند که بلا از جانب
جن‌ها عنده بارب النع های
مردمان این زمان بوده است.
بعض از شاهان برخانی مانند
یاکوب (یعقوب) دوم و پیغمبر
سوم، نیز دارای همین دیگر
کهیا بودند که تا ملکه ایسا
ادامه داشت و از آن بعد -

در مورد چنین پدیده های
خارق العاده در وجود شاهان
سخن به میان نیامد.

تا برخورد انسانها را که
نهایت ناهمکون و قابل تعجب
وجود و تعالیت جن‌هاست.
میباشد، نسبت به این موجو -
جهله و ریشوند، حتی به
کدو و شتابان کویم.
البته که تصور عمویت هبان
در آن روزگاران درباره جن
ها به تحدیدیکی بود، آن‌ها
این موجودات را به الهه‌ها
نسبت می‌دادند. حتی از وجود
الله‌ها و رب النوع های
الهیها چشمپوش نمیگردند
و به این عقیده بودند که آن‌ها
به کشور خود خدمت میکنند.
عقیده و باور به نیروهای
شفا بختران همان احصار تا
کنون، به ویژه در سده های
کشوری شاهانه تحت نام شاء
کشور، بهماری تحت نام شاء
«بهماری شاهانه» را ملاج
درگذشتند. نه چندان
دو ریشمیاری از مردمان کشورها
از ایشان دعوت‌حضرت رسول اکرم
را بین بروز بیماریهای کویم
اسلام قبول نموده، بدینوسیله
آینین اسلام را اختیار کرده اند
و شماری از آن‌ها در خدمت
کفر و شرک و ایله میباشند.
آنها محدوده مکانی را نمی‌شنا -

سند، هر آن لحظه عی که
صد جای و مکانی را داشته
باشند، به آن جا در آن لحظه
و احمد است میباشد. این برسی
البته از خصلت عالم، کلی بودن
و نقاط اغازی این حقیقت بسر
خود را بود مود ریوسی دست
داشته، سعی به خیز مهد هم
موردن میگوید:
((تر سامد هبان باید بدم))

انسانها روزگاران پیشین
در باره م وجودیت مریم و نامیمی
(جن‌ها) تصورات گو ناگوئی
راد رحیمه پندارهای مقایسه
و انکار شان راه داده اند.
این تصورات در دوره‌ها
زمانه‌ها و اعصار مختلف از هم
متفاوت بوده اند، در زمانه
های پیشین، نعمت افسانه‌ی
و موهوم این موجودات نامیمی
مریم خارج از دارایه تصور ما
و نهایت موجه در زنده گی
انسانها بود. البته که گذشت
زمان همیشه با تغییر و تکامل
همراه است به این پهنه مریم
و عجب و غریب تصورات و پندار
های انسانهای دوره‌های مختلف
دیگر گونه‌های ناهمکون و -
بنیادی را به وجود آورده است.
نظر به آیات قرآن عظم الخان
و روایات پیامبران و اصحاب آن
ها، جن‌ها موجودات باشوار
ستند که پیش از پاک استن
آدم در پنهن هست توسط -
برورکار، با خواص ویژه کهها -
بن که برای انسان ها غیر قابل
دید میباشد، آفریده شده اند.
تصیب این موجود دست عمر در آز
تر و پیشتر از آدمیزاد بوده و -
مانند انسانها در انجام اواز
ونهی خداوندی از برخور، هاو
پدیرهش خای پیشان برخور دار
ستند. پناه بر ریاست شماری
از ایشان دعوت‌حضرت رسول اکرم
را بین بروز بیماریهای کویم
اسلام قبول نموده، بدینوسیله
آینین اسلام را اختیار کرده اند
و شماری از آن‌ها در خدمت
کفر و شرک و ایله میباشند.
آنها محدوده مکانی را نمی‌شنا -



صہرالله سہاں سنگ

اواداد سوزنه د که اواز، د
حقیقت لور غزیدی چی لور بون عیا و تسر
نایا به عرض بروی رسینی ی . مسکد اغزی
د زیر و نود خناوند اند تاود نقص د شور
او حاصل شوی جذیب له تل نه سرجینه
اخلس .
د لند بازاره خنک کونکو او زم .
سیرونکو نارونه لری . چی د محالکه
کراون لاسونه یکی له بیوی خوا به تله
ایپنول شوی د ی اوله بلی خوا د .
سایریه جیب کی . د خیال به نر ی کو
به پتو ستر لخو بینانز و بود پاکی د ملکو
ملک بالک سفر به مخکی لری او د اهمافه
د سوو زر ولو لرونکی مهنان د ی جی د
تیونو د پیغولاند ی د سوو زر ولو له حاله
خبرو ی . د وی دعشق او مینی به نری کی
لزند کویی او لعکه واچی چی :
د اجهان د ی خدا ی له هشقه
بیدا کر کویی
د جمله و پیغولقاتو پلار دی د آ
د خانقاہ د پیروانو یه با غزی پیز و
یعنی د هنفونیکرفه انسانانو یه با ب
چی د خیل فکر او ذکر یه جوش کی فرق



شوك چي په خانقاہ کي پنهانه زدي
باید جسم او روح یی پاک وي.

د عبادت او ریاضت د پاره
شوگیرونہ په ک ساردي .

د و مره لند بول پایی ته نه رسنی .
لکه چی ذکر اونکر اندازه نه بیشی .
* خانقاہ سه را تونکی کسان بسے

عده بول کم کسان دی .

- اساسا هر خانقاہ خبله عائینکری
عائینکری نه لری . خو همه خه چی عالم
او گوکدی . دادی چی داخلکد وه
بوله دی :

1- سانریلیتونکی : خوک چی له لیزد
سیمونه د حقیقت او رستیا به لتون عای
به عای گزی باید یوه یا خوشی بسے
خانقاہ کی تبری کری چی سهیها بسے
لیری شن .

2- دار شیاوار کسان . نعمت لو
ستونکی دز نوند خاوند انو خدمتیا -
ران اعاشقان چی دوی کولی شنی
د خانقاہ همیشی اوسید ونکی وي .
* د خانقاہ معرفت له کم عای
بیدا کوی .

- متاسفانه . د تولو خانقاہو بسے
باب نه پوهیم . خود احای بسے
لوری یو وختونکی پوساده عای وجی
بوازیه د حق لاری دش لاسو ساندو
سنناه ته وقت شوی . دروسته عی د
راز او نیاز دیلوانو د خیرات او صدقی
د اخلاق صند انو او د باور مند انو بسے
بر جود او معنیانی وضع لزه به شوی
د مرستی همی کوی بھرنی طبع
نه شته .

* جله ناستی خه بول خلک دی .
ایا هنری د خانقاہ او سید ونکی ندی .
* د خانقاہ اتیل به بیلو بولو و
ویشل کنیی . بیو بی ته بی خلوتیان
وابی . جه هنری بیا د و بیل دی .

د توپو یاد ونکی او ریاضت ایستونکی
چی دراز او مزد خاوند انو یا جله
شنینانو نامه یاد بیزی . به اصل کس
جله شینان هنری دی چی د حذب باتی
سکوت به نری کی غرق وي . د حجری
در رازه به خان بسی نری . د بیر و خ-

رده وي . ریاضت کوی اود نفس له بنامار
سره دایمان . اذکار او و ایلهه سوره
جلگنی .

*** اوزیا به داسی حال کسی
یه نه پوهید ونکی بول د بیرون زمانو
د ستر شاعر رعنم با با شعریه لسے
جاری شو :

خلوتیان به خیل خلوت کی فراتفت
دی
در سوادی به رسوا باندی فرض

* د مهر بانی له مخ بدی بسا ب
ها پر دی .
- خانقاہ به اصل کی د روچی او جسمی
امن او رامی پونه عای دی چی
درینان ، در دندان ، د مراد خوا -
ندان ، اخلاق صندان . ارادت لرونکی
هیله من ، سوی او پاک خلک بکس
را تولیزی او خانقاہی رسونه او دا ب
سرتہ رسی خونه لند بول خانقاہ
حق ته د حقیقت بالونکود تسلیمند و -
عای دی .

* له خانقاہی ادایو خخه مونوم
واخیست . د ادادا د کوحا حکامو بسے
اساس د خه بول مناسات لرونکی دی .
- به تولیزی بول خانقاہ د و برشی
لری ، یوه حجه ده چی به یواعی توب
کی دتیں او د ذکر اونیا پاست او ننس
مجاهدت لیاره عائینکری ده . دو هم
د بولوی خور لوا او خبود الا ان چی د
لورو رافلور کیا مانتولیاره . د هنری
سره د بیزندلول لیاره ، د هنری خدمت
ته د رسید لول لیاره او دیا کانو بسے
منع کی د مین او محبت د بیدا که د
لیاره عائینکری دی . هر خونک چسی په
خانقاہ کی پیشه زدی نو تکاری چی
د جسم اورون دوار وله مخ یاک او د
خدای د مخلوق به بر اندي د بنو
لیتونو لرونکی وي . هنری باید تل پاک
اویه او د اسه وي او لونه نونه به جمع
وکری .

د عبادت او ریاضت لیاره شو گیرونه
بکار دی . د شیون دیایی توبه او د عاصی
هنری ته (استفار فجر) یا سهارانی توبه
واعی بولازی کار دی او روسنه به لور
با فلی یاد نزه به او از د قران مجید
تلاؤت سرتہ رسیزی . د اسی فرهه کیل
شونی ده چی دیاک قران نزتلا وت
روسته ترلعرختیوری سکوت او غلسی
کیانا ستل به یام کی ونسی شن . ذکر ونکی
خیل تاکل وخت نه لری . تل وظیل کنیی
خوله ما بنام روسنه بی فضیلت د بیروی
نویانی وخت کی تریبونه عبادت
د خدا دی دینه کانو خدمت دی .
هنه زره چی عرش الله دی گوره

کوم دی
خودی توان شی د جمله زر و نو
خدمت کره
خوباید روایوجی خانقاہی رسی بسے

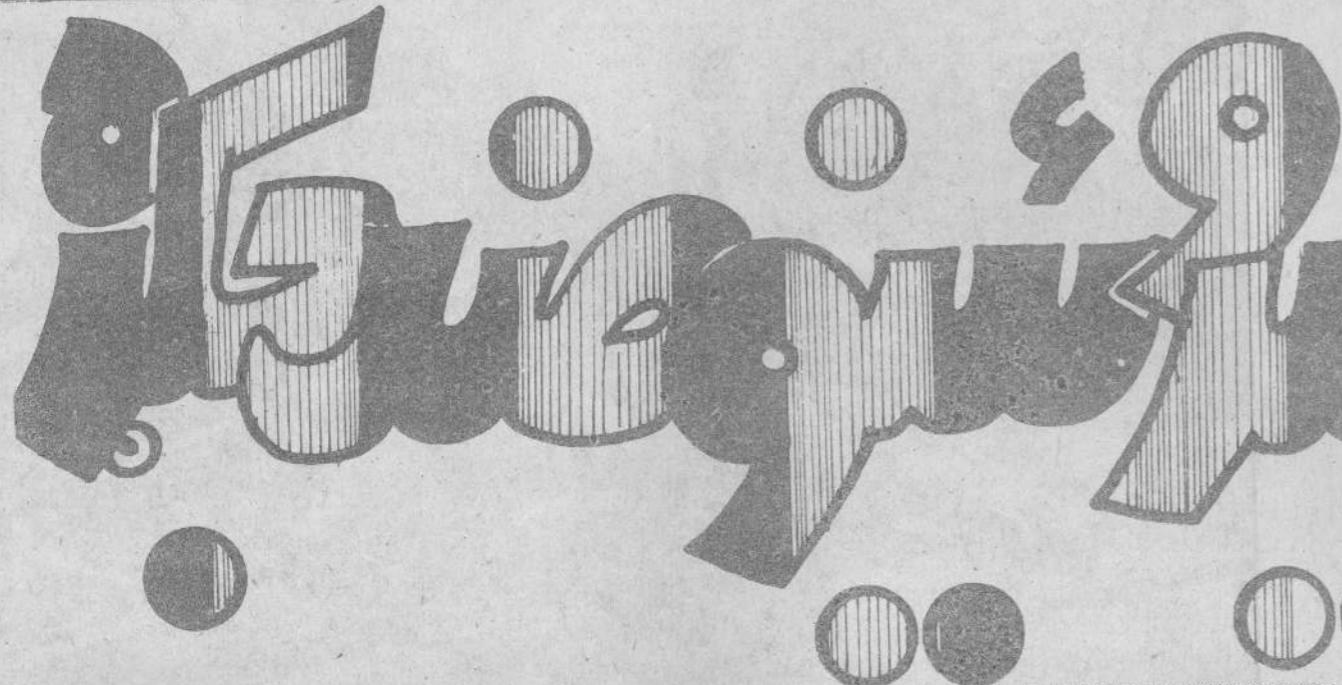
دی او د نر و نوخاوند اوته مستی او بول
شان حالت و بیسی .

خانقاہ چی د عارفانو د نر و نو د -
خاوندانو تولنه ده . د خدا دی د کسور
به خنگی کی بیان بی سرجنه ده چی
له همه عایه د حقیقت معرفت او طرفت
د بیوند لو هشی بیل کنیی او د لویی
او ستر توب ترنا بایی بوری رسنی . دی
لشے خانقاہ شخه ده چی د معنو بس
دلوبی لاری لاری د فانی نری نسے
همیشی نری ته لاره لندوی . د سفر
له ملک و سرمه مرتضی او د نور و سانسر د
لار نونه کوی . دوی یه هر خشک کی د
کیانی ذات معرفت و بیانی همکه چی :
- معرفت د خدا دی خرگند دی بس

هر خشک کی
ستگی و خوده چی دی هرسه
نظریه کا
دارادت خاوندان تل د باطن د .
سپیختلیا لیاره د نفسیه که بیرون اونکو
هیلو . ارمانتونوا مسید و نوبنیه زدی .
ریافت او ستو نزی تیروی . دلوبی ستر
ذات ته د دعا لاس بورتے کوی او د شوی
له خوا د خدا دی له عبادت او د کاپناتو د
سردار حضرت محمد (ص) له دروده
و روسته د هنری چایه پاد د ستوی خوندی
چی د طرفت بیرغی ن لیر ماتلی دی .
هنری د نسیم د باما مارسده د مهارنی
اثلان او د روی حماسو هستونکی دی
همکه واعی چیس :

چی د نفس لیاره لاری بوجاته نیمسی
د از حمت له خدا دیه غواری که د دعا .
نفسیه شمیره عالیه بی ایست و کو
هیس ته
خدا دی نه کانابه ناد جا بیشوا
به دی هیله چی دلوبی خدا د .
وحد ایت د پاد او زن کر د ازار و مند اسزو
ز و نوتونه مونا د بیتلی وی د بیو خانقاہ
خوانه د ریمو او هله د دفو سپیختلوا با -
فیانو سره چی دی انده نفس د لارشونی
به عایی چی د نر و نو دیاک او د ایمان
د نورانیت د بیوی لارشونه منسی ده
خیزی لرسو :

دیاک او ایمان د سپیختلیا تا وده
تاقیون به باب موز د محمد اسلام جوزجانی
چی بخانقاہو کی نعمت و ای . او د حقوق
لیسانس دی مرکه کری د .

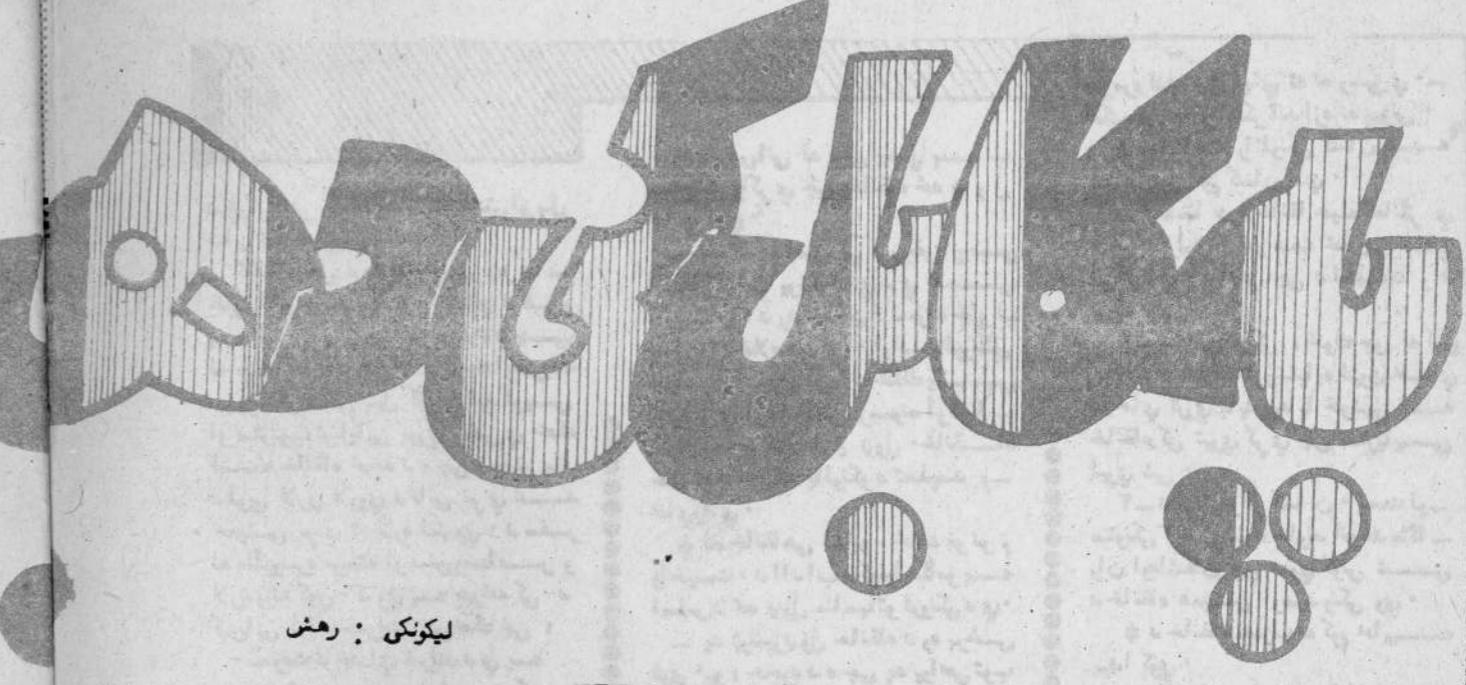


لیکونک : رهش

خنه خوپنجل چن د کور اسپاپ پیس هم
له دی خخه ترلاسه کری . لومبری پیس هم
خبله نکل جایگه او فیز بیال له
کوره دلظر ی خو چی میر چی بزیر خبرشو
خواپنی سی بزیر خبره شوه هفته ی سی به
کورک بنده کره خرباهم هفته دمر گه
استاری شکلدادی ته هیریتین رارسول
کله چی میره او خواپنی به ی دیده و و
هفته به سی هفتوی به بیزکی دریکول
لنده داجن ذکه بیالی شوه چی میره
او خواپنی هم باید به دفی بد مرفسی
بایندی اخته کری . اودمه جان د
دلی بیزود ونکی سی کرل . هفته اوس
به بندیه زندان کی د معزعل عی چی
وین وایی چی ماعقل بیانی دی مکسر
دروغ وایی - انفانی هم هلت ده هفته
نوره دله سی هم هلت ده به نظرکی د
کری .

چی به دی نوری وختوکی خوش شی
او شاید خبل بروگام ته بیا د وام ورکری
خود آباید و واپسیج د دفی جگری د
مخنیوی لباره د تولو هلو بملو ته کورنیو
د پولیسیو . در فتوود سره صلیب او نیو
موسوس مرسته ار تیاده . به دوش کی
د معتاد پنود تداری لومرنی مرکر جسون
شونه خوکاشکی چی د ادول مرکونسی
زیات شی . د کابل دروانی تداری مرکز
به پواسی هیوکه نه شی کولاچ چی له
شد اری برته بل خه دی تول باید له
هدی اوس خخه به افغانستان د مافیا
مخه ونیسو .

- همه اعتراف کولوته حاضرنه دی .
- معتاد سی کری !
- هفه ددی اجازه نه راکری چس د
هفه به مفت او شرافت تیری وش .
- معتاد سی کری .
- اود ایغواری چی له موز خخه
زمون له دار ماري خخه لاصداخی .
- معتاد سی کری !
- هفونی هیواد پالونک دی .
- معتاد سی کری !
- زمزون د تاچا قیها باند ته نه رامسی .
- معتاد سی کری !
- غواری یه چن ملت سی برمختنگ و کری .
- معتاد سی کسری !
- بوه له دلونکو اونادر و بیتسلا خخه
چی به جلت وکی کاریل کنونی مخدرات
دی زبونزیه بنار کی د اعتراف بد مرفسی
د هری دلرسی به تیر په و سره زیا -
تیزی . اوس د مخدرا تا و د له بیتسو
عمايو خخه د واتونو پر سرولیسی کوی . له
نیکه مرفسی چی د مخدرا مواد و پر پسند
تا کلوا کاند هلو ملعونفر لکنونی مکسر
لکه خنگه چی لازمه ده به هفه اندازه
بن مخنیوی نه کری . د تیر کال بیتسه
دروستیوکی موز د مخدرا مواد و په با ب
د اخباره هفتله له لاری پوله استاد او -
مدارک خباره کرل . چی به هفونکسی
د مخدرا مواد و د د و د کونکد فعالیت
رسوا یه هم شونی وه . له نیکه مرفسی جسون
د خارند ویو اداری هم د هنود مخنیوی
اطمنان راکر . خود آباید و واپسی





صفنه بی از زلزله مکسیکو

زلزله فاجعه طیعت

کارکان مجله سپاون "عیقتنین مراتب همد روی
وتامل خویش را به خاطر وقوع زلزله اخیر در کشور
همایه جمهوری اسلامی ایران" به بینگاه ملت
سلمان ایران ابراز نموده و از بارگاه خدا وند به عال
برای تمام خانوارهای محییت دیده صبر جمیل
استدعا مینمایند.

سال و قوع زلزله محل وقوع زلزله (میلادی)	هزاران تلفات آنسانی
شانس چین	۱۰۸
چیلی چین	۱۰۷
سیسلیا اسیای صفر	۱۱۷
چهلن چین	۱۲۸
کامکورا ژاپن	۱۲۹
تایپ ایتالیا	۱۳۳
لیسون پرتغال	۱۴۶
بن سو چین	۱۵۶
شماکه قرقاز	۱۶۷
کاتانی ایتالیا	۱۷۹
تایپ ایتالیا	۱۸۹
پکن چین	۱۹۳
کلکته هند	۱۹۷
شمال ایران	۱۷۵
لیسون پرتغال	۱۷۵
کالابریا ایتالیا	۱۷۸
کیتو الکادر	۱۷۹
آسیای صفر	۱۸۲
هشو ژاپن	۱۸۲
زنگولی ژاپن	۱۸۷
پرو و اکوادور	۱۸۷
ونزیلا و کلمبیا	۱۸۷
سانفرانتیسکو	۱۸۹
ژاپن	۱۹۰
سانفرانتیسکو	۱۹۰

۱- حرکت عمودی که همه چیز را به هوا پرتاب می کند . چنانچه در ۱۹۲۷ میلادی ایتالیا در چنین زلزله ایجاد قربانیانی پرتا بشدید از ارتفاع بلند شهر یافت شد زلزله مردم را به تپه ها پرتا کرده بود .

۲- حرکت افقی : درین زلزله در روی زمین اشیاء از جایی به جایی دیگر منتقل می شوند چنانچه در ایتالیا دهکده بی اصد متر آنطرفتر منتقل کرد .

۳- حرکت موجی : درین نوع زمین مانند موج آب به لرزه می آید چنان نچه در سال ۱۹۱۳ در جامایکا بیش از ۴۰ هزار کیلومتر زمین نسخه کهان در آب فرو رفت و در عمق ۵۰ متری قرار گرفت همه زندگان ها ماسی خواهان ها و خانه هادر آب غرق شدند .

پیش بینی های زلزله :

دانشمندان معروف مطالعه زلزله پیشگویی های جالبین دارند مقایسه حرکات و ثبت لرز شهای خفیف و مستاوی و همچنین رد گیری لحظات و ساعات ایجاد و محو آنها شاید بتوان از ساعتها و روزها و یا هفته ها قبل از وقوع زلزله آنرا استبطاط کرد . مطالعه ژئولوژیک تناهن میدهد که طی میلیونها سال قبل فاره های جهان به هم پیوسته کی داشتند که تدریجی خاک هم جدا شده اند .

تحقیقات نشان میدهد که در خلال ده میلیون سال آینده امریکای مکزیکی از صفحه چهارمیان محو و افزایش اطلس و کبردر محل دریای کارائیب به هم ملحق خواهد شد . بخش شرقی افریقا از آن قاره جدا نمی شود . سر زمین آسترالیا به سمت شمال حرکت خواهد کرد و به سینگاپور خواهد پیوست . و در نتیجه اند و نیزیا مورد تهاجم فاره آسترالیا قرار گرفته و نا بود خواهد شد .

عکس العمل حیوانات :

در موقع و معنی زلزله حیوانات دچار

بنابر محاسبات شدت تکاه زلزله و مقاومت ساختمان ها از لحاظ مهندسی بهتر است بیش از ۲۲ متر ارتفاع نداشته باشد .

تام ساختمان باید با هم محدود بسته بندی شده باشد تا در زلزله بصورت یک واحد حرکت کند . در صورت امکان طول ساخته مان تباید بیشتر از ۳ برابر عرض آن باشد . اگر طول زیاد است باید به چند قسم تقسیم شود . وهم چنان ساختمان باید سبک واز پیشگیره ها در گوشه های ساختمان جلوگیری شود .

انواع زلزله :
زلزله سه نوع است :



زلزله شهر های ایران



زلزله اخیر ایران

زلزله شدیدی ماه گذشته مناطقی از کشور همسایه مان ایران را تکاری داد و با اندوه بسیار مصیبت زیادی بر جا گذاشت بیش از ۵۰ هزار انسان کشته و حدود یکصد هزار مجروح شده . صدها هزار نفر بسی رخانیان شد . اداره مجله سیا وون - مراتب تسلیت عميق خوش را به همه برادران مسلمان ایرانی ابراز داشته و خود را درین ملال و فاجعه طبیعی با مصیبت دیده کان غصه ریک میدارد .

ایران کشور ۶۴۸۰۰ کیلومتر مربعی در هر ده سال یکباره حد - اقل هزاره های وحشتناک را در مناطق مختلف شاهد بوده است . امسال نوزدهن میلیون زلزله به قدرت ۳/۲ ریشتر در گلستان و زنجان آذربایجان و تهران باری دیگر حکایت قدیمی زلزله درین مناطق را تازه ساخت .

زلزله در نخته می دهیا یا مداده پیشنهاد ۳۱ خرداد خ داد که مردم درین فرصت همه در خانه ها - پیش از استراحت بودند ازین لحظه تلفات ابعاد انسانی زیاد بود . واما ضمن یاد کرد از شدید ترین و مخرب ترین زلزله در دهه اخیر لازم است در باره زلزله با برخی موارد اثنا شوید .

طیبیت زلزله :
زلزله از امواج مختلف تشکیل شده است که از یک مرکز اتفاقاً شروع شده و سهی حرکت افقی و عمودی زمین می شود و موجب تخریب ساخته - نهاد را روی زمین میگردد .

شدت زلزله :
شدت زلزله را در مقام ریشتر با یک عدد بیان می کنند که بیانگر انرژی آزاد شده در یک زلزله است . برای اندازه گیری زلزله از مقامات " رسی - فوری " استفاده میکنند این مقامات شامل ۱۰۰ درجه است که ۶ درجه اول آن حد می بینند به ساخته وارد نمی کند .

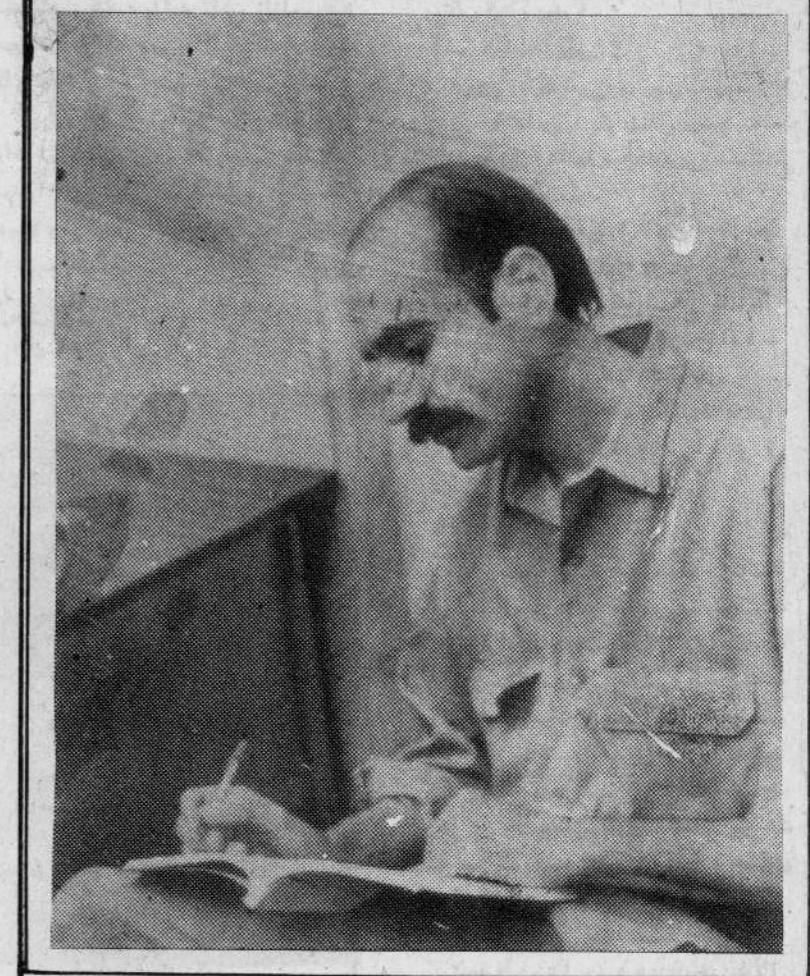
خو گویی ستر صوفی او عارف شاعر .
لوي رحمن بابا دبورته ياد و شو یسو
شمعونیه خیر شعرنمه دی لیکلی ۱ .
* بنای چي داحق یعنی هم نه در بود چي
معان دخوشحال به خیر دجگرد -
* دلگز اتل و پسی . دلخک چنس همه
* هیندگله جگره مارنه و همه تل پسو
* صوفی . بیو عارف او دخداي
* د مخلوق به مینه مست شاعر و گوئی
خوبیه به عجز سره وای :
* نه شی د ملتگله خانانوسه کلنس
چیرته عزیزان خان چیرته ملتگه عبد الر -
* حسن
* زعوز د دغود و ستو شاعرانو هر خوبه
شمعونه که ولولود هنونی د شخصیه د
بیلا بیلو برخوناینده گنی کولی شن .
* خواوس او منون یو یعنی شاعران چس
کله کله مو هستونی د شخصیت لسه
* معانیت نوسره ارخ نه شی لکولی . کله
کله د آس کنگری چی بزیوه شن باندی
چی باونه لرو شعر و رته لیکر او حتنی
کله کله د خیل و جدان د فویتی او غزی
پر خلاف شعر لیکو . بنای د تفنن له
پاره . بنای د فزی نسود بکولوله با ره
او بنای کله کله به نا الاهانه توکه د بیو
* بقیه در صفحه (۹۲)

عاطفه او تفکر به بور نه اخلى چی د همه
به هستونیک دی د نورو تفکر او تجریه
گمه و پی . نولی دی شعر د شاعر د
* تجر بواود همه د شخصیت خرگند وی
له وی .
* سنج کنم چی خبره راعینی بوره کتابی
شوه : به دی هنله بوازیه د بیو د و و
* کوچنیو بیلکو به راده لوسره خبره لندهم :
کله چن د تبیی او قلم با خوشال خان
* خنک وای :
* لاتراوسه ی مافزه به کارانه دی
چاین ماسره وهلی سه سه سنگ دی
* بیا :
* د انگانه یه سنگی و تر له سوره
تنگیالی د زمانی خوشحال خنک یم
داشمعونه به خبله د خوشال بسا با
* د شخصیت بوره انفور گری ده . همه
هداسی چی د شعر د بگلوبی اتل و .
هداسی له د بنفو سره د بگرواچگرو
* سرلینکرهم . او همه حق هم در لود
چی د اسی شمعونه ولیکی او که همه
مادری نری یعنی به ذهن کی سا اخلي
اود اتری د کلیاتو به عولی کی دیووه
خوندنه او زن . باریونکی انفعونه توگه
د خلکو او توکی مخی ته زدی . شاعر
خوبیها مرنه دی چی وحی بربی و شیخ
* شعریه خبله به بوره خاص حالت او بس
زه خوشحال کنیزیه به چی به
بیو خاصه شیه که د شاعر د تجریی
نری او د همه د ذهنی او روحی حا -
* به بنکاره ناری و هم چی خولی
را کرمه

تولنه او . ماحول کی به خاصه او بمانگرو
زمائی - مکانی شرایطوکی زوند کسوی .
خود شاعر او هنرمند توسیر له نور و اسانانو
* خنخ به دی کی دی چی شاعر او هنرمند
هستونیک دی او شاعر خود بوره چما
* خبره : د کایاناته هستولوکی د مد اخیل
لارس فخوی . شاعر خبله تولنه و نسی
د خبلی تولنه او طبیعت بللا او بد -
* رنگ احساسی او د خبلی تولنه
انسانان وینی او شاعر خو له هدی -
* تولنه سره له طبیعت سره اوله
انسانانو سره ذهنی او روحی اریکی
هم لری او همدفه اریکی دی چی د -
* شاعر د هستونله باره هینداری شی او
د همدو هیندارو به بلوشوکی د خیل اند
احساس او تخييل به مرسته هنرمند انسه
هستونی کسوی .

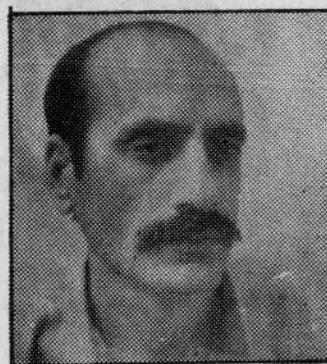
شعره یخکله شاعرته له اسان خینیس
نه رالوبیزی . شاعر د خبلو لید نو . کر نو
تجربو او معنوی شعور له مخی به خبل
چا بیهیال کی به کشف لاس بوری کوی .
مادری نری یعنی به ذهن کی سا اخلي
اود اتری د کلیاتو به عولی کی دیووه
خوندنه او زن . باریونکی انفعونه توگه
د خلکو او توکی مخی ته زدی . شاعر
خوبیها مرنه دی چی وحی بربی و شیخ
* شعریه خبله به بوره خاص حالت او بس
زه خوشحال کنیزیه به چی به
بیو خاصه شیه که د شاعر د تجریی
نری او د همه د ذهنی او روحی حا -
* به بنکاره ناری و هم چی خولی
را کرمه

اسحق ننگیال د پنباو سنس
شعر به خونه ده بهیر کسی د
پاملرنس در شاعر کسی د
د همه به شاعر کسی د
ماطفس د کاروان لاره د زوند تر
سرمنزل بوری روشنانه او محلانده
بنکاری د همه به شاعر کسی
زعوز توند حلقوی محکمی سفر
پاد ونه کوو .
* همه د پنباو (عنوان شعر)
پیر به شاعر او زمزف د
در د ونود انفورونس د بهیر به
استازی دی .
منز له دهه نهوان شاعر سه
مرکه کری چی د شعری احساس
په ولولوکی بی لولو :

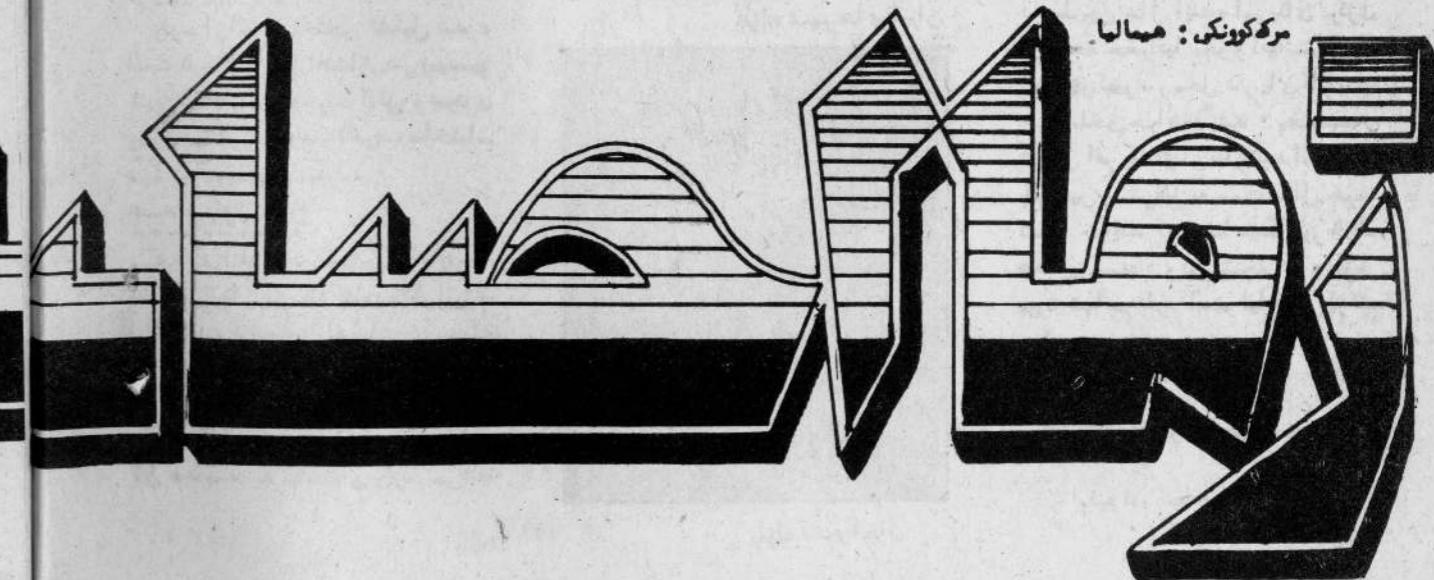


پونشه : د هنرمند شخصیت او د همه
د شخصیت بیلابیل او خونه د همه به
هنری اثاروکی خه د ول را خرگند بزی .
معوا : د بام ور او د برجال سوال مو
طرحه کری دی . شاعر او هنرمند نورو
انسانانه خیر براجتمام مخلوق دی .
به بیو توکی بوری اره لری . به بیو

د هنر شاعر سحق نگیال سره مرکه



نما عاطفه



مرکه کونک : همالا

و این مشکل نیست ۲
- طبعاً که ماهمهٔ ملا‌ها راندایم
و فقط ملای کشتار من را داریم که
او هم خواهد رفت در آن صورت نا-
گز برم کوشت خوریم هفت سال مشود
اکه ما غیر از کوشت من کوشت کا و -
کوشند خورد ایم.
* و سایر فرقه‌ای دین شما بالاسلام
چوست؟
- مادر ۲۴ ساعت ۲۲ رکعت نساز
میخوانیم در یک سال ۴۲ روز روزه -
مکہم ۰۰ زکوه دار مذهب ما -
واجب است. در سوگواری در گذ-
شت پدر و مادره تاچهل روز فرزندان
دست به غدانمیرند و دیگران به -
دهشان نان را میگلارند.
* آقای "بنیامن"! شما به کدام
لسان تکلم میکنید؟
- شاخه‌ی از لسان عربی به نسله
"عربی" لسان ماست.
* آخرين پرستم را چنین مطرح
میکنم:
شما حالا که سر باز استید، پرایلیم
نداشد؟
- پروگرام ما مانند اهل هنود در
افغانستان قابل تطبیق است.
نات را بکشند در کابل دارید؟



آن گاه که استاد شرف‌الدین
مشکان پارسه خوشدا در خلوت
خدای آن میگستند.
اینکه مژه‌گان بیزان و سپاه بسیاری
چشم‌اندازان و ایسین دیدار را نرو
بست است که پنجه‌ی پادشاه موجود است.
آن گاه که استاد شرف‌الدین
دیدار را نزدیکی دیدار، آری و ایسین
بزد آن‌تایی پاییز، بر روابط خاطری
میتوخت که توغان و حسن خزان مرگ
ثانیوس زنده‌گانی استاد را در گذرگاه
اندکیای گئی خاموش ساخت.
ان الله و ان الله راجمنون
پیغمبر در صفحه ۱۱۱

آن گاه که استاد شرف‌الدین
شرف خیاط با آن که گاهواره بودش -
شامیه‌ی تین استعداد های دینی -
گری شهر پندانش میشه، نشسته
تیامی زیان آوران فرازینه‌یاه شعر -
ستان (برجها و برج‌های گرد و نسای) ۱.
نیز بود.
شاهران در وسعت کوچک آن بلند
بیزار تین بر آوران هنوز چراخواره بود آن
بزد آن‌تایی پاییز، بر روابط خاطری
نگارنده‌گان داستان و بیانات و ...
برگ‌های دفتر آن‌شنه شان را را لکه
های سپاهه، درین دکه حائمه ساخته
میشستند.
هواخواهان غلسه نازه تین
اندر باغهای خود را لذت بیاجه بیش
برگ کاپنات بازگو میگردند در پیشان

شند.
در پیش پرسشی "بنیامن" -
برایم توضیح داد که :
- نهادهای مذهبی ما به مذهب
اسلام خیلی همانندی دارد به کونه
مثال :
- در انتخاب موافق کوشت دار.
حلال و حرام در اسلام و یهود میعنی
چه زاست اماده شده استفاده از آن
این تغییرات است. در مذهب ما
برای حلal کردن حیوانها ملاهای
جد اکانه وجود دارند هیله بسیاری
کشن کاو ملا و کاره علمده است
وبه کشن من ملا و کاره علمده.
سایرین اجازه کشن حیوانات راند.
بهم ۰۰۰ وقتی حیوانی باید کشته
شود، اول باید صحبتند باشد، فی
نهاد کاره را باید خیلی صدق کند
و با ناخن انکش از تیز بودن آن
اطیبان حاصل کند. بعد از باشند
"الله اکبر" هر دو شاه رک حیوان
بپرده شود، در غیر آن، حیوان
حرام خواهد بود. پس از آن شیش
حیوان را پف میکند و اطیبان حاصل
میشود که سوراخ نباشد تا حلal -
بخورند و همین‌طور قواعد دیگری‌را
حیوانات دیگر موجود است.
* آیا مجمع ملاهای راکه باید خواه-
نات را بکشند در کابل دارید؟

بنی درنگ برگشتم، تصویر شناسای
تاب دیده‌گان را بر کرد: آری، -
همان چشمان آن‌شنه و روح‌خوار
بر رخشش‌منوی (استاد شرف‌الدین
خیاط) بود که نوار آراسته دست‌ها در
نیمه بالای جبهه‌شرا بسیار آبرینگ
میست.
تازه از داشنکه برگشته بودم سلوک
های پیکم را خسته‌می‌خواهیم فرآ
گرفته بود، نگاه همان دامان خاک‌البد
کوچه‌گاه (سیاه گرد) را بازنشه‌های
سکوت مروعی بخیه میگرفت.
نهاد ام پندارم در روید بارگرد امین
پاد بود و خاطره‌آبتن میگرد که
زلال صدای آشنا بستر سیز خجالم
دامن کشید: -
- سمع جان بخیر؟

پاییز، بازنشه‌های طلایی نسرو
خوشیده چاشتا هم دیماج لازم‌دیده بود
انق را، ترا زنی‌مایی بخشمیده بود.
دستواره بادی نم تندیل های زرد
برگ را از بیشانی شاخساران پلند
برسینه گام‌آتیانی دیواره‌های آن‌نخت.
تازه از داشنکه برگشته بودم سلوک
های پیکم را خسته‌می‌خواهیم فرآ
گرفته بود، نگاه همان دامان خاک‌البد
کوچه‌گاه (سیاه گرد) را بازنشه‌های
سکوت مروعی بخیه میگرفت.
نهاد ام پندارم در روید بارگرد امین
پاد بود و خاطره‌آبتن میگرد که
زلال صدای آشنا بستر سیز خجالم
دامن کشید: -
- سمع جان بخیر؟

مدالیم
دیدار

محمد السعید حامد

پیش از امروز هاولین گروپ پیهوده‌ها
در هرات زنده کی را آغاز گردند ۰
آن‌ها در هر سر زمین که رفتند
شناشانه کرده بیحت از قوانسی
اجتماعی همان جامعه کردند.
از آنان اکنون در کابل یک مسجد
و یک قبرستان که در حدود دوصد
تا سه صد قبر دارد باقیست.
در افغانستان هر کثرتنداد افغان
نهای یهود مجاور از پیغمد نفر
نیوپند حضرت یعقوب (ع) را داده
زده پسر بودی که سالها و سده‌های
بعد، از این دوازده پسره دوازده
ظایفه یهودی مذهب امروزن پدید
آمدند. از همان عهد بودی که
بنابر ناخنکویی قبل "نیوپند"
شاه (مرزین) دستور بدان -
شدی که یهودان را به چهار گوشه
مختلف دنیا پراکنده ساخته و در
صفوف برده‌ها شامل شان سازند.
بعد از این آفت، ظایفه‌های -
یهود هر سر زمین های مختلف می‌باشند.
جرشدند و از آن شمار طایفه مربوط
به اولاده "بنیامن" خورد تریم
پیغمبر حضرت یعقوب به عراق زمی و
ماورای آن راند شدند. سال‌ها
مهاجرت این ظایفه از عراق به ایران
واز ایران به هرات باستان افغان
ستان طول کشید ۰۰۰ دوند سال

لالی!

دلته خود ناز تری لاله دادی ماره شوله
وینه د آذر نغری بول بزنوندی ساکه شوله
اوچه محمد مینی دنره تل کی نسه تا ز غشه
گلی! دان بختر کی چه لاله وه لاواره شوله
د اچه دسپین منج پرکل کوشی قورا تا شلی
پوکه شوم سپین پیرو د تور ما ره نخواه شوله
ستا تو روست روکه زره خور که لوچی پوشی شو
داخوکزی ورچی محاب نه شولی چاکه شوله
تندی می د مینی و چو شوند وه خوب رک
هله ساق چرشه داشلې خواوسن لاه شوله

خلکه شمه ده
نه ټیغونه یه
نه للهونه یه
نه سحر نو...!
نه خوستونه چه ته بنکاري
نه بنکاله د چاده میس
نه خواهد د کم پاها میس
به سرتیرنزو
نه اسان د مینی فیز کړي یه
نه خو همکه شوه روښانه
د وړه ډوډه نو
چې یه لري
ستا له کلکه
دن باختر یه
نظفه

غیر نسل محمد دین زواں
مکھن بان - اسد ۱۳۶۶

نمکرول

ستا سوکشه کن من کېکول ٻاٹه د ی
خیرا د مینی راهه نول ٻاٹه د ی
د زلفوول د ی له بخ جګه فوند ی کے
لکه به بخ د سهونه شوله ٻاٹه د ی
شراب د مینی خوب خانګه راکسره
تشمی به لاسه سوال کندول ٻاٹه د ی
زما د اوښکو بدال خه راکسوي
د بوره موډه شو چې یه نول ٻاٹه د ی
درهم د زوند سره من لوهه وکړه
راهه نهکړي د فه نوله ٻاٹه د ی
سوکمن

خوکانم

که من مشق کی چېږي اجلو یه بري خوشحال یه
چن منم راسه مل وي بري خوشحال یه
جهه دیاره بشکل بخ صفت بکس و یه
که چار بیته ما فزل وي بري خوشحال یه
چې دیاره سرکو شوندو گللان یه
که سورا دراپاند یه ہلدو یه بري خوشحال یه
چې دیاره بشانه زلنی بر منځ گوره
در سره که جرا اوسه مل وي بري خوشحال یه
د (واحد) وصال پکاره دی آخر رسی
که سکونتو کس مزل وي بري خوشحال یه
عبد الواحد (ہنمان)

غزل

لهم راهه گرانه چې را وکوري
قزو یوسه له مانه چېس را وکوري
بوزه من راستون شه د معاویه سهولی
ما پس له شانه چېس را وکوري
کولیسنه له فوسه شه در تیب تند یه
هس ټه جانانه چېس را وکوري
چور یه ترنه ماته خاطری چېس شه
مه شرمونه چانه چېس را وکوري
خه د ریاند یه وش بنتیس دا بهه
سره شه له چیانه چېس را وکوري
خنکه د یون پس، پنځی گریان نه من
شنه شه خلده الله چېس را وکوري
سرنه به نهه سواند د رته خپل تیوش خو
د وړه به آسانه چېس را وکوري
نېه سواند شهواری

طاقدزم

زه سهول د ازادي یه
دانهان د عطه لته
د زلیمی غیر تونو
له غیره د کوسونو
د دی ټول خنځی تارن که
زه شله د دیمې ای
د ((ایا)) د غیره تونه
د ((فانی اد یه)) یه طه
د مصطفی او په ساتونکی
زه سهول د ازادي یه
.....
د یعنیو سریلو د منونه نویسلا بلو
زما خنځی چېږي کړي
د وړیه هرمه د رهه کړي
د ننکوون
د میره ای
د غیره او هکه د روحه یه
د غافل پالی شهد الیو
د زوله یه غیره تارن یه
ما ساطن د یه ومار وله
ماونار لئی د یه سفر وله
زه سهول د ازادي یه
.....

د سپوره فصل

ظاهی راهه وکل
اوشهه شولی موسکی شولی
زیا یه ټینکن ذهن کن
نسل د سهونه شولی
زه د یه د
د بنایت د اوری یه
لهم شویه
نه من د شعروی
د تا وده لخنی سویش شولی !!!
کمال الدین هنستان

کابل ۱۲۶۹
کابل - ۲۲ مارچ

از استاد خلیل الله ((خلیلی))

آخر سولار

اب رآشته ارغند سیاه
کشت از قله شمشاد بلند
شام هم برد ه تاریک مخوف
به سراپای سینه فراغند

باد با طره اشته موج
مست من آمد و بازی میکرد
کاه برگیسوی سروی آزاد
بیجهت دست درازی میکرد

د وتر رود غریوند ه مست
تند و موج و خروشان و کیوں
جون سیاه همه تن جوشن پوش
پیش من آمد و میخواند سرود

ظلمت آهسته در آغوش کشید
بچ و باروی جلال الدین را
(سیل) فرمود که تاقل نعنند
در آن قلعه بولاد ین را

ناگهان دری آن شام سیاه
ناله ین از دل صحراء برخاست
(سیل) زان ناله جانکاه حزین
جون سیندی شد و از جا برخاست

((سیل)) فرمود که شپور زند
گرد گردند به یک جا لشکر
بر سر قله فروزند آتش
که شود گم شده کان را رهبر

صبح گاهان جوازین چن کبود
افسر مهر نمایان گردید
با زدر طام مینایی چرخ
تخت جمشید زر افشار گردید

((سیل)) برکرگه قلعه نشست
خیره برد امن صحرا نگریست
دید جون نیست ز لشکر انری
زار برخویش چودریا بگریست

چشم خوبیار به بالا اندست
دید چیزی زهوا من آید
مست و مغور عقاوی از دو
به فضا بالکشا من آید

هست در بجه آن بارجه بی
که ازان بارجه خون میریزد
گفت این خون دل لشکر ماست
که چنین زار فرزون میریزد

سیل ماتمزد از جا برخاست
مرغ آزاد به کھسار نشست
پرجم حق به فضا گشت بلند
علم ظلم نگوئی سار شکست

جسم بگشود (برايدن) و گرد
من فعلوار به اطراف نگاه
گفت کشند و ه خون آفشتند
افسر رایت و سرد اروسیا

جنگجویان دلیر افغان
شیز مردی و شهامت گردند
بر سر چشم کبود ان فرزگ
چی بگویم چی قیامت گردند

چی سیاهی چویکی ابر سیاه
مست و شوریده و تند و سرکش
مرگ میریخت ازان جون باران
غیظ میجست ازان جون آتش

چشم کانون فروزان از خشم
سینه دریای خروشان از کین
نعره چون رعد غریوند ه چرخ
حمله چون برق شتابان به زمین

آب این مرز بود آتش زا
خاک این بیم بود غیر تخيیز
کوه باشند گران وقت تبا
باد باشند سبک روز سر

دید گرد ور سواری پیدا است
لرز لرزان چویکی سایه بر آب
کاه من افتاد و گه میخیزد
دست رفته زعنان با زر کا ب

بر سراسپ (برايدن) بود
خشته وزارو نحیف ور نجور
شبح بیروح وی اند رظلمات
جون یکی مرد ه برون جسته زگو

ظاهر از رگ رگ او لزه ه مرگ
جون تذریب که گریزد ز عقا ب
د وخته چشم ز خجلت به زمین
(همجو عاصی که کشند ش به عذاب)

خواست تا شح کد قصه ه خویش
خشک شد لفظ و فروماند ز راه
(سیل) را دیدن آن منظر شم
کرد احوال به یک باره تبا

گفت ای واي چی افتاده بگو
در تو آثار جنون میبین
جا به واسپ ترا سرتا با
من کردیده به خون میبینم



رشن کهید، کمارگزو و خودم . این ها هر
ایک، و پیو می های دارد که دودسته
شده اند .

* دلیپ کار : به حق میتوان ادرا
(امتعل همیشه فروزان در رهگاه از هر
سینمای هند) لقب داد . به نظرم او
در فلم هانقش خود راهه، بل زندگی
خود را بازی میکند . هر یاریکه از محل سر
او بر جسته ام ، احساس کرد، ام که
تفجیراتی در افکارم به وجود آمد ماست
خداآوند سایه اوراک نسازن .

* راجیش کهنه : آه که برای او بیه
خاطر غرق شد نشد رصحنه های عاطفی
لو عاشقانه حاضر استم بیزند باریمیم .
راجیش را خدا آوند ، عاشق ساخته
به زمین فرستاده است . اور در پول یک
مرد یا کباخته قیامت برمیکند . این را
 تمام هندوستان میدانند . به جزء
 خانه شد میل کناد یه که دختر تقریماً

بیست ساله دارد (هدف توینکل است)

با وجود آن امروز نیز خود را همان (یا بی)

فکر کرد ، در محافل شرکت میوزیز روا -

جیش رامی آزاد .

* د هرمندر : تعمیمان صحت . . .

به نظر من او (دهنم اندر) نیست

بلکه (گم اندر) است . تسلط و

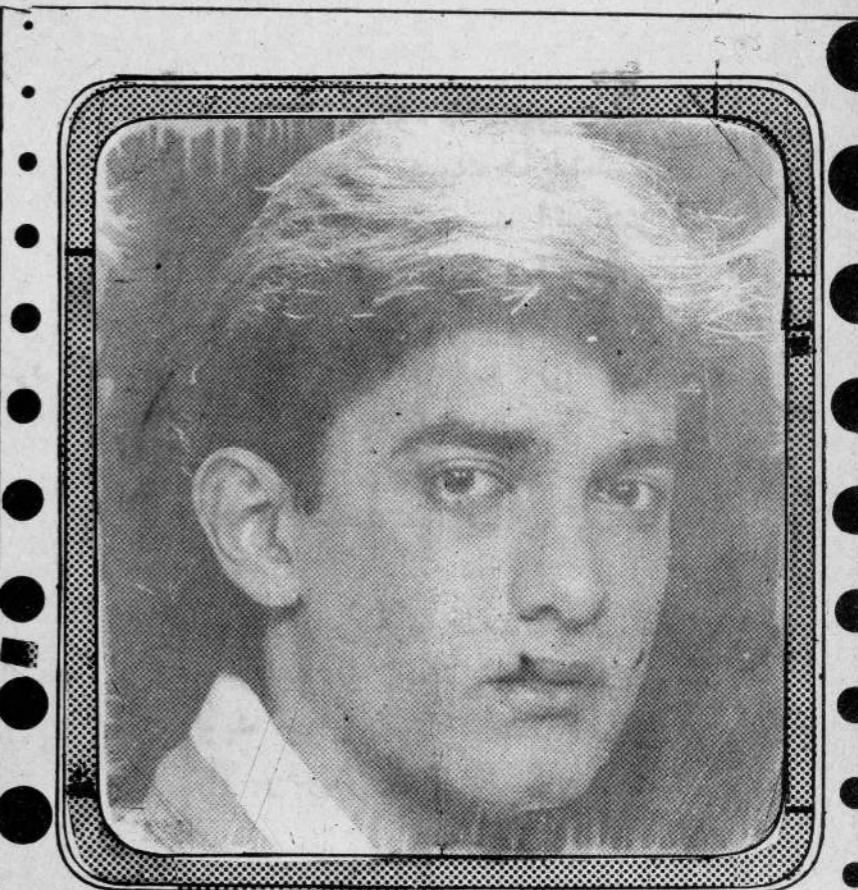
بقیه در صفحه) (۲۸)

ترجمه: سیکما

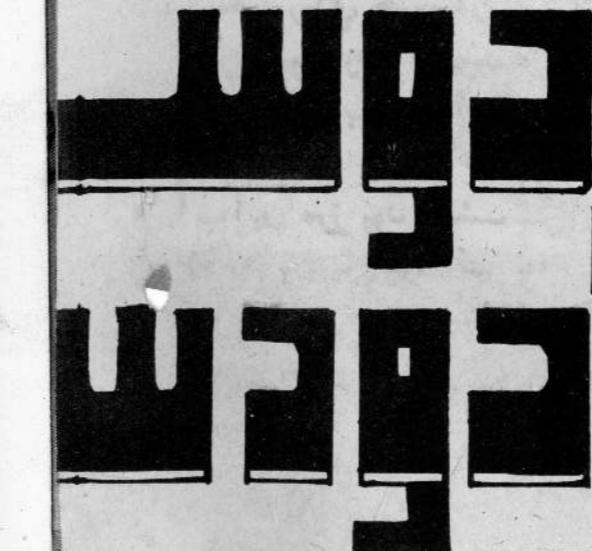


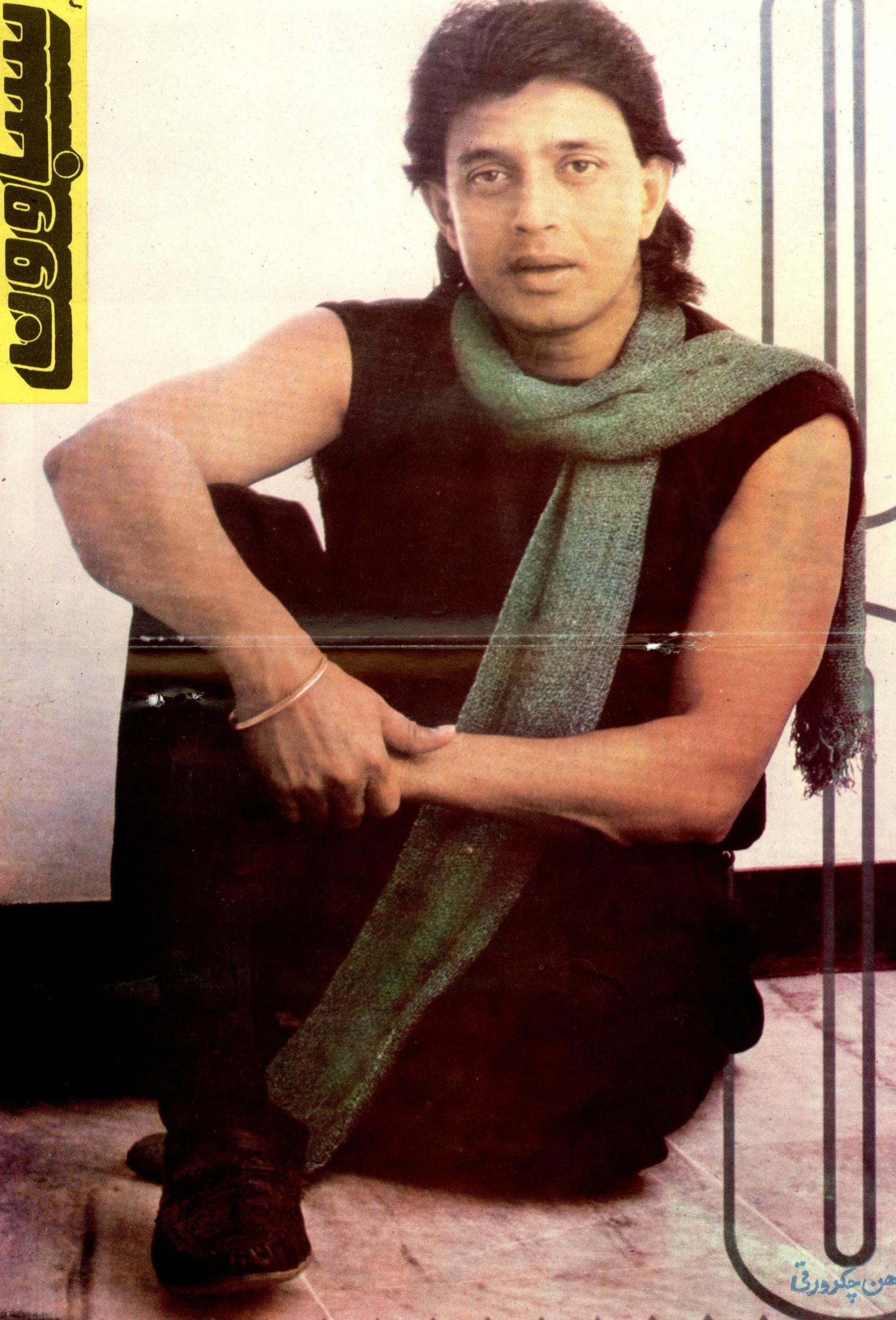
باور کید آدم ساده بی است و سه
همین خلوصی که هم اکنون پایی -
صحبت شما فرار گرفته ام ، ساده می را
د دوست دارم زیرا نام دیگر ش حقیقت
است . بد رحیم (طاهر حسین) همواره
میگوید : هیچ بعane بی آن قد رو سیع
نیست که حقیقت را بپوشاند و من حرفی
بلند ترازین گفتگو بد مر تاکچون
شنیده ام . زیرا او زندگی را لحظه
لحظه قسم نموده و هر یخن آن را جدا
 جدا زیسته است .

* ... و اماد و سtanم ، نزد من د و بعند
آن های که زیاد تر مزاوار احتراشند -
آن هایی که دوست شان دارم . د ر
نفرست اولی : دلیپ کار ، راجیش کهنه
د هرمندر ، سنیل دت د راجند رکما ر
شاملند و رفهرست دم : جوهی جاوله
انیل کبور ، مند اکینی ، مینا کش -



عامرخان:





متحن چکرورتی

خاطره بی که هرگز فراموش نخواهد
شد - حاده بیست که هنگام شوتن
فلم ((جیوتی)) براهم اتفاق افتاد آن
روز من اندکی تکلیف صحن داشتم ولی
قرار بود درخشید خوش رسانی
بازی کم - دایرکتم همیش صاحب براهم
گفت بود که در صحنه ((محل معمانی))
عینک از زینه ها بالای منیو به آواز -
بلند خند کن - تا همه را به خود
متوجه بسازی - وقتی از زینه بالای منیو
تکلیف بیشتر شد - من در خورد بی
جای خند - بلند گریه بلندی سردادم
و به روی زینه ها افتادم - درین که همه
متوجه من شدند - جای شک نیست.
اما همیش صاحب با خشونت بالای -
سم آمد و به جای این که کم کنم
فریاد زد :

- سونوبه لحاظ خدا شوی بس
است. که از کم وقت شوتنگ را در نظر
داشته باش. مرادیست مکن .
و من داد میزدم که شماره از بست
میکند ، من تکلیف دارم ، اما همه فکر
میکندند که من طبق رول فلم 'مسخره گی'
میکنم .

* * *

زمانی برای اجرای نقش یک سیاح
بابیم بعیالی 'کل حسن ' شکن.
آر - گتولی و دیگران به نیوارک رفته
(فلم : عیارت) در جریان شوتنگ
در یکی از خیابان ها ' زن هندی ' مرا
بعد قدر و راندازی کرد - وقتی شوتنگ
خت شد ، نزد یک شده گفت :
- دخترم یک بار بیشتر وقتی به
نیوارک آمده بودی ' بامن به منزل
رفتی ' جراحت ای این طوری من مثل
بیانه ها برخورد میکنی ؟ آیا صرف طی
یکسال شعرت ' معوطف را فراموش
کردی ؟

- گفتم :
- مادر، اشتباه میکنی (این
افن بارست که من به نیوارک آمده ام
چنان کس دیگری را که شبیه من بود
دیده اید .

اما او سوگند یاد کرد که تو خودت بودی
هرچه امور کردم ' دیدم فایده نمیکند
کل حسن وارد صحبت ماشد ویرایش -
قصه را کش - زن هندی میگفت :

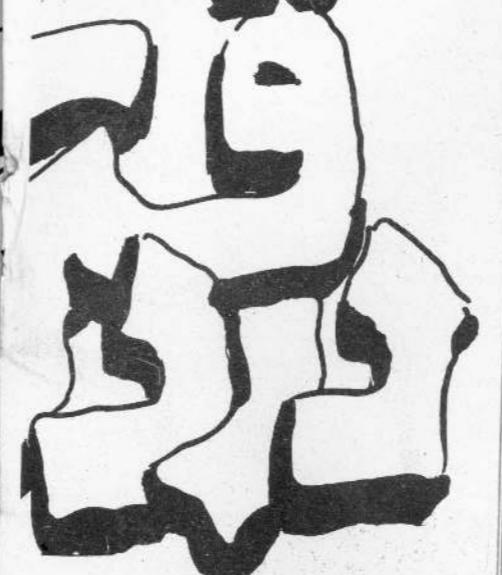
- بیاعتنی هایت هنوز ختن است ۱
شکن و کل به لحن شوی گفتند :
- خوب (این هم یک صحنه فلی ۱
برویم عکرها را ببینیم .



ترجمه: سکما



سونو و لایا:



فرح تعریف میکند

- * عشق : کمیدی که بایان تراویسک دارد .
- * بول : روح زنده گی (به شرطیکه در جهان جیزی بالاتر از حق وجود نداشته باشد .)
- * وفا : یک سکه بغا باخته که امروز بازار ندارد .
- * زندگی : نمایشنامه بی که هرگز بایان ندارد .
- * هرگه : آخرین تداوی برای هر آن جه که علاج نداشته باشد .
- * تعلیعی : دشمن آشتن نایذی که همیشه باماست .
- * موسیقی : بهترین پناه خان احسان
- * زیبایی : یک امانت موقتی بسیار خطرناک .
- * بیویند : آن جه بسیار زود بسته میشود ولی بسیار وقت به کار دارد تا بسته شود .
- * صداقت : بیانه سند بربادی .
- * دروغ : دو مین سند بربادی .
- * بقیه در صفحه (۱۲)

شیوه کنده
فرمایشگاهی

لرستان

کردستان

خوزستان

هندوزان ماؤتافی
فقش هامی دشودز



* رابعه مستمندی یکی از متمامن خوب کشور که در نمایشنامه های تلویزیون پوشیده باشد ظاهر گردیده چندی قبل در یکی از نمایشنامه های با ف عبادی همیازی بود . هنرمند روز تصادفاً با ف . عبادی هنرمند خوب کشور روانه وظیفه بودند که دفعتاه جوانس سر راه شان ایستاده پرسید شما واقعاً زن و شوهر هستید . این پرسش برای رابعه مستمندی خوبی جالب بود و خودش در زمینه گفت : نیدانم چرا هنرمندان ما همیشه قربانی این گونه نقش ها میشوند نس شود که تمثیل رابه زنده گرس حقیق ارتقا دارد .

احمد فوتو زلی زورنالیست راد پیشو
تلوزیون افغانستان اخیراً قصد زیارت خانه خدا را نمودند که خداوند خانی شانرا قبول نموده و انها از زیارت خانه کعبه " شریف برگشتند . در دیداری که هم آنها داشتند در راه زیارت شان پیر سید یم . در جواب گفت : حالا از زیارات پرگشته ام و حاجی میباشم اما قصد من کسب نام حاجی نبود بلکه صرف برخای خداوند (ج) زیارت بود و من

لرستان
لرستان
لرستان

فواز رامز به وطن برگشت

دین اواخر آگاهی یافتمن که فواز
رامز هنرمند جوان و بالستعداد کشتو
که به منظور خردباری سامان الات -
موسیقی به کشور المان غرب سفر
نموده بود دوباره به وطن برگشت .
از ینکه فواز رامز ناوقت تربه وطن
برگشت بنام شایعات بخشن شد که
او دیگر به وطن برگشته است .
اما مخوب‌سندم که فواز رامز مع -
الخبر با صحت دوباره به کشورش باشد .

آنا انتخاب آوازخوان سال غیر عادلانه بودی

شایعه است که شرف فرزل هنرمند
به نام کشتو بدان علت که در فرش جوانانه
ارگان نشراتی س.د.ج ۱۰۱ در انتخاب
آوازخوان سال از روشن‌غير عادلانه
معیارهای نامناسب کارگرفته روابط
خود را با س.د.ج ۱۰۱ قطع نموده -
است .

غير عادلانه بودن انتخاب آوازخوان
سال از جانب هنرمندان دستگیری نهاد
طرح گردیده است و میتواند که
شناختهای شخصی و نامه‌های چشم
در این انتخاب بیشتر نقش داشته
باشد هسته و نظروردم .



حمدله عبدالله نقاد ادگرفت

حمدله عبدالله :

چهره بسیار افتخارآور کفسور
در این اواخر پن از اخذ خانه
مکرور یان واوردن عروس به منزل
دفتماه تقاعد خود را گرفته و خانه
نشین شد که ازین کار وی هنگاران
و دوستداران هنر شخیل از زده -
استند که چرا یک چنین هنرمند خوب
از هنر فاصله گرفته است .

نقاشی او را از آینه بریدند

«تجھیب هنریار جوانیست بالستعداد
که تا هنوز در چند نمایشنامه تلویزیون
ظاهر گردیده است درین
اواخر نقص رادر فلم آینه شکسته -
این نموده که در جریان فلیم‌داری
از تاکیه یا زخم برداشت .
او خیلی علاقه مند بزمینختمین نقاشی
رادر فلم تهاها کند . با علاقه متده
فراوان فلم را تا یا یان تماشا نمود . مگر
با تا سف در صحنه های که او نقاش
داشت همه تیپش شده بودند تجویض
هنریار از آن هایی که نقشها مش
را اولم اینه شکسته فوجش نموده اند
گله نند است .



فصل هفتم در زیم غذایی

"نخستین بروکراف این سلسه
دیده شود" . بوگی های معتقدند که
اکتساب صفاتی اخلاقی و روانی و قیمت،
به خوبی میسر است که با خد مفتوحی
ساختن فزیکی بدن همراه باشد .
همزمان با موارعات حفظ الصحه محبوط
تصفیه فزیکی نیز از اهمیت قابل ملاحظه
بیشتران با دنبال کردن زنیم غذا میسازد .
تحریف ناشده به دست آورده . زنیم
سرشار از مواد غذایی توانی انسان را
را در بدن استقرار میبخشد . با غفار
روح مبارزه میکند . مواد اضافی میسازد
را کاهش میدهد و در تعمیم انساج -
سامان نقش مهمی را بازی میکند .
یوگا برای تخفیض سالم یک دوره زنده کی ستاندردهای را به وجود آورده است . این ستاندردها به منابع شکل از طب و قایقه بین اند .
خیره بزرگی در تخفیض خوب شمرده میشوند . زنیم غذایی یوگا تغایر طبیعی بدن را به سوی صحت سالم و قوت فزیکی با اساسات ساده پرورش میدهد .

پالیسی تجویی

پوکس ها احساس میکنند که قوه زنده کی یا پراناد رهها عنور خورشیده آب و غذای ما وجود دارد . اصل حقایق زنده کی میزاند که در غذا های معین مشخص نسبت به غذا های دیگر پرانای بیشتر نهفت است . پس ضرب المثل قدیمی که "شما آن چه راکه میخورید هاستید" نقش مهم را در طرز تفکر و درسها ی یوگا بازی میکند . غذا های طبیعی که انرژی حواهی خش شانرا از خورشید آب و هوا میگیرند خایر پرانای شمار میروند . غذا هایی مانند میوه های تازه سبز یا هناتها مختلط ها و جمبات ارگانیزم بدن را ضد عفونی میسازند و در تجدید حیات آن نقش بزرگ را بازی میکند .

صفا و تقدیم روانی نخستین گام هم و بزرگ در یوگا شمرده میشود ، این اولین مرحله نیاماها یا دوکتویی - اخلاقی میست که شرایط مناسب را برای رشد خودی ایجاد میکند .

جیلی: شکل تاریخی اسلامی

آرد سیوس دار ترجیح داده میشود.
در صورتیکه مسیر نباشد، بهترین شکل تجویض آن آرد سفید است. ناتر میده "است. یا هر دو نوع آن رابه هم مخلوط کنید هتا به خوردن آرد سیوس دار عادت بگیرید. در صورتیکه در استفاده شهرینی اصرار داشته باشید بهترین الفر تتفیف شکر سفید، عسل نا پروس شده، فرکتوز "شکر مووه" شیرم قند، گریا جو، اکتراین مواد را میتوان از کوکو راتیف مواد خوارکی محل یا بمنازعه غذای صحی خرد.
 تمام غذاهای پروس شده و کا - نسرو

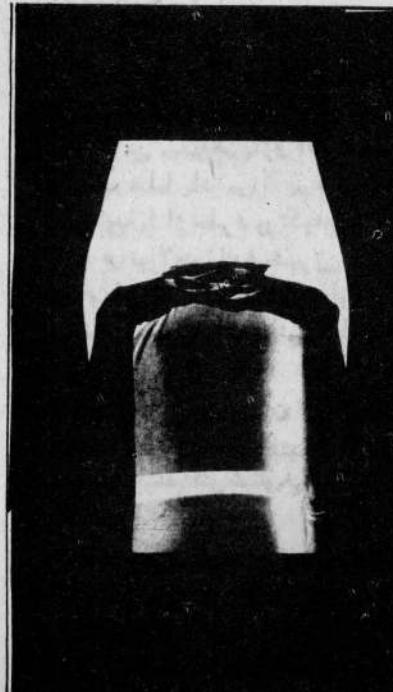
پروس علیه و کانسر انزاهم های بیرون شوند. "exogenous" راک به صورت نورمال در مواد غذایی خام، پیدا نموده ازین میورد. با از بین رفتن این انزاهم ها علیه هضم خوب مشکل میگردد.
 انزون برآن بیشتر محصولات کا - نسرو و پروس شده، نمک و ضایم کیمایی بیشتر دارند.

غذاهای زیاد پخته شده، کرم کردن یا پختن مووه های سبز- یها "ترکارهای تازه" جو بات یا صداد دیگر غذاهای در حرارت بالاتر از ۱۲۲ درجه فارنهیت تمام انزاهم های "exogenous" را از بین میبرند.
 هضم غذاهای که بیشتر از حد پخته شوند نیز مانند غذاهای

پروس شده و کانسر مشکلتر میشوند باید به خاطرداشته که که این طور هم نیست که باید خام خورد و لس اگر غذا را حتماً باید بهزید آنرا ساده تر بهزید از غذاهای سرخ کرده دوری جوید به خاطرداشته باشید که هدف اساسی این است که غذاهای خام پخته شوند.

غذاهای بیش از حد چاهقی دارو - حماله دار؛ یعنی ملک قاعده کل باید از چاشنی و مصاله در غذا استفاده شود. (ادامدارد)

اجتناب ورزید : آرد تصفیه شده و هکر : کاربوهای دریت های تصفیه شد / مانند آرد سفید "ترمیده" و شکر سفید و بیانمی ها و مواد معدنی بد ه را به غارت میورد. پرسه تصفیه اس - ختنان مالهکولن کاربوهای دریت ه را تغییر میدهد و قابلیت هضم آنها را کاهش میدهد و مواد غذاهای اس - سیس را ازین میورد. در اثر این پرسه الایاف طبیعی نباتی و پرسه قن از بین میورد، فاسد شدن دندانها بیشتر میشود بخاری بوره به سراغ



صرف کننده من آید، همچنان اکثر محصولات تصفیه شد سرشار از مصالح جگات مصنوعی میباشد. - حرف بیش از حد شکر تصفیه شده و نشاسته با تعدادی از پر ابریل های صحن به شمول بیماری شکر و شکر پاییزه خون، چاقی مفرط و عدم توازن کلسیم فاسفوروس همراه است.
 به جای آرد تصفیه شده آزاد - سیوس و از استفاده کنید. ایم آرد نسبت به آرد سفید، از نگاه ارزش غذاهای، بهتر بوده ولی سر کننده است. و در نتیجه کفتر میخورید. پس از لحاظ کالوری و همچنان مواد غذاهای

به منظور حفظ صحت کامل بایست ارزش غذاهای غذاهای راک میخورید بدانید. راه ساده این کار تعجب پالوس نموده میشود. پرسه این بالوس ه صرفاً غذای طبیعی اید جایگزین غذاهای قبله تهیه شده گردد. افزون بران بالوس تجویض میشود. شما کمک میکنید تا وزن بد و تا را کاهش دهید. به عنوان یک قاعده، میمیز های طبیعی تا حدود قابل ملاحظه میشوند. قابلیت هضم آن کالوری میباشد. کتردارند.

مفتوره خوردن غذاها در حالی طبیعی آنها قابل ادراك است. غذاهای طبیعی، منابع اساسی مواد حیاتی میباشند. اندک غذاهای پیشتر تهیه شده، فاقد آن میباشند. اکثر کارشناسان تقدیم میکنند: مقدار زیاد و بیانمی و مواد معدنی را میتوان در غذاهای پیشتر تغییر نخورد، باشند. روی همین اصل زنیم غذاهای بوكا، حاکی آن است که از برنا مه زنیم غذاهای تازه غذاهای را که تحت عملیه های کهیما میشوند تهیه شوند یا ترکیبات مصنوعی دارند. حذف کنید. مواد کیمیایی متم های متوسط امریکایی چیزیست عادی. همینکه کوشش ما برآن است تا عمر جعبه های غذاهای راک ما میخوریم حفظ کنیم، در نتیجه غذاهای خیلی مفید و مکنیکی زودی به غذاهای غیر مکنس مبدل میگردد.

غذاهای تازه می تهیه شده و غذاهای قدیمی در اثر انکماض تکان- لوزی مخاچ کم و مطبوع ساختن. اضافی غذاهای تجویض کردیده اند، زیانی که این غذاهای ناخوش آیند. به جهاز هاضمه داخل شوند همو. جسب عدم توازن در داخل بد و مس ترددند. پس بدن سالم از غذاهای که مسوم کننده اند، یا ارزش غذاهای شان چندان بالا نیست، همتواند استفاده درست و مناسب نماید. برای این که توانسته باشید زنیم غذاهای بوكا را دنبال کنید باید از غذاهای ذهل

پر یزید نت خوب میدانم که شنیده را چن
کوتاه پلید استعمال کرد
شما باید زنگی و کرکش خود را حفظ
بدارد . مهارت اور شهر زنی
به همه کان آشنا است .
این تمام حرفهای شما و جان مطلب
بود .
نه من آمده ام تابراخان پل پیشنهاد
کنم . همچو اندیشه در کار نمیست
تا خود را با کت روی رو سازد .
شما را منحصت نماینده به غرب هنر
میفرستم .
به غرب هنر ۰۰۰ لطفاً برادرم را که
مستحق تراز من است پفرستید .
برادرت . فکر کنم او برای این پست
زیاد جوان است . نه جکویز مسا
شما را کاردارم . شما انسان باتند .
برو معقولی استند .

قیمت خبر

جکویز سر انجام کارش را نموده بود .
کلمنتین تواسته بود با صفحه هم
علایق عاطفین نسبت با مرد میشوند و
محاسن فراوانی که عشق پیر مرد برای
او با خود همراه داشت و لی نهیتا
نمیست جکویز را نادیده انگاره جکویز
را رفعان دهد عجیده تغییر عقیده
داده بکوهن یعنی که در سراسر فرانسه
آن روز کارهای این دلداده گل کیویز
چنان و کلمنتین ورد زبان ها گردید
وعشق آن دو را نشانه صمیمیت ییک
محبت بس پهنا و اساطیری میخوانند .
درین میان پیر مرد نسبت به کلمنتین
روز تاریخ مظنون تر میگشت .
اما بچاره کلمنتین در چجه قلب
بقیه در صفحه (۱۵)

- جکویز تونیتوانی با او مقابله کنی .
- تیسم معنی داری روی لبان جکویز
نشست :
تو فکر میکن که من ازدست او میمیم .

چن کس به تو گفته که من نیتوانم بر او
ظالب شدم !
برای این که تولار و دیگر مشهوران بیا -
هر است تا چند ساعت دیگر همه چیز
روشن میشود خوش نیم آید درین همراه
پیشین های داشته باشد .
تولار و انتظار مرا میرد . متوجه این
که پشت او را بر زمین میکارم .
درین میان روی دی آرپریکل داخل
شد . در برابر خانه او بک و گون ظاهر
شد . برای لحظه بی خود را ازدست
تصور کرد که تولار و براز او کمی
کفرته است و با آمده تا از او پیوژش .
بخواهد و بدین گونه از دهلی صرف نظر
کند .

جکویز مجبور بود با تولار و به مقابلش
بهر دارد ، نه به خاطر برد و باخت
در برای بیل به خاطر کلمنتین . او
بایست از کلمنتین دفاع نماید .
جکویز سری را تکاندید . خوش ندا -
شت کسی با نهاده های استر حام آمیز به
سوی او بیند . تولار و در شهریزنس
ترآمد همه بود . پیری گفت :
شما بیوهوده به خود حق ندیدید بس او
خری وارد کنید . مگر این خنده دار -
نمیست .

اما نه ، تولار و در برابر خانه اش انتظار او را
میگوید . تو این را تولار و نهیتی
بهر دارد .

جکویز پاسخ داد :
از شما شکر . تنا میکم مراد رکار آزاد
پکارید .

جکویز آن هارا به سالین برد . فوکویت
اندره دید . کلمنتین زیاد زنگ پریده
بود . نگاه های ترس آلود و مضطرب او
همه چیز را آشکار میساخت . جکویز
شند که سانیت اندره به کلمنتین میگذاشته
از این جا میورم !

- به هیچوجه . تولار و به پیروزی پیش
مطمین است . اما شما نیتوانید پس
دوبل بهر دارید .

جکویز پیشانیش را چملک کرد . او در
مالون بازی با روحیه سرا پا هم دردی
نگاه کرد و بالحن کاملاً آرام گفت :
شما اکون بدین عقیده استید که من
در برابر تولار و هیچگونه چانس -

ندام !

خودتان را فریب نداده گول نزنید ،

جکویز ۱۰۰۰
جکویز حرفی نزد فقط شانه های پیش
را بالا انداخت . کت فریاد زد :
تولار و از اینجا بروید ! دیگر چس
من پالید .

خبره من میخواهم این آقا بیرون میم
که آغازین هیمات واپا و قایا همیشی
روشن میشود خوش نیم آید درین همراه
پیشین های داشته باشد .
تولار و انتظار مرا میرد . متوجه این
که پشت او را بر زمین میکارم .

- من سروت من آمیم .
همه لحظه های را که جکویز در آن جا
بود . آرامش و خوشبختی خود را ازدست
نداد ، آن کاه وقتی کت سالین را ترسک
گفت . جکویز نفس آرام کشید . پیری برا -
درین از شانه او محکم گرفت و گفت :
جکویز من نیکارم که تولار و را

با او ریه رو سازی و به مقابلش بهر داری
یا .

میدانم که او به تو اهانت کرده است .
جکویز سری را تکاندید . خوش ندا -
شت کسی با نهاده های استر حام آمیز به
سوی او بیند . تولار و در شهریزنس
ترآمد همه بود . پیری گفت :
شما بیوهوده به خود حق ندیدید بس او
خری وارد کنید . مگر این خنده دار -
نمیست .

جکویز پاسخ داد :
از شما شکر . تنا میکم مراد رکار آزاد
پکارید .

جکویز آن هارا به سالین برد . فوکویت
اندره دید . کلمنتین زیاد زنگ پریده
بود . نگاه های ترس آلود و مضطرب او
همه چیز را آشکار میساخت . جکویز
شند که سانیت اندره به کلمنتین میگذاشته
از این جا میورم !

- به هیچوجه . تولار و به پیروزی پیش
مطمین است . اما شما نیتوانید پس
دوبل بهر دارید .

جکویز پیشانیش را چملک کرد . او در
مالون بازی با روحیه سرا پا هم دردی
نگاه کرد و بالحن کاملاً آرام گفت :
شما اکون بدین عقیده استید که من
در برابر تولار و جلویاز کردند و وقتی

میپنهادند . پیری بار دیگر میتساند .

گفت :

برادر رشامستاد تا بازی را تهادا کند .
پیری پس از چند لحظه طور مویزی -
میدان را رها کرد عقب کت دید
و او را وادر به ادامه بازی ساخت .
پیری بار دوم میدان را پرید . کت
دین میان بلند بلند خندید و گفت :
شما خوشبخت شدید و به آرزوی شان
دست یافته به خاطر شما بیخدخون
شدم . اکنون نیت پیری بود که برها
را تقسیم کند . وقتی پیری پولها را -
تصاحب میکرد . تولار و پرها را کهند
کار و پر که بک از باکان آنرا بلند
کرد و آن را به کت داد .
جکویز که پادت کامل به سوی دستان
بازی کشند میدید گفت :
بلن خوشبختی به سان یک زن با خانی
نیهاد .

تولار و پرها را تقسیم کرد . فقط
چند تارا برای خود گرفت و گفت :
بیخشیده من بازی در قیار را فراموشی
کرده ام . شما مرا اجازه میدهید ؟
این را گفته و چند سکه طلا را از کمر
بنده بیرون آورد . جکویز دست گشت
را محکم گرفت و گفت :
شاید شیطان استید . هر کاه -
بخواهد غواص ایجاد کند . پاید از
این خانه بپرید .

کت که مثل خرچنگ سین شده بسود
به چار و جنجال آغاز کرد من از لحظه
های پیش متوجه کردیده ام که دست
به مانوزده ای . هریک ترا پدیده
صف میشناسد آقا من میز شان را -
بهالود . به زودی ثابت میشود که
شما پرها را پنهان کرده اید .

پیری آهی کشیده گفت :
شما پرها را بلند شد . جکویز
فریاد نهیخاست :
- من موافق است .

- جکویز همچنین از میز شکن
وناراحت یافت . پرها را سود و کرخت
هر تا بکرد و گفت :
به من قول بده که بدین موافقیم کاری
نمیکنی .

هر دو یکجا به سوی میز کام برد -
شند که تولار و هیان لحظه به بازی
خاتمه داده بود . کت با لحن عادی
و شوخی آمیزی گفت :
فکر میکنم شما از بازی دست کشیده
را خود به خود باز کرد . یک پر بدیده
اید و سلام استید ؟

جکویز چیزی نیفت . اما کار چوکس
کت غرید :

جکویز عاشق ساخت کلمنتین
است و دیوانه وار او را دوست
دارد . اما از این که کت شان شد دز
راه این دوست شان شد دز دز
تشیخ است . وقتی با کلمنتین
ملاقات میکند . خوشبختی شان
را باکت میخواهد . ایک از دیده -
کان کلمنتین سازی بر میشود و جکویز
متوجه میشود که کلمنتین او را
دوست دارد نه کت را دین دین
اشنا برادر رش پیری ، پول های خود
را در قیار باخته و از جکویز پول
میخواهد و این هم ادامه -
مسیر سال .

پنجمین هزار

درورزش نباید از دلیل انجام مسابقه کاوش شود



محترم جنیز الله (منزی) باز پرسید
او عرض عم ملس رشتہ ہو کر لے۔
وی طی صحبت ونشت خود بامادر۔
مورد مسابقه وزرشکر جنین اظہار ائمہ
در سال ۱۳۴۹ آنچہ مخصوص تیرم
آن بانان را کسب نموده وہ تم جوانان
اللہیک انتخاب شدم وطی نزدہ سال
تعزین و تجریہ بوسن د رسطح ملی وین المطل
در وقت های (۲۱) (۲۲) کیلوگرام۔
(۲۸) مسابقه را انجام داده ام که بعترف
آن مسابقات الہیک (۱۸۰) سکنی
که طی مسابقات مذکور به دریافت جایزہ
های مانند کھاہی تعریمانی، مدال های
طلما و نقرہ، تقدیرنامہ ها و پیغمبر های
وزرشکر دست پانه ام۔ جمع تحسیلات
وزرشکر به کشورهای آلمان و اتحاد شوروی
سفر نموده ام که در نتیجه بازیگر ملکه
درجہ اول پدر جس سوی بکشید باز تھے
کردم۔ تعداد زیاد بوسن د رسطح ملی
ستاز تقدم جامعه نموده ام که شماری از
آنان در کلاس های منوط به حیث تعریمان
شناخته شده و مخصوص تیرم ملی کشور را
دست آورده اند.
کار کدام وزرشکار رشتہ بوسن را می
پسند پیدا کرد؟

- در داخل کشور به کار احمد صمیم
قاری زاده، نور احمد و محمد رضا یست
دارم و در خارج کشور از وزرشکار اتحاد
شوروی گلک پایوف خوش می آید
اگون به تعزین چند کلمہ مشغول
استند؟
- همین اگون به تعزین سه کلمہ سر و
کار دارم؛ کلمہ وزرشکر د افغانستان پانک،
کلمہ جوانان منوط بانک و تم ملی کشور
همجان تیرنتر تم ملی و پیغمبر انتخباری
وزرشکر میباشم.
تخفیک و تکمیل اصلی که بوسن می لایم
آشی می خورد، به جو نامهای میشود؟
- تخفیک های مروجه بوسن سه شکل
است که به نامهای ((گزاد))، ((ابرک))
و ((اکن)) یاد میشود.
آیا در وزرشکر بوسن باز سه روند اضافی
فیصلیتی دارم مثاباً؟
- می باز از سه روند افزونتر هم مسابقه

فردا نگران نباشد آمادخت

صاحبہ از رفیعہ

- اول باید هدف راشناخت، بعد
کار را دنبال کرد به همه چیز در وزرشکر
نباید از دید انجام مسابقه نگاه شود،
هدف بزرگ وزرشکر باید تامین کرد، ولی
در کشور ما وزرشکر را از این دید کتر کس
میشناسد و همه چیز در مسابقه و تعریمان
شدن خلاصه میگرد، ویک باسخ مستند
و منطق دارم، اینجا از رویه وزرشکر سو
استفاده میشود، بسیاری از وزرشکاران
به این عقیده اند که اخلاق، اصول و بر
نسبی وزرشکر را مراعات باید کرد، اما
خود شان هرگز بد پیگوئه که میگویند،
نیستند، من معتقد دام نقطه فرهنگی
و دانایی میتواند جلو این همه سو استفاده
هارا بگیرد و این خود وزرشکار است که
میتواند حق وزرفای موضوعات و مطالب
را بفهد و درک کند.

صورت میگیرد و فرق بین سه روند و بالاتر
از آن اینست که بوسن امانتور سه روند
مسابقه میگردند و بوسن حرفة وی از
چارده روند افزونتر هم مسابقه میگردند
که از جمله (محمدعلی کل) رامیتوان
نام بسرد.
هر روند مسابقه بوسن چند دقیقه
است?
- روند های مسابقه از کلان سالان،
جوانان و نوجوانان فرق دارد، برای
کلام کلان سالان که میخواهند به تم ملی
جذب شوند، سه روند سه دقیقه، برای
جوانان سه روند دو دقیقه، برای نوجوانان
دو روند یک نیم دقیقه میباشد.
گروهی به خاطر شعرت و تعریمان شدن
وزرشکر میگردند و معمولاً هم از وزرشکر سو
استفاده میگیرند، نظر شمار مرور چیست؟
- می باز از سه روند افزونتر هم مسابقه

پرس



ترجمه رازیانه نامیدی شکست

یک دقيقه سپری نشد بود که بادست رای از زان برسر چایش ایستاد.

وقت تم طی اورایه گوشی بودند و پسرها بدون شک «متوان» کانون حادث با تعجب درانته که به جر خلخ بند دست

چیز و خراش های معمولی دیگر آسیس ندیده است. وقتی خبرنگار می خواست «-

اجازه» نخستین پرسنل را از او بگیرد، میسر با خونسردی برسید:

— لطفاً برايم بگویید «چی کسی بزند» مقام اول شد؟

و خبرنگار براز گفتن نام ((هریت)) بر سید

— شما که از پنج سال به این سر، مقام اول را داشتید و درین تصادف کم سکن بود به مرگ شمامجر شد، از منته مسابقه برآمدید، دریور بلان های آپند

ثان چی نظردارید؟

میسر باست داد:

— من مسابقه را باختم، نه زنده گیم را،

مرا موش تکید که نخستین دریور مسورد این است:

نامیدی، شکست است. له باخته.

ترجمان به طور کل «عرضه» اتفاقات

و پرسنلها پاشند، درین میانه حادث ورزش را بدوزن شک «متوان» کانون حادث خواند. بن مناسب نیست، اگر در رسا

بقات جهانی، از پولیمی گرفته تا کمکهایی عاجل طی وحشت موجود بیت تابوت، از

ضروریات حتمیست.

خبرنگاران و مکانیکان که گویی لحظه بیشتر نمیزند، چندی پیش، ناظر صحنی

بودند که ظاهراً باورگردنش، دشوار است. اسم موتراسایکلیست حرفه‌ی ((غول میسر))

که در ارمنستان لقب ((مرد خطرها)) را — کای کرده است، بارگیر با حروف در

شت سرخط شماری از نشرات ورزشی و خبری گردید.

آخرین مسابقه موتراسایکل رانی سال در ارمنستان طبق معمول بازهم در

((رس کل)) واقع هود زنیل آنگلیند برگزار شد. مرد خطرها برای شکست اش

مقام اول بارگیر به گفته خود ش خواست موتراسایکل را پروردید، امانات همان

کشور را ازدست داده و درست در رومط راه به گونه معلمک نقش زمین شد. هنوز



تعهه کنده لهما

سی سی سی: لای نایم

احمد نصیب (یعقوبی) ماستر سبورت ۱۰. عضویت ملی با سکبال کشور افغانستان تم کلمه هدایت از سال (۱۳۶۰) به این رشته رو آورد و در سال (۱۳۶۲) عضویت ملی با سکبال کشور را کسب نموده است. در طول این مدتد رسمیات

زیاد با خانواده و خارجی شرک نموده که نتایج و تجربه خوب ورزشی را به دست آورده و همچنان از آغاز فعالیت ورزشی خویش تاکنون مفتخر به دریافت سه کسب قهرمانی، دو مدال افتخاری، تحسین نامه ها و پیشنهادهای امداده در سال ۱۳۶۲ لقب ماستر سبورت ۱۰ از اداره رفعه با سکبال کسب نموده است.

وی در موزه عدم پیشرفت ورزش با

سکبال درین جوانان کشور چنین گفت:

— موفقیت در ورزش با سکبال همانا

تمرینات متواتر، بلند برد و سطح قوه

فریبی بد نیاز نداشته از نظرات تبریز واعظای پیشینه در این رشته و گرفتن انرژی مکمل می‌باشد.

باید زمینه سفرهای ورزشی به خارج کشور

برای تم‌های ملی کشور فراهم گردد.

ویزشگاران تم ملی باید در سیمینارها و

کروسها در رابطه با قوانین جدید با

سکبال شرک نمایند، کمیته تربیت بدنس و سبورت مطالب آموزنده و تربیتی را در رابطه با رشته سکبال از فدراسیون جهانی

بنچه در صفحه (۱۴)

لپ لپ



مهاوانان به باروتيدل گر يد ي
دغه باروت امكان لري چسي
وجوي !
د بالکواله تيز سنانو، د حاکم
رئیز بر ضد د مهاواناند گوسنی
ایشید ل د همودي د مهاوانه د
احساسات زننده بولن « همودي
درستیاد خرگند و لوخنه و زیني ي
امریکانی مهاوانان به خبلو سند روکي
خیلی غوشتی بیانوی .
داسند روکي غوتك جور دی ؟ همه
مهاوان راکوی :
به خپله مهاوانان « مهاوان شا -
هران « محصلین » . . . نون درع
دو بیزندل شوی امریکا میس
سند رفاري به خبلو سیاسی
سند روسه د مهاوانانو منع ته
در اسی . به امریکانی د سیاسی .
سند روبلوان خروبات دی او
نون درع داسند روکي د امریکي به
تولوپنا رتو وحشی لریو کلیو کسی
لاره لري .
د ((استار)) خبریال پیشتر
کوی :
داد مطالعنم در بدیده ده .
به دی سند روکي جوازد مهاوانانو
ار نگ نیونه نبغشت نه دی، بلکه
عدالی اود زوند دیاره میازه هم
به کي نبغشت دی . لکه :
اتسی چاودنی بس دی
مرگک بس دی
دانسان وینه اویه نه دی
چی بھوی عا .
مسره « خجل لاسوتة ماته
راکر ». .
باتی به (۱۲) مخ کی

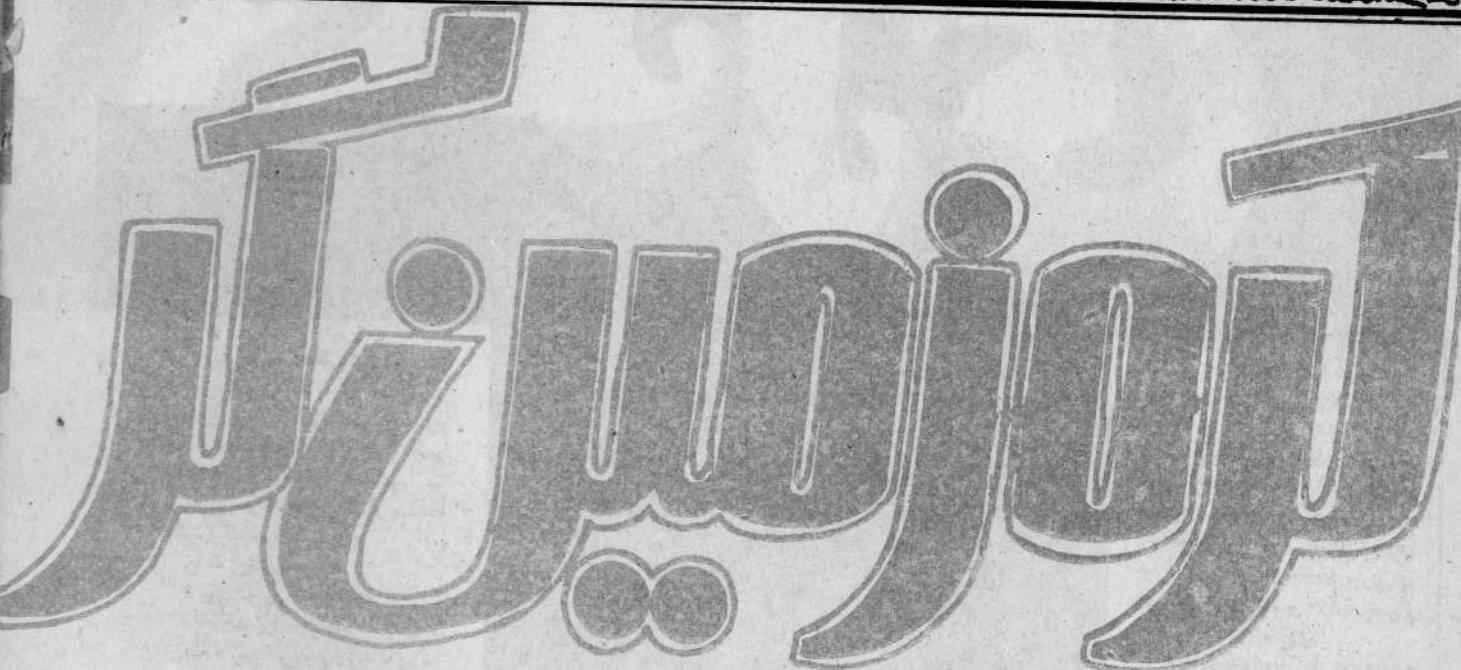
چی به امریکه کي خبرنېي د -
نینیارک له بوله که گونب خخنه
دوك رستوان لیده کم دفه
رستوان دamerیکان مهاوانانه
جلالا قشرونود سره را تولید لو
معای دی . بوسوان د نظامی -
بینغده سره د فجن گیتاره
ملکریا سندره واپس :
زه له دیتمانه رام
د یوپی لوپی هد یوپی نه
دغه هد بوله موپز جهه کر یه
همه زوند توغ د یوچی ددی -
لوپی هد یوپی به سرن زننی ي
زه یوامریکانی سرتیزی هم .
زملاسونه و گریه
په دینولر لی دی .
داد بیونتیانی ماشونی دی
هنه ماڈلی دی
زه دننی امریکانکارند ویم .
زه جنایت هم
اوندیکن !
زه امریکانی سرتیزی هم
زمیونغده و گریه .
اود مرکه نهه چی زماپرمس
باندی ده .
زماد هیواد د خبلو کی بجهه
کر گردد .
اود هنی لوي ستال
لام سوچنی .
غوسه د مهاوانانه خیلکه بغلنی
او یوند افسه رینو .
د ((استار)) خبریال توضیح
راکوی :
د رستام « بارونکی چکری » -
تولوپنا نایپاپریه سیا -
محد و دیتونا و تورقفر اونایپاپی
بانگو بدل به خنکه کي امریکانی

د گیتیرسند روکي د چکری -
نیسته « دیکاره « گرانیه » ستم او
د بی عدالتیه برضد دی به ایتالیا
کي ((ماریپیاننا)) به ایسپانیا کسی
((فایل مارتیس)) دلاتینی امریکی
یه هیواد ونکی ((کیلابایون)) به
فرانسه کي ((سیری ماتیس)) او
د امریکی به متعدد ایالاتوکی
((منکجری)) ، ((جک بسل)) ،
((جون باشیز)) او ((جون -
هولیدی)) د دغه میپیختی
غوسی بیانوونکی دی .
موپز د ((لوي تدن)) نیکرفه
بچی بول
د شلید لوچامو ،
اوندی لوچمیده سره
ناریغ اورشانه ،
((لوي تدن))
موپز کم لکمده بیونک دیاند کی
تا اورگرمه بیونک لیدل دی !
به اوندیکی بی ((دیتسن -
کیترن)) سیاست به موسیقی
کی درنه ایست همه واپس :
همه هنرمند چی « له سیا ست
خخه تبشق » همه غنی ته درته
وی چی یخبلو تارونکی مری . زه
نیار بامس چی یخبلو سیاسی
سند رو سره عادی سری هم ،
نکرکولونه و هتعم د رشیا معکله
نکرکولونه اود همه خه به هکله
چی د دغه بشکاره نرق و سرق
شانه بتدی .
کیترکلک د کاز خد ماسک سره
اوکله هم د سرتیزی د یونیفرم
سره صحنی ته راضی .
زملاسونه و گریه .
زه له دیتمان نه رام
ما ((سونکنی)) به ونکی
لووب کرم بدی .
ماد ((نکوپین وان تروا)) لے
کوچنی خبرنی له خبریال سره
غولی دی .

یه لوبید بی کی د ((جان)) باده
اویت تابه کوونکی موسیقی خیل رنگ
باپل ، دغه ((سپک تغییی زانر))
دیانگواله نظام برضد مهاوان
نسل به فریدل لینی « نورسوند
جاز سند رفاري د نایابیو مینو »
از رانخولکیواسته بواه نارفقو
وجود و نو خنده خبری نه کوی . د
همودی سند روکی د غوسی لمبی
دی چی هستنکی .
دیانگواله بروست نظام ، -
مهاوانان به تندک کری دی . د -
مخالفتونیتیا توالی « نایابا بری
اویه خبلواکه نرده کي حاکم ستم
انی دالتی هنرکیه غوسه
کر یه .
((جاز د مهاوانانیه ورعنیه
میازه کي د همودی د درد دنواه
غشتود بیان به وسیله بندل
شوی دی .
موپز نه غوار وجی و مو
غوار وجی و جنکیز و
غوار وجی لمر و ونیز
د سروکلوبند گلید بیرون .
د غوسی سند روکی د لومر یهش
دیاره به امریکانی راید اسوسی
او مذکونکی بی تور بیونک موسیقی
غز وونکی ((کوالتراین)) ویپی -
((افریقا شیپور)) او ((د هند -
وستان فم)) چی جوک کر « دروسته
بل تور بیونک موسیقی غز وونکی
((ارچی شن)) د همه به لاره
لاره . همه به خبل ساکسون
سره د تونیوتکنایا به رنخد -
((امیکاجنت)) نومی سند روکی
پشکاره کم .
کله چی زه ستاکوشی ته رام

لپ لپ

درآیندها به طایات کمرشکن راهنمای شیوه تازه زدنگی درگونی و ارتسازیم



میتوان که کازگین هاوس بعده از
حاظ کتر آن در اتوموپیرات

زمینه که مواد ضروری در باقلاق ها

هزار شالی بزنج، محل تجمیع

نگهداری موادی حتی در راهروها

مورانه هاویوانات نشخوار تجزیه

و فاسد میگردند، تولید میشود مقدار

این کازدرحد و پک درصد هرسال

تسا به ملت نگهداری روزانه موادی

و استفاده از کاز طبیعی افزایش

میابد.

کلوروفلوروکاربن ها (CFCs)

که از جمله کازات درجه سوی شمرده

میشوند از بخارها، مانند

تعویه، پلاستیک نوم، مواد محلل و

قوطی های سویی به دست می آید در

مقایسه با کازین دای اکساید (CO₂)

مقدار آن در اتوموپیرات کتر است ولی

از آن افزایش یافته است.

به اندازه پنج درجه سانتیگراد افزایش داشت.

محل این ساختار چیست؟

هرگاه مقدار این ها فراوان باشد،

منای بیشتر کازهای گزین هاوی

در اتوموپیرات خود طبیعت است. طور

مثال، کازین دای اکساید (CO₂)

که با مقدار وافری در طبیعت وجود دارد، به وسیله آتششان ها، ابحار

نیانهای در حال بوسیده شدن و حتنی

به وسیله تنفس، به وجود آید.

ولی قسم اعظم این ساختار ساخت

این که زمین حد اوست پایه نهاده و رجه

انجعیده میباشد.

زمینه که مجبوب به مواد سوخت مانند

نیال سنگ و تیل را میتوزانیم، کازین

تراکم گزین هاوی، اکثر اشمندان در

کره زمین میگردد و زندگی را سکن

تصمیم بگیرند. ولی آیا واقعاً ما باید

به این انتخاب تن در دهیم، بیشتر

دانشمندان را غصیده برآن است که

خطر، جنبه واقعی دارد، ولی

زهره (۶۰۰۰) بار بیشتر از آن زمین

بوده و حد اوست درجه حرارت آن بالاتر

از (۲۵) درجه سانتیگراد است، ولی

اگر مقدار کازات گزین هاوی کتر میباشد،

پاصلو وجود نمیداشت، درجه حرارت

روی کره زمین حد اوست پایه نهاده و رجه

انجعیده میباشد.

به مدت افزایش شدید ورزش افزون

تراکم گزین هاوی، اکثر اشمندان در

امر، مقدار آن در اتوموپیرات زمان

پذیرش آنست بمحیط و پرخواهی گراف.

رهبران هفت کشور صنعتی به شمول

رئیسجمهور ایالات متحده جرج

بوشود راعظ بر تابه خام مارکیت

تاجران خواهان تلاش های هدایان

در رابطه به محدود ساختن انتشار

کارین دای اکساید مواد پایه

((تریخانه)) مورد بدنده، برای نیل به

این هدف، شمار زیادی از اشمندان

زیست شناس و کارشناسان امور محیط

مفرات شد به وظایات ستگن و تازه عدرا

که میتوانند احدهد قابل ملاحظه باشند،

شیوه زندگانی که مارکیت میباشد،

پیشنهاد کردند، رئیس اداره حفظ

الصحه محیط ایالات متحده نیلما

در جولای ۱۹۸۹ در باریس،

رهبران هفت کشور صنعتی به شمول

رئیسجمهور ایالات متحده جرج

بوشود راعظ بر تابه خام مارکیت

تاجران خواهان تلاش های هدایان

در رابطه به محدود ساختن انتشار

کارین دای اکساید مواد پایه

((تریخانه)) مورد بدنده، برای نیل به

این هدف، شمار زیادی از اشمندان

زیست شناس و کارشناسان امور محیط

مفرات شد به وظایات ستگن و تازه عدرا

که میتوانند احدهد قابل ملاحظه باشند،

شیوه زندگانی که مارکیت میباشد،

پیشنهاد کردند، رئیس اداره حفظ

الصحه محیط ایالات متحده نیلما

در جولای ۱۹۸۹ سال گذشته درسا ل

ط (۲۳۰) ۱۹۸۹ سال گذشته درسا ل

رئیسجمهور ایالات متحده جرج

بوشود راعظ بر تابه خام مارکیت

تاجران خواهان تلاش های هدایان

در رابطه به محدود ساختن انتشار

کارین دای اکساید مواد پایه

((تریخانه)) مورد بدنده، برای نیل به

این هدف، شمار زیادی از اشمندان

زیست شناس و کارشناسان امور محیط

مفرات شد به وظایات ستگن و تازه عدرا

که میتوانند احدهد قابل ملاحظه باشند،

شیوه زندگانی که مارکیت میباشد،

پیشنهاد کردند، رئیس اداره حفظ

الصحه محیط ایالات متحده نیلما

در جولای ۱۹۸۹ سال گذشته درسا ل

رئیسجمهور ایالات متحده جرج

بوشود راعظ بر تابه خام مارکیت

تاجران خواهان تلاش های هدایان

در رابطه به محدود ساختن انتشار

کارین دای اکساید مواد پایه

((تریخانه)) مورد بدنده، برای نیل به

این هدف، شمار زیادی از اشمندان

زیست شناس و کارشناسان امور محیط

مفرات شد به وظایات ستگن و تازه عدرا

که میتوانند احدهد قابل ملاحظه باشند،

شیوه زندگانی که مارکیت میباشد،

پیشنهاد کردند، رئیس اداره حفظ

الصحه محیط ایالات متحده نیلما

در جولای ۱۹۸۹ سال گذشته درسا ل

دويچه فصل طبقاتی موقف

د پال زینمن اثر
د ستادک زیاره

پستو سریال

دو اگه کره چن دی شهرت او نیوم
کتلای دی . دل بیرون شتو خبسته ده او
جهیزی دنور هیچ شی دیباره ارتیما
له لری نقطه بنارکی دی گزی او د -
میش او نوش زوند دی کوی اوله پیوی
لوری کوئن اود بسی روئن شوی نجلی
سره دی واده وکری . جهیزی و خندل .
هفعه بی به غیره کی وسیله هجی کرمه
اوخه ناخه بی د هعنی نزه ورمات کر .
به داسی حال کی چن دجهیزی به
کار او بار باندی عی افتراض کاوه د هفعه
دل همین فر لریونکی فلم د جویلوبه باره
دار تیاره بانگه برا بر کره او جهیزی
داسی بوقلم جور کر چن دده دی ساره
دنم او شعرت له گلتهونه د بولهیزی .

لارانایمده نه شوه . به بیله هر -
بنیاری سره بی تر مکن حده بولهیزی .

بیوه بزده د نفون او د شتو خاوند ان را
تول کرل او هعنی ورعی ته سترکه به

او بستان سرمهاده وکری خود تولنس
له ستری او متوجهه شی اوله هعنی

شتونه چن دی ووه برا بر کری دی کار
واخلی . هدارنکه لارا دی له هعنی

دا شرافی بنکلو او د هم او بستان
خاوند و لجنونه بیو سره اشنا کر چن

بیسی بی نه درلودی او باید چن له بیو
سره بی واده وکری وی او برسیره

بردی د خبلو کالیو بلوه دلارا د بیزه
بوره دری وه .

جهیزی دنه د جاه طلبی بلانویه
رتان ده .

هفعه به غوشه توکه بیلی وه . ((میری
کوم وخت چی زه واده وکری . زه به له
مهانی سره واده وکری . هر خونک چس
وی زه به داسی بشاعی سره واده وکری
چن به کارکی زمار منتدی او ملکی -
وی))

ادا ه لسوه

وی به دا ملک ده ته د سوقات به توکه
درکری 1
جهیزی دلارا بیلر گران او بالازنسته
شته وو . عجیمه خود آده هرهمه خه
زیات تر خوالی هم نه درلوده د دی د
چن د مورنی مینی بنکارند وی وی به
داسی بنی کی باید و موندل شن .
لارا او د خبل خیل زوی له باره زوندی وه .
د هفعه نمانعنه بی کوله . امکان لسی
دل دی سبب به داوه چن جهیزی د دی
دخلن تن بیوه بزده وه . د دی دزوند
لا تراسه بیوی هم له بیوه حقوقی
مشاور سره د کاتب به توکه خبل کارتنه
به جهیزی بیزی اره درلوده . هعنی
د وام در کاره او د خبل فراتت به وخت کن
کولای شوی چن جهیزی شتن کری .
همه ته هفعه تول امکانات برا بر کری
لارا د هفعه د باره د مر پنی هیله
کوله او دا هیله دی سرحد ته درسیده .
چن هفعه به بیلر لزی مسکن وخت کس
مر شو . د دوی یواعینی زوی . جهیزی
د باره بیوه بنکل او بیزندل شوی نجلی
به زیاتره وخت له کور خخه لری به بنو .
د زوند د ملکی بی توکه و تاکن اوله نوم
او بستان سرمهاده وکری خود تولنس
به لری و طبقاتوکی د بنه او د بیلر عالی
موقف خاوند شن .

که جهیزی جهیزی هم د خبل مسرو
غوندی مکوره درلودلی . کارونه به بی
بن له ستونزو بزخ تلی واي . خوکله
چن دنه خوارکی چن بوله برد لوبی
حوالی او زم خاوند و او بیهه بیزه
اسانی سره بی کده هد بیزی ته بارشه
لارانواوسی راهه ساواستله ای فسه
شوه . هفعه د تلکو کوچکو چیزه
دی چن د دنی مرنی ننک او شرم
به کن خوندی و هفعه بی خرع کراویه
دستگرله کونجونه بی هعنی ته کسل
ویست ایند کی بی حانته به بیوه جمل
کوکی عالیشانه زوند غوره کر .
جدی نه ده . ضریو هم نه ده 1 زه فلم
جور و فوارم دازماهیله ده . زددی
کارلیونی یه . زه به هفعه وکری افوارم
بیوه بزه کونه . لری او مجلل خشو
هفعه بیونکل . لری او مجلل خشو
بیوه بزه کونه . (کلوسیستراپرا کی چن
بوخه کاره شم .))
هفعه ته بی ویلی چن د ده د واده به
لارا دل زیدله . هفعه دا به

لارا د ده نیو همانگی طبیعت
خاوند بیخه ده چی دزوند نیکمفری بی
کار او بار بیزه رازوندی کری .
داجی لرا خنگه د ده پهودی
چن هعنی بیانکی نه بیل کری وه لیوله
له کومی بیانکی نه بیل کری وه لیوله
دی خبل میر و زلی وا خبل بیاعینی
زیوی چن بیزد قی بیلر گران وید امسی
چابنی بیال کی لویی کر چن بیاعینی شتن
خلک له هفعه نه خوند اخیستش .
له هعافه بیل نه د لاراشماریها .

لیتوب و دی به زوند کی خبل هدف
ته درسیده وله باره خبل عان د معاملی او
کنم وخت چن دا ولسوکاله وه له بیسمه
خلویست کلن سری سره بی واد موکر .
د جان وید باره هر دیره ترمه .

ستونزه و د هفعه تول شته به باسکه
کی د هفعه بیلانس وا لارا عان سره دا
ویتله چن به دغوبیسیواندی کی کولی شی
د کالی جور ولو کارا بار سبال کری .
نود هدفو بیسود لام ته رادر لود باره
بی خبل عان هفعه د بیل هر خاوند
ته وسیاره چن د دی د بیل ره عای و .
به دی معامله کی لا رایلود ماو
له با پللو سره سی د خبل و فاد اسیر
به باره کی خبل تول تمایلات له لاسه
درکرل ایه دی هخه کی شوه چس د
خبل کارا بار د بیل کولود باره د تولی
نوری زیری و لتوی . له همدی کله بیس
له بیوه بیودی سره خبل ای بیکی تیکنگ
کرل . دنه بیودی د بیوی هنی خاوند
وچن هفعه بیوزندل شوه . کنم وخت چن لارا
د بیز کله شوه . به لندن باریس
اخیستی و ایه دغه و ختونکی مفلسی
شوه و دغه گندونکی د هنی داجاری
د بیسوبزمای دنه بیودی ته لیز
فوندی مال بیزی اینی و .

لاراله دغه به بیسومین بیودی نه
بیزه کلکه کرکه د رلوده او ترینه بیزا ره
و خود اتول بیزه کلکه کرکه د کیسوند رانیزونکه
کی مولوستی د ویه .

کیست آن جیست آن

آن چیست که مکار است
هم چیست دغل کار است
نکوشی آزار است
دوان خرد اراست
جواب: ((د کاند ارمنقب))

آن چیست که ازان است
هم نزگ غریبان است
با هول هم بیمان است
جواب: ((واسطه))

آن چیست است روزش سبک
هم نازک است وهم تند
منیست از خوانها ورک
هم در توزعهم در خلک
جواب: ((نان نانوای ها))

آن چیست که ابشار است
در کوجه و بازار است
هم ناقل اسرار است
جواب:
پنهان کوچه و بازار موجود در شهر کابل))



پردازشیں ها

- بزرگترین خوبیختی: توفیق تبل
- بزرگترین آنزو: برق، ماعنی
- بزرگترین هنر: گذشت زیباده رو ها
- بزرگترین موقیع: خریدن کجالو از معماش
- بزرگترین هوش: خودون گوشت کاویا گوسفند
- بزرگترین جانس: نوبت ترنیق مoward کیم و نی
- بزرگترین بد بخش: آمدن همان در رفه بازانی
- بزرگترین شجاعت: پرسیدن نیخ
- بزرگترین حیوان: محنتکر
- بزرگترین سلطان: بازار سیا
- بزرگترین بانک: دخله وافروشی
- بزرگترین مصیبت: مراسم هر ریسی د رهوتل های کابل
- ارسالی ساروا مالام

تهیه کنند منظاهر ایرانی



گشته که بیناب

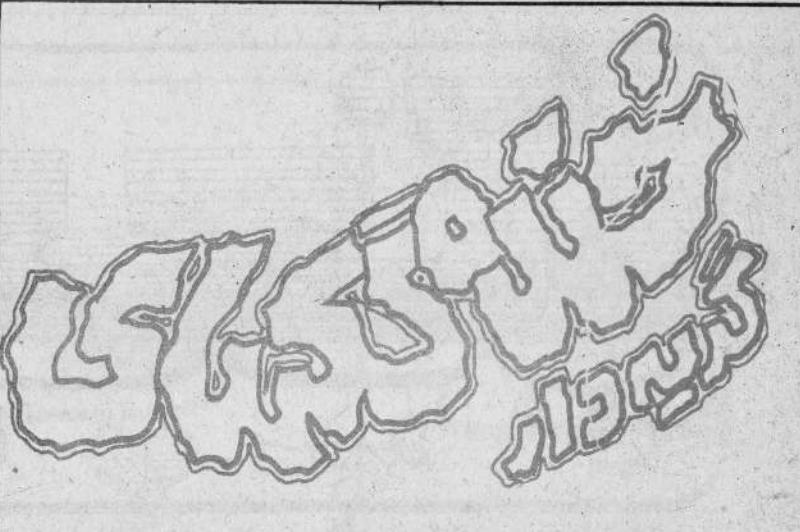
زنایوانیم با زیستاب
دلی از است نرخه گشته بیناب
خدایا کاشک سیوردم مفتیش
له فسده نانه سده اشتم نه ازاب

علم دری می برسد:
من از صنف خارج شدم . جتوئه جمله
است?
شاترد میگوید:
این پک جمله دروغ است . زیرا شما
هنوز در صنف استید .
ارسالی ترناگر وتن

پیش که کارتید یعنی ساده نهست
پک سلسله شرایط اصولی را در
برمیگیرد . خوب بعصرت "ب" به
خیر آمدی ، چه وقت ازولایت ...
آمدی ، به فکم آنجا همه چیز
از زان هاست ، این تعطیل و
قیمت کابل ره میینی؟
ما مور: بله رئیس صاحب هم "همس
قسم فکر کرد ، با خود گفت: رئیس
صاحب در قسم تبدیل تو
کم میگرد ، بیاتوهم در همین
وقت حسارت که هر کس به کمک
ضرورت دارد ، همراهش کمک کو.
به همین خاطر صرف یک بوری شکر
برایتان آوردم .
رئیس: نه لازم نبود . خوب کار
نکردی؟

ما مور: چرا رئیس صاحب همکاری متقابل
همین است . شما همایی مه کمل
کردین مه هم باید همایی شما
کم کم . آدر رخانه را بد هید
که هموشینی ره بیان .
رئیس: برو کاتب ره بگوکه تمام کارهایت
وه امروز خلاص کد که سرگردان
نشوی .
باز خیر است اوره در کان .
بیاره .

ماموره رئیس: رئیس صاحب هموسائله تبدیل میشه
چطور شد .
رئیس: مه توره نشناختم .
مامور: مه صاحب هموکس استم که
آمر صاحب شعبه با برایتان
گفته بود .
رئیس: خوشهاستید ، مهرانی ،
بفرمایید . ولی باید برایتان
نوشته میان فرمی



رئیس و مامور

نوشتہ میان فرمی

از خانی میخواست سگ بخورد وقتی سگ را انتخاب کرد از فروشنده پرسید:

- بخایش چند است .
- معلم صاحب ضرب پیار
ندام و اگر علامه ضرب از مایهش در
کنم ۱۸ - میشود .
- معلم : توکه سوال ساده ضرب را حل
کرده نتوانستی بسی جراول نصره
منف استید .
- برای اینکه نهد دیگر سگ را کسی
نمیخورد .

ارسالی همایون بجزاد

صالح محمد (حمدان محمدی)

به خانی میخواست سگ بخورد وقتی
سگ را انتخاب کرد از فروشنده پرسید:
اسکالتلندی مراسیمه به خانه خود ش
آمد و دید که متساقنیه حرقد و ستانش
راست بوده است . اثناه به مرغت
تفنجه اثر را کشید و در حالیکه صدایش
از خشم میزدید ، فریاد زد زد پشت
سرهم امتناده شوید میخواهم بایک
مرمى هردوی تاثرا بکشم .

ارسالی سعیان جیب سادعه

سرحدی

در شهر خومرووف به هر شعر وندی که
جاده را هنگام اشاره چرا غم عبور
کند، بیشنهاد میشود تا این کار را سه
بار تکرار نماید.

افکار مبهم

تفصیرات و تبدیلت نادری رویدست
بود. ماهمه در این نکریدم که کسی
رئیس منش زیای ریاست مخواهد
شند؟!

ازمون

وقتی پرسنیانها افتیدی، میدی اس
که جن لقمه می استی.



میتوانست غنا کند، اما با مشوره های
که به او دادند مفرق گردید.
موفقیتها را به خاطری بر جمته مهاد
زند که نا کامیها به خودی خود هم قابل
دید اند.
آنرزی صبعی را صرفه در رام منعنه
اینده بکار آوردند.
با گار عاقلانه باید تصامیم غیر معقول
را جبران کرد.
در کد شته بحث زیر شمار "هر کس
حق دارد، نظر غیر علی خود را داشته
باشد" به پیش برد و موضعی داشت.
مسائل بیمار غالباً بیشتر از خود مسا
عیر میکند.
اگر نتوانی به خود غله کش و دیگران
آماده اند تا این کار را برای انجام
بدند.

هر قدر بیشتر دلخوری کند، اشتها
بیشتر میشود، کانون خانواده کی کرم است
اگر بیچال هر باشد.

((این یک انسان واقعیست، اگر
تعداد بیشتری از همچو اسانهارا
با خود میداشتم، برای این کشور رفاه
زند که نا کامیها به خودی خود هم قابل
دید اند.
آنرزی صبعی را صرفه در رام منعنه
اینده بکار آوردند.
با گار عاقلانه باید تصامیم غیر معقول
را جبران کرد.
در کد شته بحث زیر شمار "هر کس
حق دارد، نظر غیر علی خود را داشته
باشد" به پیش برد و موضعی داشت.
مسائل بیمار غالباً بیشتر از خود مسا
عیر میکند.
اگر نتوانی به خود غله کش و دیگران
آماده اند تا این کار را برای انجام
بدند.

هر قدر بیشتر دلخوری کند، اشتها
بیشتر میشود، کانون خانواده کی کرم است
اگر بیچال هر باشد.

حرف کافدی:
در بزاره برای صحت مردم، مأمور به
احمایه بیشترین منفیت را کسب کرد.
ازد.

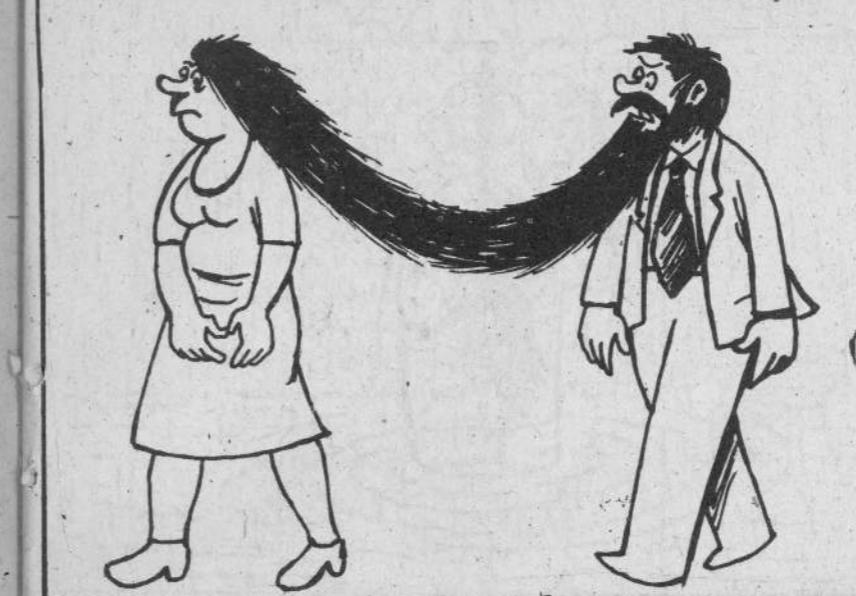
عکس منفیتی:
اقتصاد مابه عمق بی نظیر بیمید.
است.

تاقض زنده گشی:
بیشترین افکار به گونه فیل قانونی
به جهان می آیند.



و وزن مودی که بیشتر از مدد سال
سردار، دیروز روزه هر واپسی
زیادا و جعلی های دارای آب با ک
ریزی، نفعه سرای بزرگه گان در
جنگل های انبیه و پیر خاطرات
فراموش ناشدنی در وان طفولیت خود،
به بیش از هشتان مکاتب تمه های جالب
میگشت.

دیروز طی مراسم رسمی اولین
سینم تعداد بیانات شهر ماذ است.
قرار است در مردم گذاشتند میگذرد،
بعد آن تضمیم اتخاذ گردید و به اطلاع
شهریان رسانیده شود.



خبر فتنگی

دیروز طی مراسم رسمی اولین
سینم تعداد بیانات شهر ماذ است.
قرار است در مردم گذاشتند میگذرد،
بعد آن تضمیم اتخاذ گردید و به اطلاع
شهریان رسانیده شود.

داستان طولانی

مأمور فترتیت ازدواج:
خالم قبل از نهضت سند نکاح شما
مطابق قانون، ملکیت دام ترا
اطلامات دیگر ازدواج های قبیل
شما را ثبت کم.
داماد جدید آهن از دل کشیده،
نهست: او خدا یا من به دریور نکش.
نهست ام که انتظار مرا بکشد.

صلف بندی

زن رامیتوان به دودسته تقسیم
کرد: اول آنها که هیچ وقت و در
هیچ مردمی به شوهران خود اعتماد
نمایند و دم آن هایی که اصل
شوهر ندارند.

نتیجه گیری علمی

تحقیقات، نشان میدهد که
علت عدد طلاق ها ازدواج است.
مشهود آدم با مجریه
چی چونه میتوانم بفهم که رفیق من
در مردم من واقعاً چی فکر میکند?
با او ازدواج کن.

فصل

کسی میزد

بدتر آزان را شروع ترین دشمنان
شان هم آنند که نمیتوانند دریدن
آنها برایم خنده آور و درد ناک بسود.
از آنها بر سیدم، که آیا نصوحه کرد
نمیتوانند، که اگر یک ملت زمانی حقیق
انتخاب داشته باشد، آیا صرف پیش
فامیل را به هیچ رهبر خود انتخاب
خواهد کرد، تاواریخ آن هم پر همه و
در هر زمانی صرف نظر از این که هفتم و
تیزی آن را داشته باشد پانداشت
باشد، صرف نظر از این که آن را
کسی بخواهد پانداشت، حکمرانی کند
و آیا این ملت چند صد فامیل را انتخاب
خواهد کرد تا پایروت و قدرخود به
فرسخهای الاترازد بیگان قرار گیرد،
صاحب اشتیارات والقابی باشند که
برای سایر انسانها اهانت آمیز باشند و
درین زمان دیگران همه و از جمله
کسانی که این انتخاب را کرده اند از
این القاب و اشتیارات محروم باشند؟
آن بایی غافلی، بیش روی خود
رامینگرستند و میگفتند که در این موعد
چیزی نمیدانند، همچو چیزی هرگز
احترام میلو از ترس صحبت میکردند،

میریاز لیدلی و میز دیام نه سره می
ورته کتل . زه لایه زنگوک نه راکون
شوی چی میریاز بود پس سراو خلود
د فوای بینی زمزد کرده دیوال را
وار دل او نفعه راهه دیل :
- یام کوه چی چانه دی خه شی له
خولی ونه ونه .

هافه سرای بینی وی چی ترننه ہوی
من د قصاب د زوی د کوله دیوال ی رازه سنه
سالی و . خونن بی مخکه و ایم چی
تیوه ورخ می د زوی له پاره مرک
لیز لی وه اود لور بلار یو خبره تینگه
تیوه وه اودیل ی چی کوزدی باشد د
قصاب د زوی له کوزدی که نه وی .
ازما چی د ایوال کوزد وی وی بوره
نه د . نو مجبوره چی د میریاز -
راکر شوی سرای بتوح السکوت ما
کرم او هفافی بود پس سراو خلود
د فوای بینی بپرته د میریاز کورتے
پوس . اوپایه زویه ناری کرم جی :
د قصاب د زوی کوزد ویانی خشے ؟

تر لی وی او پردی ورته محورندی وی .
چایه دیل چی دشیں ورته میلانه
رافل دی . او هفافی محکه د باندی
نه راوی چی سترکوی . اوچا به نسل
چی میلانه دیوسته ورته رامی :

روسته له هفی چی پسونه حلال شول
دوه دری سریونلی تانگی (کاریم) د
میریاز د کلا به لوبه دروازه ورنسوی ۱
له بیو بیون حلال کرل . هرجا به چی
راوی . هیچوک ونه بوهیدل چی بیه
دی سریونلی تانگی خه رازبروی .
نویصل بی بی بونتل چی :
- داخه خبره د .

اویل بی له مخنده ورته ویل چی :
- خبرنے بی . داخود قصاب د زوی -
کوزد د .
پسونه باندی یه کوشکی حلالید ل
اوپایه بی دننه د میریاز انگر نه نسنه
ایستل . یه کوزد کی یی زمزد کوشک
هیچوک هم نه و خبرکری .
لیپری پیغول دیلار بی کونزد یشی
او د عدکه چی هفافی د قصاب د زوی
کوزد یه خوب لید ل . خود قصاب

علمی خیونه

بیونه لاندی دی .
که چیره دنه باد وله به ورخ کس
پیسانش متر خاوری او دیوری که اسکن
خنده بورته کر پی . نویه کال گی مونه
دری میاشتی د واوی اوپایان وی پرسی
وی پلی ویاسو . نویه پاتی (۲۷۵) ویلر و
کی به (۲۲۵) سانت د کابل د معمکن
سطوحه باد ونون الویل وی .
اویک که چیرته د کابل لور والی دی پسر
له سطوحه خنده (۱۸۰) متنه وی اوی
دنه تخریس مطیه هم به هدی دی دیل
د واوی وکری . نویوسته له (۲۲۱) کلوبو
به د کابل مطحده د بحرله سره برایان
شی .

اویک د معمکن د کری پلکووالی پانظر
کی د کابل بیانوی .
لندیزد اس سیپ د خبلو غیر نسرا
لندیزد اس سیپ د خبلو غیر نسرا

اشیز باش صیبا چی پر وخت پیس
د کار توگرافی به نیاست گی اشیزی کو له
او ایونه له هفی ورسی چی مامون بوره
دمکول بوره که بخیتی او لشندی
بیسی درکوی . نو اشیز باشی هم دیلوو
لیوچری پی اوی د خبلی کوی . دندی دندستی شیوه
علمی خیونی کوی . دندی دندستی شیوه
د کابل د باره د راتلونکی به برشله کس
هفه تشوش دی چی می اوتاسی پیس
د سرمه ستاروی سو . خورته بسلم
شوی مونه دی .

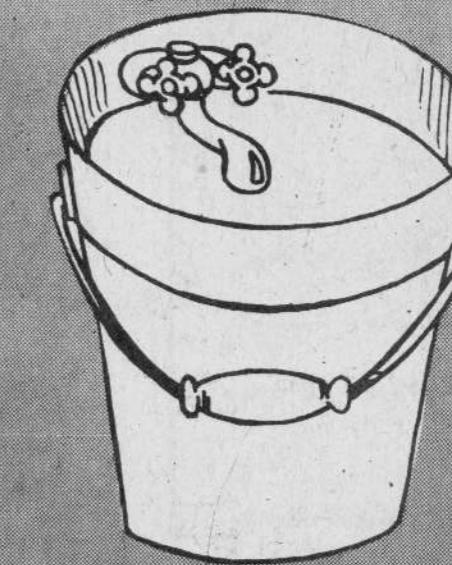
اشیز باش صیپ د خبلو غیر نسرا
لندیزد اس سیپ د خبلو غیر نسرا



د یلومات شو :
- مخکه د یلومات شوچی انکلیس زمه
بی زده و .
- نوعلی خولا هافه وخت د یلومات
دی دی خبری سره می به خوله کس
لندیزد ترکواین لاندی نیول دی .
د ایجی له وخت خنده د مخکه د کابل د
اویس و نکوسترنی دیده لامه ورکوی .
اویا به ورخ کی بخبله مورنی زه خبری
کوی . ترغا بنویوی لاندی کر اود اسی
ورانه می وچیله چی بیه اونی راته
خون ید لـ .

د توکی په خاطروکر . نویه خندامی
ورته ویل :
- نوعلی خولا هافه وخت د یلومات
بی زده و .
- چی له تورستانوسره به می به پسو
انکلیس زه د سکرتو معاملی کولی .
راکامی لزد کایی له حالت شخه
راووت اوپاک صاف می راته ویل :
- توکی نه د رمه کوی . نوعلی به
بعنیو هیواد ونکی د کم سفارت -
وایه . همه اوس د یلومات دی .
ما فکر و کر چی کاکایی د اخباره .

د قصاب د زوی کوزد



زمزد یه کل کی د قصاب د زوی کوزد
لیزه مشهوره د . د اس خوابی او
خسر به نه وی چی د خبلی لور .
کوزد یه وخت کی یی زمزد کوشک
د زوی د کوزد یه تانه نه وی ورکری .
لیپری پیغول دیلار بی کونزد یشی
او د عدکه چی هفافی د قصاب د زوی
کوزد یه خوب لید ل . خود قصاب

ذب



مینی بس

مینی بیل اسپنی بیونه دوو دوو
تمربولی شو . لیپری د ایجی پیه
لاتینه زیه کی مینی دی وکی که واپس
اویس خونکاره خبره د . هیچ سریس
نه دیل کوکی .
د دی د ده سویورله بوسای کیبد و
سره ویلایی شوچی مینی بیل اسپنی دی وکی
خود وهم تعریف چی زنی . بیل اسپنی
کی دی رسنی پیه قوره کری ده هده
د اسی دی چی مینی دی بیانی د مینی
پیز سکرتو معاملی کولی .
له دی لاروی بسونسره د وهم تعریف
دیکه سرور دی چی د مونی ده تبول
د مینی اسی سو رو له بستکار تیوو د ده .
دی او لویزیر هم بی تایپه ریکاردر .
باندی د مینی او محبت خونی بی سندری
فسر زیه .

چرا مغربه سکته مواجه میشود؟

بیوہنمل د وکوز محمد امین زمان

از نجع تخریب شده، مجھی از یکر،
و بجا باقی از جبرای سرطانی
کلات شمعون، هوا و غیره اجسام خا-
رچ بوده میتواند، از راه های مختلف
ممکن است داخل دوران خون شده
و در نهایت، جاگزین شدن در مغز
و بند شریکی از شرایین، سبب فلج و یا
خون ریزی در داخل نسج مغزی کر-
دیده که در هر دو حالت انسداد و
یا خونریزی به یک قسمت مغز خسون
رسیده و نیز خون خارج شده از شر-

دو میں علت سکته مغزی را حوادث
خونریزی های مغزی تشکیل می‌دهند
و ۲۰ تا ۲۵ درصد واقعات سکته
مغزی مربوط همین گروهند. علی‌
عده پاره شدن شرایین مغزی که
سبب خونریزی می‌گردند، مبارت از
حالت هموری و فعالیت‌های عالی
دماغ، فلجهای و تشوشهای حسی
یک و یا چندین عضو و حتی فلجه
نصف طولانی بدن و سرانجام مرگ
ناکهانی ظاهر شود.

ضریب‌های مغزی سفلی و عالی
امراض خون و استفاده نادرست از
دواهای ضد تحریرخون، آفات
و عایقی از اثر مسمومت‌ها، امراض
کولاجن، عیوب ساختمانی او عیمه
مغزی و غیره.

خون ریزی مغزی قبل از سن ۴۰-
ساله کی، قدر و بیشترین واقعات
بعد از سن ۵۰ ساله کی اتفاق می‌یابد.
فتاده طبق احصایه در ۸۵ درصد
و اتفاقات خونریزی مغزی - فشارخونی
بلند مسؤول بوده میتواند، معمولاً
شخصیک متابه فشارخون بلند استه
یقیه در اصفهان (۸۲)

سکته مغزی که بخش عده و اساسی
امراض فوق را می‌سازد، در بسیاری
مادر می‌بیند مرگ‌های آنی نیز شده
باشند، این حادثه طوری واقع
می‌گردد که در مغز یک از شرایان ها
بنابرعلتی مسدود شده و با پارشده موجب
خون ریزی در داخل نسج مغزی کر-
دیده که در هر دو حالت انسداد و
یا خونریزی به یک قسمت مغز خسون
رسیده و نیز خون خارج شده از شر-

یان مجموعه مغز فشار آورده و قسمت
معینی از آن را غیرفعال و ظایف
آن را مختل می‌سازد. مناسب به این
که کدام نا-حیه از مغز صدمه دیده و
یا تحت فشار قرار دارد و به کخونی
دپار شده است، همان تاحمیه از
فعالیت باز مانده و ظایف خود را -
انجام داده نیتواند که علام آن ممکن
است به مشکل بین نظمی و اختلال در
حالت هموری و فعالیت‌های عالی
دماغ، فلجهای و تشوشهای حسی
یک و یا چندین عضو و حتی فلجه
نصف طولانی بدن و سرانجام مرگ

آیا از سکته مغزی جلوگیری صورت گرفته میتواند؟

امراض و عایقی دماغ امراض شرا-
ین و اورده، یک از علل مهم مرگ
و میر به شمار رفته و خیلی شایع می‌باشد.
شند. طبق بعض احصایه ها
سکته مغزی در مقایسه سایر عوامل
مرضی سوین عامل و فیات انسان
ها را می‌سازد. این گروه امراض نه
تنها سبب مرگ و میر فراوان می‌گردد
بل افراد که پس از مصاب شدن به
آن زندگی می‌مانند، در بسیاری از موارد
معلوم شده و نیتواند زندگی کسی
انسداد رکه‌ها می‌گردد که بنا بر
فعال سابق خود را داشته باشند
چنان‌چه تعداد معلوم ناچیز از
امراض و عایقی دماغ در ایالات متحده
امريکا در حدود دو میلیون تن تخمین
زده می‌شود.

کاهن صرف علامت یک بیماریست
و زمانی با خامت بیشتر تناهی می‌گردد
که نیاید ساده و بنده کی درد
ناک، مدت دوام آن بیشتر از دو تا سه دقیقه
اگر هک بیشتر از دو تا سه دقیقه
دوام نماید و یا زیاد تر از ۳۰ عدد
در یک دقیقه شود، براي قطع این
عکس تداهیز یادی بیشتر از ده
است هم طبع و هم خانواده کی.
۳- درجه سوم:

اختلالات مراکز عصبی و تحریک
عصب جعبه حاجزی، تشوشهای
قلیعه، تشوشهای تنفسی، اختلالات
هضمی، بیماریهای انتانی، عدم
کایایه، کلیه و بدخی از امراض بسیار
وصفتی و مشخص مانند:
۱- تورم پیتیک مری: که باعث هک
ناراحت کننده تخریش می‌شود.
۲- انسفالیت اپیدیمیک: باعث هک
اپیدیمیک می‌شود.
۳- بیو روزها: چند دین قسم هک
را ممیز می‌شود که از آنجله هک
با صدای فلزی "بیشتر عمومی دارد"
تصنیف: از دیدگاه کلونیک هک را
به سه گروهی تقسیم و شماره کزا-
ری نموده اند.

۱- درجه یک: هک ساده است
که دارای سه وصف می‌باشد:
خوبی، سطحی و زود کدر. مدت
دوم آن کثراز دودیقه، از لحاظ
طبعی یک مسأله بسیار عادیست که
ایجاد عکس العمل را نمی‌کند.
۲- درجه دوم:

هک متوسط که دارای دو مشخصه
است:
تخریش از اذیت کننده و اندکی درد
ناک. مدت دوام آن بیشتر از دو تا سه دقیقه
اگر هک بیشتر از دو تا سه دقیقه
دوام نماید و یا زیاد تر از ۳۰ عدد
در یک دقیقه شود، مراجعت نزد دا-
ست لازم است، زیرا ممکن است نشانه
احتمالی حوادث مرض و یا مبدل شدن
هک و خدم که بیشتر نده طولانی،

هک عبارت است از مجموعه یکه
سلسله تقلصات تشنجن غیر ارادی -
حباب حاجز که به شکل ناگهانی
ایجاد شده، باعث تنفس نوع ویژه
با صدای تقریباً منظم بیتمیک می‌گردد
و متناوب با باسته شدن آنی مزمار
(کلتوس)، ادامه می‌باید.
هک معمولی از لحاظ طبیعی یکه
پدیده زود کدر و معمولاً سلیم و
بسیاری از درونده صحن غنیمت
انسانی خوانده شده است اما سایر
انواع آن بسیار خطر نیست و ایجاباً
عطاف توجه بیشتر را می‌نماید.
اسباب: این حادثه قبل از آن که
معلوم یک علت باشد، ناشی از
تعداد زیاد عوامل است که به نام
"عل احتصاصی مولد هک" یاد شده
است و عبارتند از:

طبیعت خودشها

قیاپلی خوانان

پاتن له (۱۲) مع کي

بچه از صفحه (۲۱)
نویشنده رام هاوکاهای به سود ن
شعر نیز میرد از دزمنه تکانش
بعضی بارجه های ادبی و شعری
حراید و زمانه ها، همکاری قلم دارد
که تاموزهم در مطبوعات کشور ادامه
دارد. و درام های راک توشه اند
به نام رقص شیاطین، سریوشت شیرین
سایه مرگ و طبله ای من باشد. زیاد
متواضع است ولی هرگز خود رایگان
هنرمند چند بعدی محسوب نمیکند او
میگوید: «درخشید شده که به آن ها
دست زده ام، صرف روی شوق و علاقه
شخص من بوده است.

محمد یوسف کهزار اکون ییک
سلسله سوزه های از کوجه های قدیم
کابل تخت کاردار که باید تمام شود
و آن زدادر که به تعداد بنجاه اثیر
خود را در داخل و خارج کشور رمغز
نمایش بگذراند که از تنگه سوزه تمام
صفه می داشته و از لحاظ تکنیکی کار
معرف بعضی نوآوری های خواهد بود
که با کارهای چند سال قبل وی تفاوت
های خواهد داشت و همه اثمار
شخصی خود اوست.

ترکیخوار از اقسام کتاب و کتابخانه های خود کار در زنگ
دده های علم پیش ریکار موردنیست تازه رایجت مناسب
رضایت بخشنده می باشد.

آدرس: منزل اول خودکاربرگ اعغان

پنجم
مساء له از آن جا آغاز شد که
دفتر روزنامه بی کار مکتم نامه
عن از فرانسه رسید. نویسنده نامه
مطلبی را از ختنین سالهای زندگی
ما شا و داشا که در یکی از مجله های
فرانسه بی در سال ۱۹۵۸ به نشر
رسیده بود، مطالعه کرده بود.
و اینک خواستار معلومات بیشتر در
مورد سریوشت آن ها بود.
تقریباً به زودی توансتم از طریق
وزارت صحت عامه پروفیسر گی،
اساس تقاضای پروفیسر از یاد کرد
نامش خود داری میکنم، که از
همان روز تولد با این دوگانه مصروف
بچه از صفحه (۲۲)

پنجم
و داشتند. امادر فیروزی ۱۹۸۹ روز
دچار تشوه، اضطراب و حسرت
ساخت، همه کان کجاوی خود را
با چنین پرسشی "تبارز میدادند
چن کونه آن ها راه میروند؟
چن کونه میخوابند و چن کونه
میخورند؟
با صراحت میخواهم بگویم که
نیکه در مصیبت دیگران کجاوی میکند
از خواندن این مقاله نویسندگان
شده، چون چنان تفصیلاتی را
در آن خواهند یافت. من میکشم
در مورد زنده کی آن ها طور یکه خود
شان قصه کرده اند، چیزی برایتان

نویل: سما غوشتل جی یو تھیل بوسوا خل
نویکه همیش درس و ام در خستیو بس
ور خوکی بیاهم درس و ام زمزون
و جی بی بو اطاق کی تقریباً ۱۴ تسو
زوند کاره. ولی اوس د نوی لیلی د پسو
تعییریه افتتاح کید و سره د استونز
رافلی اوزیون ستویزی سی حل کریدی
د درس ترخندگ دستر یاد لیلی کولویه
جی همه بل تعییر هم بیز ز تکمیل
او استفاده کی در شی که ستامی
سیق الات او هم بی خوچ سبوری و سایل
اجازه وی غولام بی مطلب خرگد کرم.
- مهریان و کری.
- نوی بی افتاستان باندی بیور.
در د وونک اور بانویک جنگ تعمیل
شوند به د اسی شرایطونکی تر هر خود
لیلی خونه وک ای شی د مرگ بیا ماره
سیق سرمه جوو.
- ایا د خبل در من د شرایطو خخه
را خسی یاست.
- به دی شرایطونکی خه چی زار سینی

عمر خان: د وست من با خویم
بی ازلم ((تیامت سی قیامت تک)) آغاز
شده. یک سال تمام جان کدم، آخرین
تلasm رابه خرج دادم، از هیچ چیز
پیشگویی د ریغ نویزید، آن لحظه را
فراموش کرد، نمیتوانم که جایزه، خلاف
تصور نود و نه درصد از همکارانم بی
جای من به اینل کهورداده شد. اما
دوستان گرامی، به خاطر من زیاد
نا راحت نباشد. شام همان روز،
نمید اثر اویله کان چی جاد و کرد و
وقتی به خانه رفت، بادست های خودم
بسیار احترامانه جایزه بعترین هنر
بیشه سال را به خود تقدیم کردم.

است، ولی قلب یاک دارد. او در
رقص بی هست. اما چی باید کرد که
اینک آهسته آهسته داشته رقص از
سینمای هند برد اشته میشود. وقتی
براپیش میگویم جی خواهد کرد؟ میگوید
خود کشی!

* رش کپر: امانت راج صاحب!
د بیول عاشق شکست خوده، موقوفتاز
ستامه گی هایش بود. نایان اورا-
چی شد؟ امیرزاونه عاشق است،
نه غمگین و نه ستامه. شاید به خاطر
مصرفیت های تجاری بیرنگ، بی هم
بن تائیر خنده ها) امادم خوب!
* کارگر: چهره، فرزد، اش، ادا
حتی د زنده گی جوهی چاوله
های فلم میرد. بیجاره کار! کس
اورا درک نمیکند.

* اینل کپر: یک کله تحرك و
پشتکار است. شهرتی پاک اینل در -
دوازده ماه به دست اوید، اکثر
هنرمندان در دوازده سال به دست
اویه نتوانستند. د وست من و ایس
از یک مشاجره لفظی میان مابه وجود
آمد. او سیار زود تغیرمیشود.
* مند اکینی: هیوین بی دشمن!
بسیار آرزویان رشته های مستحکم
تاخته ام با دیوانند، راجحکار و متازکه
متافه پیوند های کوئی ما به سلام -
سلام خلاصه شده است.

دوستانه دو دسته اند

بچه از صفحه (۰۱)

توانندی او در هرگونه نقش حیرت آور
بیست. او که د ونیم براپیش (منی
د بیول) عزدار، با سهولت همای زی
او شده و هنرمندانه نقش حرف و رقیب
وی را بازی مینماید.

* سنبیل دت: شخصیت دت -
صاحب براپیم گرامیتاز هنرهاست. او
به حدی بزرگوار نیز دل است که
گستاخی اکتریت هنریش هارا مانند
ناز (سنیج دت) بیش، تعلیم میکند
تمدادی از مشهور ترین های اموز از
تمه کم های او دیول و شهرت
شنا میکند.

* راجندر کار: هنرمندی بـا
احساس بـاک، مادق و سیار زیاد
هوشیار. او یافلم آخرین (امز دور
زنده بـاد) آهسته آهسته از روی ستیز
تغییل بـایین آمد و نکد اشت بـایش
بـیویند: تراز پـیر بـیـاست.

بسیار آرزویان رشته های مستحکم
تاخته ام با دیوانند، راجحکار و متازکه
متافه پیوند های کوئی ما به سلام -
سلام خلاصه شده است.

خواهان دو گانگی

ترجمه: سیفی



آزاد پیار تفت علم زمین شناسی، هوا-
شناسی و سیاره ها چنین نتیجه گیری
میکند که : ((اطلاعاتی که مادر دست
دارم . از اخطار مربوط به گرمایی
جهانی حمایت نمیکند))
ایام پاییت پرای جلوگیری از امکان
گرمایی جهانی کاری الجام دهن.

محروقات فوسل در حال (۱۰) د ر
صد اتریزی جهان را تجربه میکند . برخی
از اشنعتان محیط شناسی افزایش
ستگی مالیات به منظور کاهش
استفاده از زغال و مواد سوخت دیگر
فوسل حمایت و شتیانی کرده اند .
برخی هم مالیه برباری را بینها د
کرده اند . همچنان بینجاه هایی
و جوید دارد که دولت باشد اتریزی ناشی
از افتاده باد و حرارت زمین را -
سباسایدی نماید . مقداری از قرضه
های خارجی به منظور حفظ جنگلها
تخصیص داده شود ، و افزایش نفوذ
در سطح جهانی کاسته شود .
کاخهای گزین هاوس ها . ساله -
پیشتر برای پژوهش و مطالعات علی نه
به خاطر هراسی بی جهت و ناگهانی
هلوز هم کلانهای حقایق دستخوش
هیجانات و احساسات میگردد .
ستین شنايدر از مرکز ملی تحقیقات
اتموفری و مولف کتاب (گرمای جهانی)
به استدلال اخلاقی متول میشود و می
د و جابه بودن ساله افتراض میکند .
نمایرده در رابطه به ساله له گرمای
جهانی پیک سلسه مواد شک و ترد پد
رامجاز میزد اند . معهدنا ، به منظور -

انسان است که اتم های گلورن را د
قسمت علیای اتوسنسی میشوند .
علی الرف نازک شدن ارزون در قسمت
علیای اتوسنسی را قطب جنوب هیچگونه
افزایش در تضییع ما را رای بنش خواه -

آن ساحه انتظا بوده نمیشود .
آب اتخاری و این برد ن جنلها ،
تازه گزین هاوس را شد پنهان شد .

زمانیکه درختان و بیانات نمیکند ،
کارن دای اکساید را زهار میگیرند .
هتلایکه سوختاده میشوند و با پوسیده
میشوند ، کارن دای اکساید ذخیره
شده را د واره به اتوسنسی میهند .
در کشورهای مانند برزیل هزاران کیلو
مترا مربع جنلها که در اثر باران های
موسیقی رشد و نموده اند . قطع و
سوختاده میشند .

اکثر اشنعتان را وارد تا دنیاره .
تراتک بیشتر کارن دای اکساید بیند -
پیشند .

هرچند در سطح جهانی ۴۰ میلیون
ها هنگاری میشوند و مطالعات تازه آشکار
شانده میشوند و مطالعات تازه آشکار
میشند که در مورد تا شیر تخریب
جنلها بالای گرمای جهانی اطلاعات
ان تیق و قابل اعتماد پی وجود نداشد . در
در مطالعات د تیق ریکاردهای گذشت
ابحاث در سطح جهانی که توسط
محققین بر تاییان و استیوت تکالوزی
ما ساچوست (MIT) انجام یافته .
هیچگونه علام بارزی لند رفتن درجه
حرارت بین سالهای ۱۹۰۶-۱۹۸۶ -
وجود نداشته است . رجارد لیندزین

باقی از صفحه (۲۷)

و ترنده همچنان در ((روزن ایون)) -
در راهه قطب جنوب وجود دارد ،
((روزن ایون)) با تأثیرگران
هاوس چن مناسبت دارد .

به منظور تعاقد مصل اصلاحی
ایون که شکل طبیعی اکسیجن

است ، از نگاه دیگر مورد توجه قرار
دارد . در اتوسنسی علاوه مرا از تا بش

اشمه ما را رای بنش افتاده میتواند
موجب بروز سلطان جلد گرد محفوظ
شکمده اند . در سال ۱۹۸۰ د الشندن

نازک شدن آئی قشر ایون را بروی
قطب جنوب تا پیده کند که این خود
م مجری ایجاد مفکره تازه بود
اید بن گونه که هزاره این نازک شد ن

قشر ایون به ساحت پر نفوذ گستر شد
پیدا کند ، میتواند بهمراه سلطان
جلد را افزایش دهد .

روزن ایون ، صرف از ماه سپتامبر
تامه نوبیر آن هم صرف روی فضا می
قطب جنوب پیده میکند و چند هفته بعد
وقتیکه شرایط اتوسنسی تغییر نماید ،
خود شرایط میکند .

ایون به صورت متداول به وسیله
طبیعت ، ایجاد میشود و این میوود .

برای مثال ، آتش فشان ها میتوانند
مقادیر زیاد گلورن را منتشره کند که
مقداری از این ها ممکن است به متر
اتموفر نمود که مالکیوں های ایون

را تخریب نمایند .

ولی تیزی خیلی معمول که توضیح

کند . ظهور سوچ ایون میباشد -

همانا کلوره فلوروگارن های ساخت

انتقاد و نو سره لارشونه کری خوکولا ی
شو فرهنگی کارونه به نه کیفت سره
برخ بولسو .

د لیکوالو انجمن یوتولیزا و تولیزی سازمان
دی چن د هیواد د لیکوالو اوناشر اسو
د حقوقو شکه کری .

د لیکوالو

باتی له (۲۲) مخ کی

د لیزیز قوی ، زینی تایلات به نظر
کی ویسی کار کرواوه دفعه بزرخه کی بعده
برله میس هلی محل و کرو . موز بیمه
دفعه پنک تینکارکو جی انجمن باید
د بواوله هردوول تندگ نظر بخلاص -
انکارو اولیکالو الد تولون مرکز وی .

موز به داغنستان د لیکوالو بخوانی
مشري یعنی بخوانی رهبری انتقاد وله
او تیزوتونه به موبی گوته نیوله خونس
هم لری چی دلته به عی یاد و نه وکر وا
بیه اتحاد به کی د مسلک کافرو نسرو
نشته والی چی . دفعه کارد اتحادی د په
و دی او برخنگ اساس عامل دی .

د هر زوره زانه

باتی له (۲۲) مخ کی

تحادیه یوشیمی نیکری نویی وید اتحاد -
دی بی لپاره بشیره بود جه ضروری ده .
د درادیو او تلیزیون د بیو ورید ستاه
لول به دی خاطرچن له دی لاری د
زورنا لستانو به روزنے کی به سمه توگه
ونده و اخستن شی : -

تاجی حدد و بوده میتواند بیوهشترازن
مرکومیت تحقیقات اتوسیفری ایالات -
متعدد خشکسالی امریکای شمالی را در
تابستان ۱۹۸۸ ناشی از تغییرات
درجه حرارت درمناطق غوصیاقایانوس
آرام که شامل جریانی به نام (ال نیو)
است دانسته اند . نه از تاثیرگرین
هاوس و هنتمانیک جریان های بحری
در محاسبات جدید کمپیوتري شامل شد .
بحر مربوط به قطب جنوب گرم نشد ، و
این احتمال آن را که هند مدده که
تسخی از توجه های پیچ آن خواهد
شکست و سهل اخراج خواهد
شد .

این که حرارت چیزی از میان
اتوسیفر و سیسید و باره به فضای راه
میباشد . نشانه بزرگ سوالیه دیگر .
پست در تیوری گرمای جهانی بـ
همیتوون سایل کلمه نسبتاً سیاه روی
سطح آنتاب و تاثیر الوده کی اتوسیفری
و بارجه های اشتغالی که میتوانند
اشمعه خوشید را درباره به فضای
بازتاب دهد . از جمله نشانه های
سوالیه درین تیوری "شعره" میشنود
این گونه عوامل بیشینی هارا بیرون
گرمای جهانی باشک و تردید همراه
میسازد .

پس حرف آخری چیست ، آیا کره زمین
به گونشدن تأثیرگرد است ؟

جنین به نظر گیرید : دو احتمالیه
من که به بیانه مگسترده گزارش داده
بقیه در صفحه (۹۴)

آیا میتوان مطابق شد که گرمای
جهانی حتی الوقوع است ؟

در پرسیمه ، تمام داشتندان به
این امر موقوفه که هرگاه در گازهای
گرین هاوس افزایش به عمل آید و تسام
موالی دیگر بد و تغییر باقی بماند ،
که زمین گرمتر خواهد شد . ولی
دانشندان هواشناس پژوهشیور اس
فرید زکر میکند : ((مساله)) مسد
این است که موافع دیگر تاچی حدد و
تایت میباشد .) قوه های اقلیمی
به طبقه های که مکتتر ازان آلاهی
مدارم با همده یک عمل میکنند و بعضی از
این قوه ها ممکن است بر ضد گرمایی
جهانی عمل کنند .

طریقی : همواره ابرها در (۶۰)
در ضد فضای کره زمین گرمتر حراست را که از
سطح آن تشنه شده میکند ، جذب ، -
مینماید . ولی همچنان نور خورشیدی
راد و باره به فنا بازتاب میدهد . پس
اگر اقایانوس ها گرمتر شوند و از طریق
تبخواهای زیاد ایجاد کنند . این
پوشش اضافی به عنوان یک ترموزن
عمل خواهد کرد و کره زمین را گرمای
محافظه خواهد نمود . بعد از تجزیه
و تحلیل مدل های کمپیوتري ابرها ،
اداره هواشناس بر تابیه اختیار اعلام
داشته است که معیارهای موجود گرمایی
جهانی را میتوان به نصف کم ساخت .
ابحار بالای اقلیم ، تاثیر بزرگی
دارند . ولی داشتندان نتایج بـ
این امر متوجه شده اند که این تأثیرات

همایت عامه از طرق وسائل
اطلاعات جمعی ، او توضیح میکند که
کاهای داشتندان ((مجبر نمی
نماید های همراه هراسی بـ جهت را
بسیار میکند و بیانیه های ماده و -
در امامتیک میدهد و از هرگونه تردید
های که مامکن داشته باشیم کوچکترین
پادی نمیکند .))

او میگوید که هر داشتندان باید در
رابطه به ((توازن درست)) بین ((موتر
بـ دن و ماده بـ دن)) تضمیم بگیرد و
آنرا میکند که : ((امیدوار داشتندان از
هر دوی آن برخورد از باشد .))

این مساله ، جهت سیاسی را نیز
به خود میگیرد ، مناتر اسلامی آقا ی
تیعتی و پیش ضمن مصاحبه با ایک خبر -
شگر توضیح گردید : ((ما مجبور شد پس
مساله گرمایی را بررسی کیم ،
حتی اگر این تیوری نادرست هم باشد ،
ما باید رندرد اشت یا لیس اقتصادی و
محیط کاره رست انجام خواهیم داد .))
ولی بیشتر داشتندان آن زمانیکه از
مددک بد و نتیجه وی اثبات نرسیده .
در رسائل سیاسی کار گرفته میشود ، با
دشواری رویه رومیگرد ند . رجارد لیندنز
میگوید :

((گرمای گرین هاوس یک (رویداد)
واقعیت ، تحقیقات تاریخی که نشان -
د هند اضافه تخمین کرد مقدار
کارن جتلکهای بیانه "مکتد" پسی
میباشد . گویای این امر است که فقط
و سختگذار جتلکهای بیانه پیش از
زمانی نگریشید ، منبع کارن دای .))

او همچنان داد : نخیره اینها تهی
بر اساس سیاره عی کار میکند .
پس ما و شما با این موضوع رو به رو -
خواهیم شد و به تاثیر حواتر دخیل
خواهیم بود .

در حالی که نسبت به ایجاد تحولات
کیفی در شوروی احساس آرامش و سرور
میکنیم ، از جانب دیگر خطر بزرگتری
در افق کره زمین در برابر ماقاره ارد
شاید در واقعیت تحولات در بلاد شرق
طرح و توطئه باشنده گان سیاره های
دیگر باشد که بخواهند باشنده گان -
کره زمین را در اسارت خود درآورند .
این نیز هوشیار باشومت برای باشنده
گان کره زمین .

آخرین نشاعات ...

بقیه از صفحه (۸۹)

به فرود آمدن به روسیه میباشدند گرو -
پس نهستند که ما باید با آن هاتماش
بگیریم . شاید آن گروپ درین تحقیقات
علمی باشنده اما جامعه آن ها
از نظر اخلاقی و معنوی ، خوب تو -
سعه داده شده است آنان تنها
از نظر تکالوژیک پیشرفت کرده اند .
آیا موجودات بیگانه دکترون بـ
بلغاریا و یا شوروی را مخواهند ؟

خدوی هی روند

بقیه از صفحه (۱۲)

وم از قبل توهین ، تحقیر و دشتمام
اختلاف و ترور در روابط آیی بیداد -
میکند هباید خورد .
باید به آبادان وطن کوشید و وطن
را خانه نیی ساخت که برای هر کسی
جامی و کاری باشد و امنی و آسایش
تاهیطن خسته از رنج سفر در آن -
آسوده بیاراد جای زمزمه مرته ها
ترانه های زنده گی را فرید کد ، و به
جای ته نشین شدن در امواج رویاها
به سوی حقیقت زنده گی باد بان بسر
افرازد .



بات ریاست جمهوری در موریشیں برگزار گردید کہ در نتیجه حکومت انتلافی احزاب یاد شده بے قدرت رسید۔ درین میان جنبش مبارز میں موریشیں کہ بزرگترین و نیرومند ترین حزب سیاسی کشور است و بیشتر از پنجاه هزار نفر عضو دارد، آرای بیشتری بے دست آورد۔

نهم فارمہ هند و افریقا دست بے کار شدند تا این جزیرہ را به تصرف خود درآوردند۔ انگلیسیا - موریشیں را در سال ۱۸۱۰ اشغال کردند۔ تسلط انگلیسیا بر جزیرہ تا سال ۱۹۶۸ ادامہ یافت۔

موریشیں در ۱۲ ماه مارچ ۱۹۶۸ استقلال خود را در چوکات کاٹولٹے بے دست آورد و هنوز یکی از اعضای کشورهای جرکہ کامنولت میاشد۔

سماں: سیاست سیاسی موریشیں بس بر پلورالیسم سیاسی و تعدد احزاب است۔ مہترین احزاب سیاسی موریشیں عبارتند از:

جنیش مارنیس موریشیں (سو-

سیالہستہا)، حزب سویال دموکراتیک رات موریشیں، حزب لیبرالیا، سازمان مردمی رادریکس و ۳۰ حزب کوچک دیگر، در سال ۱۹۸۳ انتخا-

جزیرہ توسط پر نکالی ہا کشف شد اتنیجھ پر ندہا و حیوانات جنگلی و صحرائی فاغ از مباحثت آدمیان جنگل ہای آنہ طبیعی و دشمنیا و مراتع زندہ کی میکردند۔

موریشیں در سال ۱۵۹۸ بے تصرف هالندی ہا در آمد هالندی ہا و جرمن ہا ۱۲ سال دین سر زمین باقی ماندند۔ اما کثرا اشیری کہ مظہر سازنده کی باشد، باز خود باقی ماندند۔ اصلاح اور پایان ۶ موریشیں را از نکاء زادہ ہای بھری واستراتژیک آن ارزشمند مشتملند این جزایر در آن زمان بہشت بمحبت یک پایکا نظامی مورد توجہ قرار میکرفت۔

جرمن ہا در سال ۱۷۱۰ جزا مر موریشیں را ترک کردند و پنج سال بعد فرانسیسیها وارد این سر زمین شدند۔ فرانسیسیها نسبت به جرسی ہا کار سازنده تری را در موریشیں انجام دادند۔ جادہ ہا و ساختمان بسیاری را احداث و اغار کردند و زبان فرانسیسی را مروج ساختند۔

-

کرناں جنک ہای ناپلوون، انگلیسیا

ها با نظر داشت اہمیت ستراحتیک

موریشیں بے دیز، از نکاء نزدیک آن با

ذاہب اسلام میسویت و بودیزم میباشد۔ در غرب موریشیں، جزایر کوچک سر سبز دیگری نہ وجود دارد کہ مو قعیت دارد۔ این جزیرہ کہ در ۵ کیلو متري میڈیا سکر جز و قلمرو آن کشور میباشد۔ جو چاہر میوریشیں کوهہای آتش فشان نیزدارد۔ میان ۲۰ درجہ عرض الہلک جنو بسی و ۶۰ درجہ طول الہلک شرق قرار گرفته، از چار سو یہ بحر هند محاط کردیده است۔ مساحت این کشور ۴۰۰۰ کلومیل مربع مورسید۔ قوار آخرین سر زمین سالانہ از ۱۲۰۰ تا ۲۸۷ میل متر باران میبارد۔ ۲۰۰ درجہ سرشاری (۱۹۸۳) بیش از پانصد هزار میلیون و ده هزار نفر) تفوس ہے۔ میں میوریشیں پوشیدہ از جنگل۔

ہای سر سبز و آنہ طبیعی میباشد۔ میوریشیں کوچک و زیبای موریشیں از نکاء نفوس یکی از مبتکاف ترین کشورها بے شمار میورود کہ در هر کیلو متر مربع آن بے طور او سط ۳۹۵ نفر زندہ کی میکنند۔

بعیننظر تاریخ موریشیں:

شواهد و اسناد تاریخی و علمی کوہی میباشد، بے زبانہای چینا میں موریشیں از آوان پیدا و تشكل و چندین لمحجہ هندی نہز تکلم صورت میکردد۔

-

۵۲ درصد باشندہ کان موریشیں پیرو مذہب هندویزم و بقیہ پیروان این حادثہ را بے وجود آورده میتواند۔

سکته مغزی

بقیه از صفحه (۲۲)

چنانچہ فشار خون ایسے صورت آئی بلند میورود، جدار شریان مقاومت نتوانسته پارہ کردیده و سہب خونی بزدی میکرد۔ از اثر این حادثہ ممکن است شخص ناکہان بر زمین افتاده، عشوی مختل شد، ریتم تنفس برہم خورد و دچار کوما کردید و باید ورن این کہ بے حالت کوما بروت موجه میشود کہ یک مضمون یا نصف طولانی بدین تواب نایع حرک را از دست داده و تکلیم نوز به مشکلات دچار شده است۔

سو میں علت سکته های مغزی را واقعات تزویز میوز ہای شنا نی مہماز کہ تدریجی در جدار شریان چرین ہای خون و مخصوصاً کولسترول رسو ب کرد، سہب بہ وجود آمدن ساختما هایی به نام اتروما (atheroma) میکردد کہ این ها مجموعه منجر بے

ملغم سکلریز شریانی میشوند۔ این عملیہ در ان ہای کہ بے فشار خوش بلنڈ دچار ہستند وہا مقدار کولسترول ول خون شان بلند است، سریع تسر صورت میکردد، معمولاً این تزویز ہا در نواحی انسانی و انجاو اور شریانی

بے وجود می اید۔ البته فنکور ہائی زیاد دیگری نیز در ایجاد ایسے حادثہ سہیںند۔ بے این ترتیب تشكیل تزویز سہب ایجاد مانع در مسیر دو ران خون و حتی انسداد آن شدہ و ناحیہ یعنی از مغز بے کھوکھ نہی دچار میکردد کہ این حادثہ خود سہب سکته مغزی خفیہ و یا شدید شدہ میتواند۔ سایر علل تزویز شریانی دماغی کہ ممکن است منجر بے

سکته دماغی کردند میارتد از: التهاب اوعیہ دماغی در نتیجه سفلیں و یا مسمومیت حاد و میمن و یا ورم حجرات مغز مانسداد۔

اعیہ از اثر امراض کولا جن و غیرہ کہ هر یک با میکانیزم ہای جدا کانہ ایں حادثہ را بے وجود آورده میتواند۔

چڑھوڑی

لیسنده: عبدالله "هادان"

ریعنیجن دوست اتفاق - میشیں

لکچه های زبانگی

پنجم

بدهی از صفحه (۲۹) بوده بسیار کم او از طریق تلفون برایم گفت: برام در انگلستان خجالت آور است که اعتراف کنم که ما دانشمندان دخترک ها را به دست سرنوشت رها کردیم. پس از مرگ اکادمیست پتر انو خین کس نبود که به خاضر آینده ما شا و داشا کوشش نماید. تاسی هفت ساله کی مخواهرها نه تنها راه کشته نمیتوانستند بل با دشواری میشنستند سپس آنها را مرکز انسنتوت علم تحقیقاتی صنعت و وزارت تأمین اجتماعی و منصوب سازی آوردند. بالای دخترک ها تقریباً تمام انتهایت به رهبری رئیس انسنتوت پروفوسر پاریس پا یافته بکار مسلحول شد.

زندگی شان به آرامی کردند. دخترها در حسایه دولت قرار داشتند و معاشر کنندگان به انجام رسیده تا دخترها توانستند روی پایه استاد شوند. با سه پایه متحرک به حرکت نمودن آغاز کردند ۰۰۰ نخست ماشا شروع کرد. بعد داشانه یک روز نه بیک ماه، بل دو سال لازم بود تا آنها راه رفتن را با سه پایه متعرک بآموختند و پس از آن راه بروز نه آنان در همینجا خواند و نوشتن را فرا کرند. و همینجا هم به تفاوت های خوبیها دیگران را بروز نهند. چند سال را ماشا و داشا در پرورشگاه پیشه بیمارهای فلج به سر برداشتند، آنجا تحلمات متوسط را فرا کرند. اما نمیدانم که به چی علی بعد از زندگی و آینده شاه و رای دلجهی و علاقه علمی را وانشناسان و داکتران فرازگرفته تقریباً ۱۹ سال را در پرورشگاه معهوبین و سالمندان گذشتند.

تجویه مقامات دولت نیز نسبت به این دخواهد و کانه تغیر کرد، معاشران بلند رفت اپارتمان مخصوص باهم و سایل رهایش در اختیار شان قرار گرفت. کویاتیف "الکارت" بودند: کس کرم و صدمانه و دوستانه و کس هم به حکم وظیفه ۰۰۰ طن همین نوزده سال، خواهرا از نکاهات کنگاویان میگریختند. نکاه هایی که کاهی دلسوزانه و کاهی هم در هاله عی از ترس پنهان بود.

هم روزه به حساب بانکی شان از مردم پول مهر سه کاهی چنین تلگرام های پولی بد و آدرین فرستند. همینجا و قیمه دو کانه ها متولد شدند. سه پا داشتند که سپس با توانق خود شان پای سوم را قطع کردند. و آن را نه به خاطر دردی که داشتند بل بعثت به خاطر آن که عادی معلوم شوند و گنجنایی دیگران را میگردند. سهان نمیباشد.

ما شاد داشا: **ما نمونه آموزش هستم**

کفت و کو، هنگام صرف قهوه آغاز شد. پرسخاول چنین مطرح گردید: *** چن را بیشتر از همه ما شا خوش دارد بخورد و به کدام غذا هاداشا علاقه دارد؟**

داشای: **اید**

حین راه گشتن، بارزیاد بدوش ماشاست. او صحبتند تراست و مکریم میشود.

* اگر یکی از شما بهم شود، دیگری چ احساس خواهد کرد؟ به گونه مثال: اگر ما شا دندان درد باشد، دو این صورت ها شما چ میگردند؟

داشای: من میتوانم تنها با ما شاهیدم ردمی.

کم: داشای: در تمام زندگی میخواستند که مادرمان مژده است. ما بقیاندند که مادرمان مژده است ولی بهموده نکته اند که به فرات و هوش خود با ید عقیده داشتند. از طریق همین فرات و هوش ذاتی خود درک کردیم که مادرمان زندگ است، در غیر آن بن عدالتی میبود که مازنده میبودیم و مادرمان مژده... و همین ده سال تمام کوشیدم که ما شا را مقاعده بسانم تا جست و جو را آغاز کنم.

* اگر مردی نسبت به زن بیوی قسا باشد مانندان است که از درگاه خانه بخارج نفکد و لی اگر زنی نسبت به شوهرش بیوی باشد مانند آن است که از خیابان در داخل منزل تفاند.

* مرد عاقل در چیزهای کوچک بزرگ است. مرد شریونه کار را مور بزرگ کوچک.

* وقتی که باگران است باید مانند گران نزد بکشی.

* ادم با هوش در سرهای بزرگ را به درد سرکچل تبدیل میگرد و در سرهایی کوچک را زین میبرد.

* کلمات نمیتواند حقیقت را عرض کند.

* غصیلت که خرداری شده است همیشه گران است.

* در مرد، فضیلت زینت است در زن، اعتمایی به زینت فضیلت است.

* کسی که بخیل نیست شرودند نیست و کسی که شرودند نیست بخیل نه.

* چوب چوب است ام از اینکه کوتاه باشد یا بلند؟ مرد مرد است اعم از اینکه بزرگ باشد یا کوچک.

* وقتی که از جوی میتوشیں بیاد چشیده باش.

* هر چه انسان تهی مفرغ تر باشد خوشحالتر خواهد بود.

* زبان زن شمشیر اوست ووی نمیگذرد.

* شمشیر تیز بدست سریا شجاع داده میشود.

* برای درو کردن دانشیک باران اشک لازم است.

* وقتی که درخت بزرگ من افتاد دیگر از خود سایه نهادند.

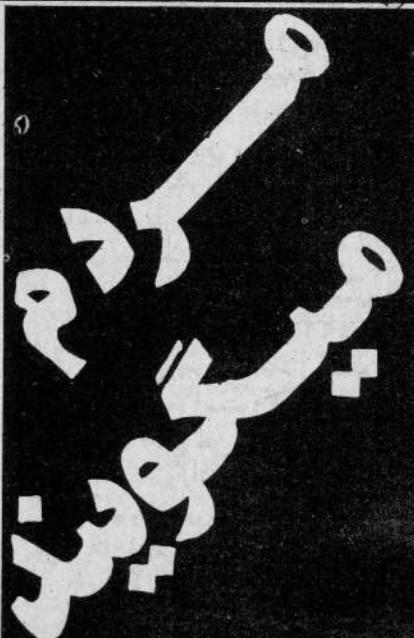
* هر قدر هم درخت بلند باشد است و یک ببر مرد مانند از یک ببره کوتاهترین تیشه به تکه اش مورسند.

* مظلوم و کم ازار!

* کسی که روی ببرسوار است هرگز قادر نخواهد بود که از آن فرود آید.

* حق ببر هم کاهن چرت میزند.

* تا هترین تیشه به تنه اش میرسد.



* نصف نارنج با اندازه تمام نارنج خوشمزه است.

* هیچ چیز با ندازه بردباری اگذه از پروری نمیست.

* پاک و ناپاک نمیتوانند با همراه بروند.

* باران در بیماریاندازه رفع کرا.

* موهمها از راه و روی موهمها با خبر نیستند.

* یعنی هرای کرفن دزد دزد را.

* بخودت سر زنش کن همچنانکه دیگر را سر زنش میگشند.

* دیگران را دوست پهدار همچنانکه خود را دوست میداری.

* کسانی که مهدانند حرف نمیزنند.

* در بیماریانی پهلویان که دلست بخواهد دست بزند.

* هیچ لازم نیست کسی از کس انتقام

د هنرمندانو اتحادیه

باتی له (۴۲) ح س

راغوندو شوی دی . زمزد دانجمنو سو
تول کاراوهلى خلى به دفعه برقه کسی
دی چی له یوپی خواه هنرمندانو .
د ولتن ارکانو باملرنه حاشته راوار ووا و
د خبلونفر و باوقترلاسه کرو . د هیوا د
د هنرد لا غور یدنسی به خاطر همدا
اوسرزمزد اتحادیه او د سوانسون .
سازما له خواه انحصار کری ، خطاطی
موسیقی ، تیاترا دینما به برقه کسی
« نزی نورسوتو حجر شوی دی یا به نظر کی »
چی به نزدی رختوکی دیه زاد د میانبور
د هنرکورس هم اتحادیه به جلم .
نشت کی فعال کر و شودنه متتب زمزد
د هربه تلباتی بند کی و د وکری او
زموز له یاده ونه و می . برقه د
بعد غه متتب د ساتن اووه شوی .
خاطر همدا اوسرزمزد د فران نویس .

لیکی یوه برقه ترلاس لاندی نیول .
د . چی کاری به سلوکی پنخوس بر
مختنگ کری دی . به داده سره .
ولیای شم چی دفعه برقه به اسلامسر
هیوا د وکی یوبی ساری کاردی .
دموسیقی به برقه کی همدا اوسر .
دل لوگری موسیقی ارکستر جم کری دی
خو و کولاچی شوچی د هیوا د نگه .
اصبیله موسیقی و ساتاوا او وده درکر و بمه
نظر کی د . چی د برونو ملیتو نو بنندو
تاجکو ، هزاره کامو ، اریکانواو نورو
دموسیقی ارکستر نونه د هیوا د مختلفو
فرهنگی ارکانو به مرسته جم کرو . د .
تیاتر اوغايانشامی لیکی به برقه کسی
هم به نزه بوری تایشنانو ترلاس .
لاندی لرچن د هفتویه بنود لوسره .

الف : اهتمامات ساده خانواده گزه
مانند محرف ساختن ایکار و اندیشه
سخن از توجه به هنک از طریق مکا
لمات جدی - بحث توجه بر آنکه
ایجاد و حشت تحریکات در زنان نا -
نوار - و ادار ساختن شخص به انجام
خرناتی . یون نتاهه داشتن تنفس ،
نوییدن جرعه جوعه آب سود ، انشاق
بخارات موی و کرم و امثال آن .
ب : تدابیر درمانی خلین :
شنر به نوع و درجه مدنظر گرفته
میشود :

- ۱- سکفات : ۵۰۱ کرام تابلیت
های سودیم پنتو بارهتال .
- ۲- تنبیق یک کاتی تریسمار نرم
از طریق بینی برای تحریک حلقه موم .
- ۳- بیوهن شنده های موضعی :
مثلًا محلول غلظت لیدو کاین .
- ۴- بیوهن سازنده های عموی (صرب)
ف در هنک های بیهش فته و طولانی .
- ۵- ادویه شد تشنج (انتی سیانم)
زرق تحت العلیه ای اترو پین (نیم ملی -
کرام) .

بنی از سعده (۲۶)

آن به تایید رجیه سوم باشد .

در زندگانی د تدابیر درمانی
که نیست برای قفع و بروز کردن آن
وجود داشته است ، ولی امروز نظر
به « رجه دنگت غالباً سه نوع احتبا -
ما - بیهسته مسؤول است :
تدابیر ساده خانواده کی - تدابیر
دوازی سین « مداخله جراحی .

من پنجه اتاق را باز کردم چرا غهای ریگارند . آسمان
خرابی ها سروصدای بلند وارد حام . ایا هرچه نگاه کردم
آنچا تبه بی راندیدم . هرچه نگاه کردم ، آن نوشته آبرنگ
راد ریمان هزاران لوجه نورانی سیاق ، تا آن کلمات را که
بدم برایم معنی کرد . بود ((اینده با استقلال)) را بینم
به سختی کرده کرد . انزوی خیلی دلم میخواست به ته
بروم و بینم آن تیه سیز جگونه است . آنجا فقط ازد حام
بود و چشم ان ای که نمیتوانستند مراجعت و بسازند . این
دلتنگی در دم را بینم میباشد
من سالها سپاهی کنام را جستجو کرد و انزوی احسان
میکرد من یک کنام و این کنام در رابران سپاهی
چقدر کوچک بود .

دوراز

تنه

۰۵
۰۰
جعیل علی علی

بعیه از صفحه (۲۹)

از سرف دهه قبول شده ام و مرد بمه
حوت آواز خوان دلخواه شان انتخاب .
نموده اند و خیلی خورسندم ، اما
نیاید مغروف شد چه غرور بیجا ، هنر
مند را نه تنها از یا مهاند ازد ببل
از صحنه دور مینماید .
* افزون بر ادامه فعالیت تان در
رادیو و تلویزیون در محافل شادی
و سرور هموطنان نیز شرکت میکنید .
میخواهم نظر تان را در مورد آن عدد
از هنرمندانی که با مطالبه حق الز
جمه های تزلف هنر بود را به معرض
فروش میکارند بدانم ؟
* عددی از هنرمندان هنرموسیقی
را آن قدر تابع مسائل مادی میدا
ند که حتی تزدیک است هنر را زیاد
بپرند اما نمیشود جمیت مادی مسأله
را نادیده انکاشت ، اعلیه همارف
هنرمندان نسبت به دیگر افراد جا
معه بیشتر است ، زیرا شنوند هر
کامی که میکارند ، مردم متوجه آن
میباشد ، ولی این ایده ایشان معنی
نیست که هنرمند چنان تابع مسائل
مادی شود که هنر و مردم را به باد
فراموش بسپارد ، چرا که این هر دم
هستند که در مردم شنرمند و هنرمند
قضاوت میکنند به او شهرت و شخصیت
میدهند . هنرمندانی که حق الزجمه
گراف میکنند در حقیقت ، کار پا به
جایی انجام میدهند ، چه آن ها
هنر را و مردم را زیاد میبرند .
در مردم خودم باید بگویم که من
نیز در محافل خوش مردم اشتراک
میکنم ولی در مردم مطالبه حق الزجمه
انصاف را جداء رعایت مینمایم .

بعیه از صفحه (۱۹)

انتفیل

در سال ۱۹۸۲ نامه های اشتین
عنوانی مالیوا طبع شد ، نامه های
عاشقانه که بیشتر به زبان دوهکسار
در عرصه بیوهشن و تحقیق میاند .

در سال ۱۹۰۱ او نوشت ((چن
در خوش خواهم بود وقتی هر دوی
ما کار در عرصه نسبت را بروزمند آمده
به بایان رسایم)) .

مکاری مالیوا با اشتین در کشف
این تیوری از همین نامه روشن است و
بعضی داشتمدان مدعی اندکه در
او را اصل در سال ۱۹۰۰ دیده اند
که در بایان آنها امای اشتین -
ماریع بوده است . اما آیا این
مدارک کافیست که تاریخ را ازرسنوشتم
آیا اشتین یک کلا بود از بود یا یک شوهر
می سلیقه ؟

بگ سبزیگ نامه تازه

کتاب و قرطاسه فروشی بگ سبز بر علاوه قرطاسه
مور نیاز شما محلاً افغانستان اصوات زبان افغانی .
حوالان اهلوز ، اخبارهتل ، تکاه و سایر جرایل کشور عرضه می‌دارد .
جنشی های سرپلی ، چلی و پلی را بر قرطاسه هر رساند .
و از قرطاسه های افغانی از جمله اسناد
و اوقایم طبع شده همچو عکس های افغانی

بعیه از صفحه (۲۳)

در عرصه بین المللی پیروی میکند و عضو
جبش عدم اسلام میباشد . مورشون
در عرصه سیاست خارجیش در دفاع
پیکر از غرب نظامی شدن بحر هند
قرار دارد . مهمترین عوامل در سوا
ست خارجی مورشون عبارتند از فرانسه
انگلستان و افريقا جنوبی .

مودودی

- خوب پن چن طور میدانید که آن ها وجود دارند ؟

او گفت :
ضرور نیست که شما با ملاقات یک فرانسه عی بدانید که مردم فرانسه در گره زمین وجود دارند .

این یک پاسخ زیرگاه بود .

بریولس ادامه داد :
از همه مسافرت های که توسط سفینه پهانی به سیکانه انجام داده شده است -
شواهد زیادی از زنده کی در کرات -
دیگر ارایه کردیده است .

وی گفت :

بشقاب های پرنده عی وجود داشته
اند که تصادم کردند و توسط داشتمدن
ایلات متعدد آثار آنها کشف شده
است . فقط در روز قبل بشقاب پرند
دیگری در کانا دا سقوط کرده که خود
شاهد عین حوادث یاد شده است .

پرسیدم :

چن طور از آن آگاه شدی ؟

او پاسخ گفت :
این را از یک رفیق که با ستاره های
بریون تماس دارد ، دریافت .

پرسیدم :

پرندن ؟

گفت :
کروه ستاره ها .
من از بریولس درباره انسانهای
کرات دیگر که به اتحاد شوروی مسافرت
کرده اند - آنانی که قامت بلند و سر -
کوچک دارند - پرسیدم .

او گفت :

موجودات بیکانه زیاد از این مختلف
من آیند آن ها قادر نزد که به اشکال
کوناگون و جسمات های مختلف درآیند
و در انتظار به نحوه متفاوت

ظاهر شوند .

پرسیدم :

در آن صورت چرا سرخود را مانند -

نوك سنجاق کوچک مجسم میکند ؟
بریولس نوز تمعجب کرد و نتوانست نظر
فقطی دار باره بیکانه گان سایر کرات
ارایه بدهد .

پرسیدم گفت :

من تصور میکنم آن گروی که موظف
بیقه در صفحه (۸۹)

وی گاه گاهی در مورد زنده گی موجو -

دات خارج زمین نیز سخنرانی میکند .
بریولس هیچ دلیلی نداشت تاری
کند که گربا چوپ توسط موجودات -
زنده سیاره های دیگر تحت تأثیر نیز
قرار گرفته است . او چنین اظهار
داشت که :

شاید گربا چوپ تحت تأثیر قرار گرفته باشد و شاید نه . همه چیز ممکن است .

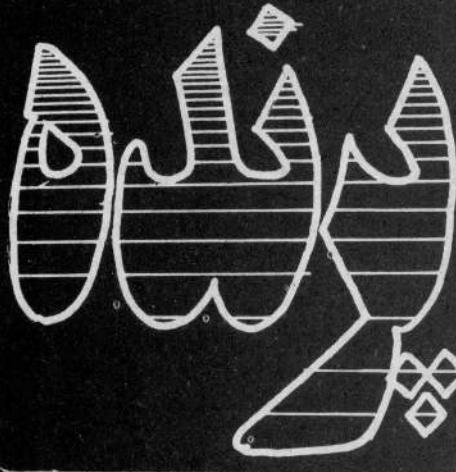
اما او افزود :

احتمال دارد که انسانهای کرات

دیگر برای مدت دراز تر نسبت به تصور

ما به اتحاد شوروی مسافرت کرده باشند

آخرین سیفی



و این تنها از برکت باز سازیست که
اطلاعات به مردم مورسد .

پرسیدم گفت :

بسیاری از مانیدانیم که چن رازهایی
با آمد و رفت بشقاب های پرنده درینها ن
است ، این بدان معنی نیست که
حوادث اتفاق نمیافتد .

از بریولس پرسیدم :

گاهی شما بشقاب پرنده را دیده اید ؟

وی اعتراف کرد که :

من هیچ تفاس مستقیم باشقاپهای

پرنده نداشتم .

پرسیدم :

بغایقیه از صفحه (۲۵)

در سراسر تاریخ پیش از این تمهی
حوادث بزرگ به وقوع بجهو ندند ، -
مردم ه اجسام را در آسمان مشاهده
میکردند .

پرسیدم :

حتماً علی م وجود است که انسان
های دیگر کرات ، در این مقاطع
زمانی به کشورهای اروپای شرق
مسافرت میکنند ؟

او پاسخ داد :

من برایت هیچگونه توضیحات مقدم
را ارایه کرده نمیتوانم .

یک تماینده سفارت چکو سلواکیا
همچنان از اوضاع غیرعادی که
در بلک شرق اتفاق افتاده است
به حیرت مانده ، میگوید که :

واقعه از علی چنین تحولات سریع
چیزی نمیداند . هنگامی که من به
نماینده سفارت رومانی تلفون کرم ،
او در دقتش نبود .

یک تماینده سفارت آلمان شرق -
زیرگاه تردید خود را نسبت به این
مساء له نشان داد .

شگفت آور نهیت که نماینده سفارت
شوری ، گوشش کرد که با این مسائله
با خونسردی بر خورد کند ، او گفت :

من فکر نمیکم که بین بشقاپهای
پرنده و سیاست شوروی ارتباط وجود
داشته باشد .

اما همه خوب میدانم که مسائله
بشقاپهای پرنده را نمیتوان به آسانی
رد نمود . به طور مثال گفته میشود که
صدر اعظم جا پان کیفو توشیک علاقه
مند مزید بشقاپهای پرنده است ، او
میگوید :

من بشقاپهای پرنده راندیده ام
اما میخواهم به آن ها باور داشته
باشم .

در عین حال جا پانس ها ، اولین
موذی بشقاپهای پرنده را در شهر
هاکوی ایلات اشیکاوای جا پان تحت
ساختان گرفته اند .

کوئنه این که نزد متخصص رفته
که او با بریولس باشند ده ساله
جا پان و نماینده شرکت های مساد
که میان ایلات متعدد و کانا دا است

فهمی راه داد که چنین روشها
اصلت یابی و نجات از صیخت
های بماری اساس و ریشه -
مذہبی نداسته بل به
فات، جادو و سحر پیوند
به گونه مثال میتوان از مبتکجه
و عذا بدادن به بماران مبتلا
به اختلال اعصاب یاد آور شد.
بمار مبتلا به این صیخت را آن
قدرت و کوب و شکجه داده و
او را وادار امیساختند تا شبها
در روزها بیدار خوابی بشد
و به این ترتیب تصور میشد که
اجنه از وجود او فرار میکند.

اما امروز پژوهش و کاوشن روش
ها و طرق مختلف چنین نوع
علاج ها و تداوی ها برای پژوهش
هشکران و دانشمندان خالص
از دلچسپی نیست، به ویژه
که این روشها نزد مردمان
مختلف با مراسم ویژه عنضوی
صورت میپذیرفت که بایک کلام
ما آن را به نام (جادو) یا در
میتمیم. جادو و کران در روشها
خود به ارواح زشت روایا اور
دندا و از آن ها طلب لذت و پاری
میکردند. این امر موبد آن
است که خود جادو به مثابه
یک پدیده خرا فاتی رشت در -

جامعه عرض وجود کرده بود.
و این راهم نباید از یاد ببرد
که جادو در طول زمانه هایک
فعل و عمل بد و حتن از جنکه
شمرده میشد. البته این کته
در مردم ملک مقدس آن زمانه
ها بیشتر صدق میکند. در
قرونیں روم باستان جادو منع
فرار داده شده بود. شواهدی
وجوددارد که به انسان آن در
سال ۱۰۰ آق مفرعون مصر
(رامز سوم) چند تن از -

نظم ایمان و زنان ساحرها که پیکر
موسی او را ساخته و در آن افعال
جاد و بسته بودند که به اساس
آن فرعون باید پیکر بمهکم
کشانیده و سرانجام آن ها را
کشت. با توجه به این مسائل کتاب
های در طول زمانه ها نوشته شده
است. البته مسو لفظی

جنها و آدمها

باقیه از صفحه (۳۵)

امتیاز پدانتند. حق در بعض
آثار و استناد رسن کلوساچنین
از زیبایی شده است که جادو و
ویژه زنان است، زیرا به (عفیده)
آنان)، قلب زنان هفتما
پیش و در بعض حالات هریم
است.

از این لحاظ در اروپای مسنه
های میانه هزاران مورد پیکر قبول
میگرفتند و پرسنل های سنبدها
شده و ستند را از جانب کلها
و اداره های دولتی تهمه
و امامه شده بود. گاه افرادی
را که تحت اقتیاد جادو و گری
قرار میگرفتند غفاره مورد یار
پرس قرار داشتند. دیگر اینها
کویای آن است که تنها در -
آلمان بین سالهای ۱۴۴۰ و
۱۵۰۰ دست که به تعداد مسنه
هزاران ساحر در خیزمن های
اش سوزانده شدند.

به هر حال، این موارد
با زتاب پیوهش و نکره های -
جدید را از موضع علم و خیله
میکند، اما امیز ما در میانهم
که در آن زمانه ها نزد مردم
چنین تصوراتی بود که به اساس
آن خانه ها گرد پاده ها آب
خطوهای و برق در اثر دیده
و گاهی پذیرید من آیند. حقیقی
بعض افراد چنین گواهی های
مجبوب و فهیب را که گویا در دو
تو غافلها پیوه زنان را در حالت
پیوایز دیده اند هارایه میدانند
نمی‌شوند.

مطالب مطرح شده در مقاله
نظر نویسنده متن میانه در
موره سخت فلکدان جای مهابت
وجود دارد زیرا از نظر مطابق
مذہبی بازخی از موارد نهفته
سوانح بود.

آنها با پیروی از عقاید مذهبی
میشود. اما باشنده کان روسنا
اید یو لوئیکی و محدوده -
ها هنوز هم با این تصورات
و داع نکرده اند.

تبادل نظر و صحبت ها در
باره اجنه در میان جوانان
و نوجوانان رستایی یک بخش
که را میجال و در عین حال
دلخواه آمیز زنده کی رفته می‌شود
انها را تشکیل می‌دهند. زنها
پیوه زنان و دوشیزه کان در -
اسارت خیالات عورتی قرار
فرمینده همین اتفاق را عقاید می‌سازند
دارند از اکار و عهای سلطنت پیوهندگ
روسنا، شب هنگام غبور از کتاب
ویرانه ها، پیش جنها و
نقاطیکه بنایر روايات شفاهی
مسکن جن هاست و همچنان -
غبور از میان درختان انبیه
مناطقیکه در اثر آفات طبیعت
به ویرانه مدل گشته اند میشود
نمیدند.

با وصف ترقی و اکتفا علم
فرهنگ و تکالیفی چنین اتفاق را
میاید هر انسان اکنکه هم تنها
نزد روسنایان کشورماه بیل
در نزد بسیاری از باشنده کان
روسناها و با دیه نشینان نقاط
مختلف جهان موجود است.

نقاطیکه در پیکر آن است
که بیشترینه زن ها ادعای سا -
خت و بیافت باجن ها را میگردند
جاد و کران و ساحران بیشتر از
میان زنان بودند. به ویژه در
سده های میانه این امر بیافت
شده که زنان خود را در بعض -
مواود نسبت به مردان مهاجه

آنها با پیروی از عقاید مذهبی
میشود. اما باشنده کان روسنا
اید یو لوئیکی و محدوده -
جهانیوش خود به برسی و ارایه
برداشت های خود پرداخته
اند.

در نظر مردمان قدیم شرق
میتویست هاک شب هنگام در
آسمان تاریک جرقه زنان پدیداد
و شتابان ناپدید میشدند، نشانه
آن بود که جن ها به تحریک
ابلوس بیع بسته اند و خود را
اسارت خیالات عورتی قرار
فرمینده همین اتفاق را عقاید می‌سازند
به محركه راز نزد یک میسانند
اما در هنگام تغرب بالای آنها
جرقه آسمانی نازل میشد، در
اثر آن هلاک و نابود میشدند.
همچنان ناز روی اساطیر و -
افسانه ها چنین در میابیم که
در مراکز کهن تمدن شرق، از
موجودیت سلطنت و شهنشاهی
جن ها در کار انسانها سخن
به میان آمد و حتی از جنکه
آنها بالشکر یان آدمی -
روايات عجوب و غریب داده
شده است.

در خور یاد آور است که
تصورات در راه موجودیت دیه
و پری نزد در نوع خود از همین
تصورات موزع در رباره "جن ها"
نشانه والهای گرفته است.
تصورات و پندارها در ریا ره
جن ها نزد مردمان مختلف
افغانستان بنایر ویژه که های
ملی، مذہبی، تاریخی
و جغرافیایی شان فرق میکنند
این تصورات نزد ساکنین شهر
ها به باد فراموشی میگردند

حکایت مهندی از زیر زمین

بچه از صفحه (۲۶)
شیخ خاصتاً امواج سوس.
در مقایس ر پشتیز شدت زمین
لرزه طبق مقادیر لگارتم محاصله
میشود و از یک مقدار فاقدار بعدی
قدرت زمین لرزه به ده برابر افزایش
میباشد. بدینسان که زلزله به
قدرت هفت پیشتر که شمال غرب
ایران را تکان داد. ده برا پسر
نیرو من دراز شد ریخته است.

هزار هزار پوند

بچه از صفحه (۱۰)

استاد هنر کرد، امساران برویش
نایابد بر شعرش برج بازیمان در نش
اوشه ماند گاری بر افراد ختند.
باره عمر استاد شرف الدین شرف
آماج برجان مرگ گشت و از پادشاه ازادر
امادستان هنر آفرین اندیشه اش،
نیستگانی چنان کاخ از سرده و
سخن را دراقلم هست گذاشت که به
سخن ساخته بیرون شرک طوس از پاد و
پاران گزند نهاد.
جای دارد اگر نگفته بغاری از
سروده های استاد را زجیون حسن
ختام این مقالات ارجاعی بیان نمودنگل
جان آن پیشمند صرف را زبارش-
رحمت پزدانی اوشه سینخواهم.

ای چراغ کاینات ای آن دناب
در طوفان تو زمین دارد شتاب
کره خاک، ترا بروانه پس
بن هستی را تو شمع من حباب
زندگی بیداد از جولان تبت
بیرونیت چنان مغمور خواب
نیست تها فاره ها جویای تسو
در بیت، آشت میگرد د سحاب
تو حکم و حرم هر ذر، ای
برتو امچار داری با ترا ب
درگذار مسیر تاریخ پشت
بوده ای زاینده، حد انقلاب
واله و شید ای خود سازی (شرف)
کربهارین ابر چون بوشی نقا ب

به دل در بندم سفرکنید و بینید که
جن کتیبه همین مردن ذر زان جا
نه است. شعور را ز لای می سو
های جرت و نای، کله بکم بخوانید
و من کجا میتو، ای بآهای
خسته از غرام ببیس هر گام شان
باید فرار باش، اورایه کدام آفریش
از این کوجه تا اند خواهی بزد؛
بینید من از نیامند شنبی اشک، بسی
برده دین گریه شدم، اگران بیا یسد،
جن خواهی شد؟

(زن نکه چاد رنماز کهنه سیاه هر گش
را با احتیاطه در شک بیش برآمد
اش طوف میدهد) اواقات نمیخواهد
کود کن به دنیا بباید
وقتی من قصه اش را تاین چانو شتم
د و بیزعد برای گرفتن یک پاسخ را هن
زندان زنده ولایت کاپل شدم:
ه اگر او به دنیا آمد، نمیخواهی
باتویاند؟ جن خطابش میکنی به جن
نام پاد ش مینمایی؟

- مجبوریم با خودم اور انتیت انتقام
بد هم و با خود استه باشم. وقتی
به بزار روییم و بادرد، مسلک آینده
امرا بانگه بیگی، شفوهی اختیار کس
در آن صورت هم او فریزند چند پنزو سپنی
مردان ویک روییم زن خواهد بود.
او یک دنیا نزدیک کاپل شدم: در بودن
پنکار (پرور) بگوشی (پریب) بقویش،
اما او باز اثاب فرارین ایست، بگذار
(فارار) بگوشی اور داشتکه هر چنان
آدم ریاع، هنر میبینی، بگذار (آتش).
بتویشن و این هنر هنر گزندی در شعله
افزونی این آتش، افزون شیخ زد دار
زند من حلال شده، بگذار (اور العالی)
بگویم و اما... اما اویک حرامیست،
شاید (حرام)، خطابش کم (آخر هر
چی خطابش کم مطمئن است تقدیم
کار خوب را میکند. نه بلام انتخابش
مادر، من کجا خد پیچه شدم؟ من کجا
توانست خد پیچه شدم؟ که او آتش شود
پس از هم در خط مادر شیخ پیچه
ایست. خد پیچه مرد پازن... نمیدانم
از خد پیچه حرام است...

ای چراغ کاینات ای آن دناب
در طوفان تو زمین دارد شتاب
کره خاک، ترا بروانه پس
بن هستی را تو شمع من حباب
زندگی بیداد از جولان تبت
بیرونیت چنان مغمور خواب
نیست تها فاره ها جویای تسو
در بیت، آشت میگرد د سحاب
تو حکم و حرم هر ذر، ای
برتو امچار داری با ترا ب
درگذار مسیر تاریخ پشت
بوده ای زاینده، حد انقلاب
واله و شید ای خود سازی (شرف)
کربهارین ابر چون بوشی نقا ب

بیز متواتی بکی بروان جازن های
دیگر هم بندی استد ۱
جن مهربانی بی؟ جن سخاوتی؟
خود شرفت و من باد نای خودم با
دیگر ارادی که فرار کرد بودم به
زندان بناء آورد ۱۰۰۰ این جادل
کلان دارد و اماد ریخ در رفای
نمیخواهد از این جا اخراج کند زیرا
بالای عن کسی سفارش و عرض نکرد و
نمیتوانم خود را گناهکار شایسته
زندان قلداد کم. واپس حلال حرام
شده بی در من دست های میکند که به
شده و جنمها ی گرد و بخشش یکسی دو
نخوان است. واگر چنین بود شایشه
هم نوبت (۱۱) اند الله به بایان رسیده
بود، اود بگیره خانه نیامد، خیر
خیر مسکرند و بعد افوت شد نش را
آنده (۱۱) به من واقعیت را لکت که
فرارین از در خانه کاکام معصومیت
نویالنی یک دختر فریضی که در در رش
(بد رفیزندم) حین نکاح دروفین بود.
او در تصویرین که خود رازن نکاح شده
تعجب میکنم پک حلال بود و امام اهوسن
د و بزدیگی نکاح دروفین حرام شده
از بی دنیا خواهد اند شاید خونی از
قاشق برش باشد و ناشایه هم... جن
خواهش گفت؟ جن پاسخی؟ آخر من
من باکراز تهه هایم بودم پاکتراز
هیچ جوانی برایش ندارم جن شجاعه
ی؟ جن در دیگر ویچ واقعیتی
امانیان فریاد نکند به سین دا خلند
که مرد راهور دعوت پدرشند کرد،
مرا فرار نمود زن شدن کرد، نطفه
از همراه فرار کوکی زاند که هنوز نیا
را دیده و باز مردمیک نکاح دروفین
دموت به مادر شدن کرد... نی نی!

بگویید شر اش باعه عما دید مرمد (۱)
شایانه بخطابی شر که میاید ای این
دشاید، این هنر زنگه هایم
الدک در دنیک شب سردا از زنگه
شم سیخواهند و من از چاهه فریار (۱)
که اگر ساعه کند و عوان دیدن به با پیش
را باید، سراسر خاکستر خواهد گردید
و من تو فان - تو فانی ترا زیوان - استه
من تا حال خالی از ایمه بودم؛ اما دار
این روزهای زیانی فریزند حرامیم امید
سیاد شنید و من جا فیکه رخند (ال لب) -
هر کس مراد خود را میخواست و یا هم
کس به حق کس دعای میکرد و اما من،
من جن مرادی میتوانست بخواهم. من
کی را داشتم که باید برایش دعا میکرم؛
آن جا من در بناء (ال لب) -
شوهن، مسکرند و کنند شدن شد و
حتی ملای ک عقدم کرده بود دروفین
بود و ای کاش فرار کردن و زن شدن
و حامله دار شدم نیز دروغ میبود -
ما نند همه هستیم دروغ میبود نیزه
هم نه اصلی شوهرها نبود آن جه
و اتفاق بود، این بود که من باشد
با سخنی هوس های ریانده هایم
میشدم و میسردم...
و اما سرنشسته ای اور فرم
از خود بود تقدیم بین خانه ترا فرام
میکند و اگر بخواهی بی راین جازن های

بود، شب زناف من بود، شب زناف -
دختر شانزده ساله شب آبستن شدن
بود، آن روزهای بعد که ادامه همان
شب است موهومترین روزهای زندگی
بود، روزهای دشوار من بودند من
عقده های را در پایش رخت، همه
زندان را همه کرامت وزن بودم رایا
نه نگهبان ریخته بیام است و -
همیشه خواهد بود که جن سخت گیریست.
من نخیوانم خود را گناهکار شایسته
زندان قلداد کم. واپس حلال حرام
شده بی در من دست های میکند که به
شده و جنمها ی گرد و بخشش یکسی دو
نخوان است. واگر چنین بود شایشه
هم نوبت (۱۱) اند الله به بایان رسیده
بود، اود بگیره خانه نیامد، خیر
خیر مسکرند و بعد افوت شد نش را
آنده (۱۱) به من واقعیت را لکت که
فرارین از در خانه کاکام معصومیت
نویالنی یک دختر فریضی که در در رش
(بد رفیزندم) حین نکاح دروفین بود.
که در رابر خیریک مردی کاملاً ای و اکن
نی تفاوت شده بودم. شر و قفقی به
بستر رفت، هنوز محل
اند پیشیدن در رود بیوه شدم راید ۱
نکرد، بودم که نعم بایی حیای و -
خود مانی (۱۱) دا خل اتاق شد.
گویی باز چیخواست برا یام چنمهای
وحشیانش مانند هنرمندی بود که مرد
از جاده ریوده بود.
بالطفهان دندید به سین دا خلند
دستها پیش را در کم و شک جوچه
دان حلقه کرد و من جیع زدم نه رایه
کمک خواست اما همیشی گوشن فیادم را
شندید. آن جاده را واقعیت خود نخورد
هم زنگه ها وندها کمتر از زنگه های
بودند که در تقدیم خود دیده بودند.
ام به دست نعم پاره شد. آن نسب
او بزم تجاوز کرد... وای جن میبوم
تجاور؛ تجاوز چرا؟ اور حق خود را -
گرفت، اخراوهه متابعه متابعه شد، خود
دست برد. و در آن شب لعنی شام
تصویر سبب به شوهر جعلیم به وا -
قطعه مدل شد - همه جیز دروغ -
بوده (نکام و دهه هایی به اصطلاح
شوهن، مسکرند و کنند شدن شد و
حتی ملای ک عقدم کرده بود دروفین
بود و ای کاش فرار کردن و زن شدن
و حامله دار شدم نیز دروغ میبود -
ما نند همه هستیم دروغ میبود نیزه
هم نه اصلی شوهرها نبود آن جه
و اتفاق بود، این بود که من باشد
با سخنی هوس های ریانده هایم
میشدم و میسردم...
و اما سرنشسته ای اور فرم
از خود بود تقدیم بین خانه ترا فرام
میکند و اگر بخواهی بی راین جازن های

بچه از صفحه (۲۱)
آنند و قیانه نعم ناشناس هم
فیرت فران را به تسریخ گرفته بود و
من در آینه مقتضی مویرا، چهره
در دهندم را پیک سربو چلنون حاده
ها میدیدم. نداشت که لحظه ها -
خود را به من فروختند یا من در تیقه ها
فرق شده بودم که آنقدر بازگشت نعم
زند بود. او بدن تو جو به حالت
دیواره موترا به تایپ زد و داند کی بعد
کار روزه چونی بکار مهارت محق
برک کرد و بعد از ق ایا بزد به من
اشاره کرد که باین شدم نعم با جمله
محضر مراجعتی بجزی داد و قایقی
بعد حرکت تایپهای مویرا گزینه را
بلند کرد پیشین در جنایت سیاری بی تجزی
ملیم مشهد و این حقیقت از دست ای
کیش همیشید و باید این روزه کم راشنیده
زندگی هایی معرفی باید بیهوده شد. آن راه های
محضر شدند شد و رایا ناشد اور داده
بود که همه چیز نویمال خواهد بود.
هنگام که او قصه زندگی کم راشنیده
اندیشه اشرا دین باره که من شاید
رویی باش، تغییر داد.
واما معرف نعم با دادمه تن مرد ای
د پیش اخیل خانه شد. همه شام
عشق عیق سویم میدیدند. ازان شمار
مرد پیشی که بعد ها خود را رساله
معرف کرد، بود، دست نعم راهی را
بیرونیش بود. چند لحظه پس دیواره
بازگشتند و نعم بالطفه زیلانه بی به
من اند الله رائشان داده گفت: ((او
میخواهد شوی تویاشد)) (واین درست
بعد از شنیدن قصه مختصر زندگی
در خانه کامی بود) خوب مید است
که موافقت و عدم موافقت از تصمیم آن ها
چیزی نمیکاست. یک باره بغضن به
معظم همه گزینه های که تا آن زمان
کرد، بود، فرید شد و در دریک گزینه
بر عده هایی که تقدیم کردند و زن شد
من اند که سکوت، علامه رضاست؟ نی نی
به خد ای شکوت رضا چه که تلفت من
ایران ای
دریند افتاده... من در دستش به
اندازه دو سه ساعت نکاح شدم (چه
نکاح مجمل و افراگزنه) مراد رسی
بی عفت ((اند)) خواباندند. آن شب
که ادامه همان شب بی فردا و فرام

د مکتبه سندی

پنجه از صفحه (۶۵)

عنه یه پوچه لاره کی شهد
شود

برت له دی نه چی تو هیزی
دند دباره

ولی ز بیزه را ترسم
خونه نر کی سوله تینه کرم

خوشی هیاد آمن کا
له نیسته نابرا بری اوست

شده و فروم
نه زایه غیب کی ارامه می
کنیم

د خلکسره بومای شه
د هوسه چه د مدالت دیاره

میزه کوی
ز شاید راستون نه شم

ولی نه باید
تلیم نه شم

د زند دباره
زماد ساره
د سولی دباره

جتره و کره

دی دی چی زون سند خاری
هم به دی لاره کی کام بورته

کری او د خلکو غرستو او
میزند بانوی کی شن ما د خلکو و

عن لاری سه چی و باندی
نکر کی او د هنی خوش سره

بیانی کی کم چی در وی
انتظار ماسن

چی د مرگ لاسونه پری کرد
د ((مون)) له کاف شده

((هارلم)) به لوری موی پیدی
مای کی غویه ترمه نوی

مایونیه درنده بستاری
شده او د هنی غصی تاری

د هارلم بیرونی کی نیش بیانی
د هارلم بیرونی کی نیش بیانی

د هارلم بیرونی کی سندی اوله
احسانه کی سندی به دی

مای کی اوند لیں کتری
امیکی توری کی میزی

مکه چی د هنده سره انسان
کر نه نه کیز پیده تو بروکه منع

کی نیشن انسان دیر پیدا
کنی کی هنری له هر عایه شده

شری سند روان
سند روان

په یوه بده نه د ومه بکه کافی
کی کبینو د بیالونه نه تول به

د جتری په مه د ویانو بولی دی
به این سند کی دیکا سولی

کوتی زیونی بام عانه ای دی بو
عوان د سری شغلی به نانی

چی د کری د چت شخه ملیزید
محنی پرخ پنکاری د وی بیملی

تجویی به جلوبیتا نیوسه
د هنده ملکیا کوی

په هلکه د نیسته خاره کی شده
فساری دی

دی بای که ته د خد بار برانی
امیکا دی سایه لوبیده

تنهش دی خواته را کیلی
پس

چاسه دی چکر کوی
ایاد الله ریشه دی خاره بطنی

شبل بازتره
خبل هیواد نه ستون شه

تایه به دی مای کی دی کاری
انتظاری اس او

نیسته چی
ستایه هیواد بی سینی

ایپولی دی
ماهه له خدا به دی وايه

او دیل او پنه خده هم
چی د کیوسه بومای شوی دی

دلته چهار چونکی سکه ده
د خبلوا کی شخه لشیزه شه

کولی
ایزوند ستایلی له شه

دلنه که به دی پیزه
نه دخت نه ترمه دی

د زندان ی رایستی د رازی دی به
انتظار کی دی

بل رسن وای
داند ری او دی پایه دی و دی

د اور چونی
د محنی پرخ عوان وای

که بیه دی له جمهی شده
راستون شم

تایه به دیتی به پنایه کی
سند روان

فواری ترسه هم خوبه خبره ده
چی لز خه د توضیح در ده شعره
د شعر محتوا شکل او د محتو احرکت
مخفی لسه خکی ایکل کیدی نه شه
دانه شن کیدی چی د شعر محتوا دی
به نزه کی راقونه او بیادی شکل در کرل
شی که چی العام اخلم سد لامه
به شعر لیکو بیل کم د ایچی فزل شو او
که ازاد او د ایچی به شوا که بد و روسته
بری بوهیم او د شعره بای کی بیس
قفاوت ته کنیش

پهونچه: د غوی خوی به پاتی اکه
د هیلو نه ترسه مکه دیکه مل حه له
د غو خخه کم یوتا سود بل شعره بلوته
خه

سواهه: سواری بسویه اودنه
لید لور خه شه چی ما شعره بلوته
خه خوی بیهه د همه بیهه شعره
چاییوال کی شاعرانه ده نه د بیوی نه
ولی شدی هیلی باش شونی به بل او
با به نوره شعرونوکی

سوال: تاسود شعره با پیچی زما
به بونستوکی نه دی طرحه شوی شه ول
فواری

سواهه: د شعره با باب د شعر
دو دی به باب او د شعره را تونکی به
با پیوسته ایمان لونه هنده داچی
راشی شعر شاعر ته بیزند و تول له
خون شاعرانه شه شوی هریز بیهه سره
نه کر واخانه ملاشائل وله وايوه

- له دی امله چی تا سوز میزون
بونستو ته به نزه بیوی خوابونه
راکرل له تاسو خخه بیهه دیهانه
ناخالو. ناد ده او خویش شاعر
او به خبل مای کی دیهی بمنس د

و حق این د استان مهیج و عاطفی
را پیر میشمیم و به پایان حاده زنده
د خبلوا کی شخه لشیزه شه

کولی
ایزوند ستایلی له شه

دلنه که به دی پیزه
نه دخت نه ترمه دی

د زندان ی رایستی د رازی دی به
انتظار کی دی

بل رسن وای
داند ری او دی پایه دی و دی

د اور چونی
د محنی پرخ عوان وای

که بیه دی له جمهی شده
راستون شم

تایه به دیتی به پنایه کی
سند روان

تولنی له هینداری او نری دنری له
هینداری و گویی
۲ - له تشویقاله بی شعرونوکرکه
لرم: هر شعر هربیت او هر کیمه بی
باشد د انخورونو را بیل شوی امیل وی
به شعر کی دیوی ناشاهرانه گلیمی
نمایه که رانه که نه خویه
نمایه که رانه که نه خویه ایله وی

۳ - سخت د العام بندیم که
من چی العام نه دی اختیتی شعره
مرنگ کیزیم.

۴ - بروخت به کلی کی او سیدم
او کلیوالی شاعری می کوله. که جسی
بنارت راقم شعره من هیادانی شوار -
هیله لرم بروخت وشم کولی به خبلو
شمرونونی دنر بیوال شعر تولی نهنس

او پیشکی و پیش
پهونچه: ایاستا سه شعرونو کس
که ار یک شته به همه میوت کس
فواری ستابو شعره خه بیهه شعره
سواله: کویی ار یک به خه مفهه؟
که ستاسونه نظره و اهد د شعره دلبری
شکل او ظاهري شکل دی زیاد شعر
محتوا هم تولنیزی بینه اوهه مینه
جیر وی نه شم کولی چی بیزی او -

پهونچه: ایا د شعر دیکه وخت او
یاله همه خخه وروسته متوجه شوی
یاست چی ستابو د گوشتن بیهه بروخه
به شعر کی نه ده افاده شوی. ایاد ا
چی تل خبل احسانه بیانی جوله
ور بنس

سواله: پیر چله نه شن کیدی چی
ها را از هند باخود برد، اما غارا موش
کرده است. هرجه بالای فشار وارد کردم
چیزی رابه خاطر آورد، نتواست.

* * * * *
از نمله های که دنرا بر سلام خان
و گویند اوارد اشته باش، زیاد خویش
می آید آزنداران یک بار با هیمالینی
با به کارگردانی اود رفعتی شاعر

خواهی بیهیه خویشی هیه خه
چی لیکم نه د تولنی اکریت خلک پسی
خبل مال رویی به خبلو هستونکه
تولنی ده تولنی به یام کی نهیم او د تولنی
اوحتی دنری اکریه خلک. له دیری
مودی خخه را بد خواهش که چی
تقلک او تولنی دیو خاص سیاس سازمان
له هنداری خخه ونه گویم او تولنی د
عاشقانه مینی شاعرهم.

د شعره ظاهري جولی به هکله باشد
روایم چی از اراد شعر هم لیک او فزل هم
او د این فوارم شعره من کوم بیهه
زیوارک په من دادی و من بیهه میگتم:
- قبلا به زیوارک نیامده ام.

این معامل شد. شکن ماحب
همیشه به شوی میگردید:
- ((سونتوسال گذشت جاد و گز
بودی)))

به هر حال فکر میکم. آن زن مکن
ها را از هند باخود برد، اما غارا موش
کرده است. هرجه بالای فشار وارد کردم
چیزی رابه خاطر آورد، نتواست.

* * * * *
از نمله های که دنرا بر سلام خان
و گویند اوارد اشته باش، زیاد خویش
می آید آزنداران یک بار با هیمالینی
با به کارگردانی اود رفعتی شاعر

کند که زلزله واقع می شود از یه سه
در فضای آزاد قرار میگیرند. کتفه
میگوید که سر و صد اهای زیر زمین
و خصل و انصالاتی که در داخل
زمین صورت میگردید سر یعنیه کوش
حیوانات مهر مید.

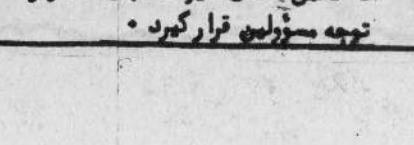
در چه باره زلزله اخیر در کملا
و زنجان سهاری از حیوانات موجب
نجات جان انسانها کردیده ام
در یکی از خانه های اسپه نا آرای
تفاوت داده در منطقه دیگری سکها
با پارس شان خانواده های رانجاه
دادند و میگویند باشد در رکشور

نظر اخلاقی از دیده کاه مردم خلوی
ها و مناطق زلزله خیز چنین مکن.
ا عمل های حیوانات باید سوره
تجویه میگردید.

* * * * *
بنده از صفحه (۱۱)
اشتکش عده و سرو صد ای زیاد
ایجاد مینایله و انسان هادر که می

صلت د دل داده ایشه هم برها کرد
و غوغای به هم رسیدن آنان که از -
نظر اخلاقی از دیده کاه مردم خلوی
ها متفاوت مینموده سراسر فرانسه
را بر کرد.

* * * * *
بنده از صفحه (۱۰)
د ر د ف ت
بنده از صفحه (۱۰)



خوش میاید .
 س : کدام صفت را بهتر می پنداید ؟
 ج : بزی من یک چیز بسیار اهمیت دارد :
 صداقت به وظیه درست است . و قص کس را سنت نمیکند من زیاد احسان ناراحتی و نامایمی ممکن و شاید احیانی که وعده های کو ناگون به مردم خوش میگردند . ولی وقش به پروری رسیدند و عده ها فراموش نمیشود این مایه ناراحتی زیاد است .
 س : همه مخواهند شمارا با او باندا - غالاچی مقایسه کنند . خود تان درین زمانه چی میگوید ؟
 ج : اور یا نا غالاچی و زورنالست بسیار موفق و بسیار قابل احترام است . او به خاطر مصاحبه گرفتن های - استثنای اش شهرت دارد - من زور - نالست جنگ افغانستان هستم .
 وظیفه ام ایجاب میکند تا قضاها را از نزدیک بینم درباره مقایسه نهایت از جه زی بگیرم .
 - خانم لوزد و سوت خبرنگاری بسیار شما به خاطر صحبت هایتان یک جهان تشرک . تکرار از شما .

س سال گرفتین آنها یعنی سالهای ۱۹۸۲-۱۹۸۳ و ۱۹۸۸ نیز سلماً با حوادث (ایل - نینو) در افغانستان آرام همراه بوده است . از نقطه نظر باراد وکن، ریکاردهای تاریخی تعبیر درجه حرارت تحریق - گنن ها و میان مردم طمعه قرار نمیگردند . بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ که زمان بیشترین استفاده از مواد سوخت فوسلیل و ازین رفتگی جنگلها بود درجه حرارت بایین افتاد که به نظر میرسد با تأثیر گزین هاوس، متاقضیاست و (تلخ شده است .) موصوف در رابطه به جفت عمل ساوهه افزود میکند : ((این ساوهه شکل از ایاضنی پنهان است .)) اصل اخلاقی رایه خود گرفته است . ماهنوز در روابطه به ساوهه، خیلی اندک میدانم تا بتوانم پیشنهاد های سازنده و عملی را در زمینه ارایه کنم . تحقیقات پیشتر در زمینه سلماً ساوهه را پایه داده و سیم برس خواهد کرد . هرگاه ((ریکال گزین هاوی)) سلم شود آن کام میتوان بیامون جهات مملوی موضوع اقدامات موثر وصل نمود .

درباره سیاست افغانستان
 و زن باهم ازدواج میکنند ، نخست خود شان را و سه اقارب شان را دوست داشته باشند . و قصی در افغانستان میگنند که کس با کس دوست است زیاد خوش میاید .
 س : اگر بدستان نهاید از زنده کس شخص تان بگویند .
 ج : هنوز ازدواج نکرده ام . خواهرم تشکیل خانواره داده است . برادرم نیز ازدواج نموده و قصی به وطنم برگردم "انشاء الله" نهاد من هم میرسد . اما از حالات تصمیم برا پیش ندارم .
 س : از ذوقیات تان اگر بگویید .
 ج : در کودکی سهورت میگردم و در آنچه بقدا بسیار حساس و دقیق - بودم در دهلهی بایسکل رانی میشنودم ولی دیدم که در کابل این کار غیرممکن ندارد و برای زن ها خوب نیست - بایسکل رانی و ابیازی را ترک نمودم .
 قدماهای افغانی و بسیار خود شفته میباشند از اشک و منتو بسیار

بیمه از صفحه (۲۲)
 س : راجع به مسافرت زنده کی کردن در افغانستان چگونه میندیگردید ؟
 ج : برای مانکر کردن درباره "زنده" گشی جالب و دلچسب است . اساساً زنده کی پدیده بسیار مهم است . تا بستان سال کشته را به خاطر میگذرد : ماردم مردم ما میگفتند : لوز توبه بسیار ارزوی در افغانستان در میگزی از حوادث را کشته میگویی . برای من بسیار غم انگزش بود و هست که چرا افغان ها همینکار را بپذیرند خود به قتل میگردند ، انتها نهادند که چن مردمان قابل احترام نیستند . نهادنام چرا به دهنم من ام که کویا "خارجی ها" بک نوع هستند . نهادنام مقابل راکت دارند و ما گشته نخواهیم شد با اینکه افغانستان فقط سر زمین مرگ و زنده گشت . چن در دنیا که ادم زمانه های مرگ را خوب احساس نکند .
 س : نظر شما در رابطه با "شق" و "پوند" میخواستم .
 ج : عشق ۰۰۰ عشق در همه جاست برای ما این مهم است که وقت مردی

درباره سیاست افغانستان
 بیمه از صفحه (۸۱)
 با سکتبال مطالبه نماید . و اسدوار - استیم که با تغییر که در همین کمیته تربیت بدنی و سبورت امده است . تها و زن سیاست با سکتبال . بل در مجموع تمام وزش های از جمله رکود خود خواهد برمد و در راین مورد تهاکریه تربیت بد نی و سبورت سرویلیت ندارد . بل با پد تمام وزشکاران نخیه در زمینه تربیه جوانان و نوجوانان سهم نماید . خوب شدرا ادعا زند تا بآشید که وزش - با سکتبال . انتکاف پیشتر نماید . با پد کمیته تربیت بدنی و سبورت جمهوری افغانستان بروتکولی را با وزارت - محترم تعلم و تربیه در روابطه با ایجاد تم های با سکتبال در مکاتب و اسرازام اعصابی تم ملی با سکتبال کشور فرش ترینگ ای ای مقد نمایند تا جوانان از اینها با تخفیف و تکلیف با سکتبال به شکل درست ای ای شوند و فرد ای تم ملی کشور را رهبری کرده بتوانند .

- آست . از طرف دیگر آنانی که منا را
به حیث آواز خوان ام میشناسند هفظاً -
شای آهنگ تازه بی دارند که باید
بخوانم و من منعیت آواز خوان تازه
کار از مقامات بلند موسیقی من طلبم
که آموزشگاهی برای قدر کموزنده را
روی دست بگیرند تا ما از کمودی
کموزنده رنج نبریم . . .
* صور فیلم دیگر تان چوسته . . .
* سریا از استم . . .
* ازدراج کرده ام . . .

- بل غرس کرده ام دو کودک
دازین دارم همایور کودکانم در یکی
از کودکستان های شهر آموزگار است .
* دیگر چن گفتی دارید؟
* از مطبوعات کشور کلایه دارم که
با شواراندک هنرمندان آشنا شده -
اند . و بار هم بار در مردم آنان را
میتوسند در حالی که بهشمار هنر
مندان فازه کار و گل های تو میگفته
احتیاج به مشوق دارند اما از آنساب
یادی نمیخود ۰ ۰ ۰ ۰ گناه شان فازه گش
بودن شان است . . .

دندو اما وقت طاغون سراغ کلمینه من
را گرفت و آن همه عشاق سنه چاک
گوین که کلمینه من خود طاغون باشد
و دیگران را از خود فرار پددند و از
وی دوری گردند .
چن کس باید دست کلمینه را -
میگرفت . یک مرد یک انسان با عاطفه
و این جوانمردی و عطوفت در جگویز
تولوچیان وجود داشت . اصلاح این
احساس در روی نموده بود .
او یکسره که شته های ننگین جامعه
اش را از یاد برداشت او معتقد نبود که
که شته های کلمینه ننگین است .
چون میدانست کلمینه فطرتاه و نهادام
پاک است و همراه از هر گذاد و گذاشداری
تفصیر به دوش جامعه فرانسه طاغون
زده قرن ۱۷ و مردمان آن بود که لکه
ننگ را بر دامن کلمینه نقش بست .
چگویز این لکه را با محبت پاصلد -
فت وفا هست .
با همه توان و نیرو و باشد بوقتن -
مخابز گراف درین درمان کلمینه
مدد تا این که رشه های بیماری را از



چشمان تو پیغام کردم تجارت به این
اند که خودم تهیه کموز و تصنیف
گرده ام .
* پس شما کموز بطور هم استید؟
* تقضیه چون بیشتر آهنگ هایم را
خودم کموز میکنم .
* یعنی که همه کاره استید؟
* در واقعیت چنین است هم زمان
ما را همه کاره میسازد . فعله ما -
کموز بتواندک داریم و آنان هم به
ساده گی حاضر نمیشوند برای ما فازه
ها آهنگ بسازند . یکی با همسار
رفتن ما نزد شان با تقاضای بلند
تهیه میکنند که برای ما نهایت دشوار

بنده از میله (۲۸)
ثبت کرده آم و در تلویزیون پاکیزه
آهنگ لمسنگ دارم .
* آیا از آهنگ های تان راضی استید؟
* از تیام سروده هایم راضی نمیشم
چن هنوز به خود حق نمیدهم کفریاد
پرست خوب میخوانم همامادر تهیه هر
آهنگ و زحمت بهشمار کشیده ام .
* شما سرکروپ و کروه لاله های کروپ تا
به گونه بی که در دل هنر دوسته
راه یابند و راهی نیافته اند .
* فکر میکنم علت اصلیش عدم نفس
آهنگ های ما از اطریق تلویزیون و
امواج رادیوست و زیرا بیشتر موجیه
شده ام گاهی که هفته بی یک یا دو
بار آهنگ از گروه ما از صفحه تلویزیون
بیان نشر میشود و مردم ما را و تحس
در راه میینند با اینکه به یک دیگر
نشان میدهند .
* کدام آهنگ تانرا زیاد میشنید؟
* آهنگ اخیرم را بیشتر دوست دارم
که مطلع آن این است: دزدیده بسته

او را بایست مردان بیشماری میکند -
ند . تقدیر چنین بود و دست سر -
نوشت باایست او را از محبوبیت هارجیکو -
یز مرد روی ما همیش بر میگرفت . . .

طاغون این بلاعظم - برای -
مرد مان آن وقت در قرن هفده و چس
صیحته ار و وحشت آور بود و چن افرادی
را که طعمه مرگ نمیساخت و چن نخل
های آرزو را سرنگون و به باد فناشی -
سپرد .

دست سر نوشت کلمینه را نیز
با طاغون حلقه آویز ساخت . . .

زیبایی خیره کننده کلمینه هشون
از سرمیاری ها بوده بود . اغراق و
تعجب و لاردهای سرعناس چن دام
های تز و بزی برای کلمینه خوب برو -
شاندند .

بیچاره کلمینه هرگاه و بیگانه
اسفه دام تازه بی میشد وقت کام دل
ستابینه و محاذی شانرا در موجودیت
او گرم میباختند و هنگابیکه محاذل
بزم و عیش شان به سردی میگراید .

بچه از میله ۱۱۱
چون متاع من ارزش رهایش نمودند .
چکویز مکرر زود تربا کی من او پخت و
میشیرید . فردای آن و باهم ساعتی
بعد . این بزم به سبله کروه دیگری
از نجیبا ولاردها گرم میشد و این -
کلمینه بود که مایه دلخوش و بیزن
موشی پارتی دیگری میشد هاما اگر
تتش رایه زور میگرفتند و روحشها او -
بود . ۰ ۰ ۰ با چکویز .
۰ ۰ ۰ و اما طاغون این مرض کشند
و خطرناک دامنگیر کلمینه نیز عد .
چن توصیف ها و تحسین هایی نبود
که لاردها و کشته ای از حسن و جمال
و زیبایی وی نمیگردید و چن زیبی های
ماشقاته بی که بین گویش نجوا نمیگردید .

حق قسمتی از دانش قبلی و آن دو خته
های سابق مانند دیوار فرو پاشیده
در هم بوریزد ۰ درباره رخصت ها
متعدد استم ۰

«دل اقا ناصر محصل پوهنه‌سی
انجمنی ۰

- رخصت ها خوب است یا بد چه زی
کفته نمیتوانم ۰ مقام که پوهنتون را
تعطیل اعلام نموده «خواه نخواه دلات
یلی دارد که از سطح و سویه» من بالاتر
است ۰ من به سرنوشت خود نیاد فکر
نمیکنم آینده را کی میداند؟ میرک
یک روز به سراغ همه انسان ها می‌آید ۰
«پاخون شاگرد صفت پنجم لوسی
انقلاب ۰

- وقتی میشنوم که رخصت تجدید شد
به مشکل این حرف می‌بینم اگر ما مکتب
نمیرویم از نشستن زیاد در خانه ۰
دکتر شده بیرون از منزل به مقصد
 ساعتیم میرویم و آن جا هم مرک همه
را تهدید میکند و در داخل منزل
هم کس میداند که راکت به خانه می‌شان
اصابت نمیکند؟

در مورد رخصتی ها چیزی گفته -
نمیتوانم چرا که بزرگان خود شان میدا-
ند که چن تصمیم در زمینه بگیرند
منشیان باید همینقدر گفت که از آینده
میترسم که نشوام حق کتابی را ب-
درست بخوانم ۰
«یاسین شاگرد سنت هفتم بسی -
مهرو» :

- من از رخصتی ها میتوانم استفاده
کنم از صبح وقت تا عصر پیش مفاژه
مواد کو پوشی می‌ایم و مواد کو پوشی
همشهریان خود را فا منازل شان
انتقال میدهم اما چن فایده که از
درس و تحصیل دور میمانم، اگر
راکت اصابت میکند، پس در راه هم
میتواند اصا بت کند پرتاب را که هم
جای مشخصی ندازند فقط به خاطر
از بین بردن مردم است و همه مردم
جهت تحصیل روانه نمیباشند آن ها
چن کنند؟

حجبیه احمدی معلم مکتب بسی محو

بقیه در صفحه مقابل

ترس ندارند، اگر آن هادست از کار
های خود یکشند آیا ما تا چن وقت
از درسها خود عقب بمانم؟ این
هم برای مادر حکم مرک است ۰

«زولیا نا محصل سال اول پوهنه‌سی
زبان و ادبیات ۰

- اگر تعطیل پوهنتون به خاطر -
بیشگزی از مرک کله می ودسته
جمعی باشد، خانواده، ایستگاه ها
وازدحام شهر را چن گونه میتوان
تعطیل نمود؟

پوهنتون باید شروع شود، امحل
به دست خداوند است ۰

من رخصت پوهنتون و مکاتب را

بقیه از صفحه (۱۰)

محمد ابراهیم «خوب» محصل
سال پنجم استهیئت طب کابل ۰

- پندار من آز رخصت ها هبه و هزه
درین شرایط که هنوز تاء مین ملیع
حدود قاطع و روشن پیدانکرده ایم
است که هیچ تضمین وجود ندارد تا
بالاگز شدت دروس دوباره شرایط
و اوضاع مغشوش و متشنج میگردد.

برای من که در صنف پیغم فاکولته
طب قرار دارم و سال های اخیر تحصیل
را سهی میکنم و درین جالت که ذهن
من برای پذیرش دروس، امداده ام است
تجدید رخصتی به جز از تبلیغ و عطالت
چیز دیگری نمیدهد، زیرا معاشر رخصتی

دقیق سنجیده نمیشود یعنی رخصتی
کم کم تجدید نمیشود لبذا من هیچگونه
تصرب فوت برای خود سراغ نکرده ام و
کارکردن در شفایخانه ها هم برا یسم
یک امر حیاتیست اجازه داده نمیشود
در هر صورت من درین اتفاقی و سر-
در گونه قیار دارم امید است مسؤولین
در باره سرنوشت ما توجه نمایند ۰

عبدالله احسانی محصل سال سوم
پوهنتون فارسی ۰

- بنابر لزوم دید مقامات مسؤول من
تجدید رخصتی ها را امروزه از نیایی
میکنم و میتوانم درین مدت قسمتی از
درسها گذشته ام را میروز نمایم
و تا حدودی هم برای آینده آماده مکن
میکنم برای مطالعه زمان و مکان -
مطرح نیست ۰

«نعم محصل سال چهارم پوهنه‌سی
اقتصاد ۰

- رخصت پوهنتون به خاطر جلو -
گری از خطرات احتمالی خوب است
اما چن گونه پیشینی کنم که بالا از
درین ها دیگر ما با همچنوع خطری
واجه نخواهیم بود؟ از پس حواس
درین مورد آشفته است، به همچو
کاری دست زده نمیتوانم ۰

«عاشق الله محصل سال دوم ب -
هنچی زراعت ۰

- مرک، پیشینی ندارد، من
تعطیل پوهنتون را یک کاربینايد،
میدانم عدشنان مردم از خداوند

تایید کرده نمیتوانم ۰

«منظور محصل پوهنه‌سی هنرها ۰

- پوهنتون رخصت است و من ب-
خاطر مشکلات اقتصادی ام درینکس
از مو سات ساخته ای کار میکنم
چاره چوست؟ فقط کافیست ادم در
باره فیمت یک خود کار و یک کابچنه
صد ورقه فکر کند

«شیوا محصل سال سوم پوهنه-سی
حقوق ۰

- تصمیم گرفتم که در رخصت های پیشتر
می استفاده را از مطالعه شخصیم
نمایم، باور نکند باشندگان هر فیض

هم ما با وسائل ناچیز و اندک توا
نسته این دراین فلم ه قناعت نمایش
چو را کعن فراهم بسانم
* در مورد کارگردانی فلم چو فکر
میکنم؟
* فلم روانه کارگردان نیست که
مربوط کارگردان شود ه فلم رسانه
گروهیست ه کارگردان به هنری
و هنر پیشه به کارگردان احتیاج
دارد و هنرپیشه با تجربه خود
همیشه به این واقعیت متعارف است.
* چو پیشنهادی در رابطه به
بهبود کار هنری در سینما نزد شما
وجود دارد؟
* سخن در مورد بهبود کار در سینما
بیشتر است ه ولی اگر از همه حرف
ها بگذرم و به این سخن پسندید کنم
پیشنهاد مننایم که مقامات بلند در
لت عمله به بودجه سینما کمک پیشتر
نمایند به ویژه تحریض ماهیمن های
افغانفلم که بیش از بیست و پنج سال
است در اثر تشدید کار ه استهلاک
گردیده است صورت گرد.

دروست هزارهار

بنیه از صفحه (۲۱)

مورد برخی از مادرانی که بنابرای
د لایل هنگام ولادت نخستین متقبل
خطلول فراوان گردیده اند ه واین
احتمال موجود بوده که منجره مسرگ
مادری اغافل نوزاد او گردد.
وی اکون در نظر دارد به کمک
شاخانه نسایی ولادی یک کلینیک
مختصر حد اقل ده بیسترا در منزل
شخص خود ایجاد نماید تا زین طریق
پتواند مادر خدمت، مخصوصاً به آن
عده از بیمارانی که در وضع انتصاد
نامناسب قرار دارند ه شود و همچنان
در آینده نه چندان در برای محصلین
و داکتران جوان یاک خلد فرهنگ طبی
را که شامل تمام لغات ه ترکیب و
اصطلاحات طبی بیان شده به لسان دری
تعیه نماید که کمود آن بسیار محسوس
است. آخرین تقاضی وی درباره مسلسل
این است که باید داکتران جوانی که
تازه از ناکارکن طب فارغ می شوند در
حصه جراحی نسایی ولادی نیز سهرم
بگیرند ه زراتا جاییکه مشاهده گردید
نسمت زیاد جراحی به دوش مرد ها
گذاشته شده است.

حادثه در روحی پرده

بنیه از صفحه (۱۹)

ملیون افغانی به مصرف رسانیده
که دقیقاً در ساختن یک فلم هنری
سینمایی پول نهایت ناچیز است.
* آیا از نظر شما فلم حادثه ه فلم
موقوف است؟
* به نظر من ساختن و توجه یک فلم
سینمایی که از هر لحاظ موفق و پیروز
گردد کاریست سخت مشکل زیرا فلمی
که موفق باشد پادستان خالی تهیه
نمیشود ه بل تجا رب و اندوخته
هایی در عرصه کار، بودجه قابل ملا.
حظه ه سامان و وسایل بسیار ضرورت
دارد. استدیوهای فلم احتیاج است
که متوان با داشتن این همه وسائل
فلم خوب و موفق ساخت ه با این-

تحالیع تبریجیاز

بنیه از صفحه (۲۲)

کونه فلسفه در چیزی به اندان زمین
کرم بود که در پیش ماه اول سال
کد شنیده بیش از دوصد س و شصت
هزار کتاب و مجله ازین نوع سایل
منافق اخلاقی مصادره شده است و این
رقم به مقایسه یک سال قبل از آن که
در چشمین کشف و تنبیط شده بود ه
بیشتر بر افزایش یافته است چنانها
دیلیس موافقاید:
در همین مدت سال ۱۹۸۹ در
حدود ۳۶۰۰۰ نوار بیدیو، از فلم
خلاف سایل اخلاقی شطب شد که
مره برای بیش از آن مقدار نوار همان
بیست که در پیش ماه اول سال ۱۹۸۸
شطب شده بود ه

ناشران میگویند: علی الرغم مبارزه
شديدة مقامات چیزی با این روشنایی
فلم های پورنوگرافی اخیراً سینماها
جذب آن شئور را به خود نمایاند
ساخته است ه

نورالله سیف

بنیه از صفحه (۲۰)

* نقش کارگردانی را در چن کونه کی
برآمد یک آهنگ چو کونه از نهایات
میگند؟
* پنهان نکتم که کارگردانی کارهای
بست ه اگر پادید هنری در اجرای یک
آخر هنری اقدام کردد ه این چه افریده
نمیشود ه پذیرفتی خواهد بود و
ماندگاره ه

* نظر تان به صورت کلی در رابطه
با ثبت اهنگها چیست ه آیا وضع
را خوب میدانید؟

* وضع شیوه موسیقی تلویزیون رضایت
بخشنیست ه کارگردانان خوبی ه
درین زمینه داریم ه ولی ان طوریکه
باید و شاید تیتوانند کاری را انجام
دهند ه چون گاهی جمراه یک اهنگ
باید ثبت شود ه کارگردان همیشه ه
تابع پلان کار است ه

کارگردان با امکاناتی که درست دیمو
دارد ه با این که شعر و کهیز اهنگ
نظر به محل مناسب نمیگیرد اهنگ را باید
ثبت کند که اگر این کار نمیگرد ه هم
هنرمند از زده میشود ه هم پلان ه قب
همانند ه امید وارم در زمینه توهمشود ه

وقتی کتاب...

* نیسانم در مورد رخصتی ها
چو یکیم؟ فکر ممکن تعطیل زیا د
همه را غاطل و باطل میسازد غیر خوب
و خواب چیز دیگری از دست ما نمیگرد
اید اما هراس از اصابت راکت در
خانه همیشه را آرام نمیگذارد ه
* مریم شاگرد صنف یازدهم هم
زرغونه ه

- برایم ایام تعطیل هیچ مفهومی
ندارد چه اعابت راکت موقع و جای
معنی ندارد ه خانه همیرون و مكتب
را نهشتند ه هم

در رخصتی هایه جز خواب و هراس
از ه عن راکت کار دیگری ندارم ه با
دلهمه نهشتند مبالغه کرد ه
نمیدانم که کدام راهی را انتخاب
کنم ه

محترم جلیله سعادت "سلیمان"
سلام های پر حزارت تان را درگیر
مای یک چاپنگاه داشتم شدیم.
به سر نازن نهن تان سوکد که این
اولین نایه تان است که برای ماوراء
سروده "ای هموطن بیا" راهخواه
ستم چاپ کنم اما نزدیک بین گفت
برایش بنویس که سروده های پعدی
خود را بفرستد. به آمید هنگاری تا
محترم خابده اصفی از لیسه نسوان
نیز ۱۲ خیرخانه منه :
شما نیز سلام های ما را بهدیرید
طلب فرستاده شده تان را که در
مورد "ضربان قلب" فرستاده بود
دید چون ذکر نکرده بودید که ام
را از کجا گرفته اید لذا از چاپ
آن معدود نمیخواهیم.

محترم محمد نسم پلیخ از مخابرات
ولایت چوزجان :

ما نیز مفقوت و صحتندی پس از
تان تنا میکنم. در مورد پرسنی تاد
باید گفت ازان جایی که مژا قلم
و ظایف جدی تری را فعلاً پیش بپرند
لذا دو تایقنه ها کار نمیکند.

محترم پر حیوب "صفایی" :
شعر مقبول را که تراویده احساسات
لطیف تان بود خوانیدم اگرچه شعر
نیمه ای بود اما چنین نتیجه گرفتم که
باید شعر اولی تان باشد ازان جایی
که ما هیچگاه نوشته های اولی را
چاپ نمیکنم لذا منتظر نوشته های
بعدی تان بمانم.

خواهر خوب و دوست داشتنی فریبا
دانش اموز لیسه ملائی :

باور نکرد سوالات تان سرما را به
درب اورد. حوصله تان را تحمیل
میکنم اما صرف یک نصوحت از پا بهت
بیرید این که استعداد تان را
در تهیه مطالب ارزشی به کار اندازید
دوست بسیار بسیار خوب محترم ع. د

از ولایت هرات :

نامه شمارمانی برای مارسید که ان -
دخترنگ کسری را ترک گفت بود امام مسلم
نیست که بر میگردید یانه مانعه های
دیگری هم شبیه نامه شدای اشتیم بصر
صورت اگر برگشت حتمانه شمارایه او
میرسانیم موفق باشید.

عطرنج سهدهم الیه اگر در خور چا
باشد، نشرخواهد شد و در صورتی
که نشر نشده از ما کلمه مند نباشد.
محترم محمد فاضل فروغ کوهستانی
دانش اموز لیسه ما را نیز بدهد.
برگزیدم : از نامه تا چند سطر آن را
با هنرنمذ طرف توجه شما حسنه
مصاحبه خواهیم کرد موفق باشید.

محترم نیوستانی اول اینجا بدون نام را باشیخ
نمیدیم، ثانیاً با هنرنمذ یاد شدم
پیشتر مصاحبه صورت گرفته و در فرجام
باید گفت که از هر سه های شما بتوی
عداوت و دشمن من آمد.

محصل سال اول پو هنرمنی حقیق
وعلمی سیاسی و محترم شکلا رحیم
زی دردک "محصل سال دوم پو هنرمنی
زبان و ادبیات پو هنرمنی کابل" ب
سلام های گرم تان را باگرامی -
پیشتر اینجل درجه سانتی کرد خو -
شخنهای در نزدیک یاد پدیده سلسه
شدهم. مطلب تان زیانی برای ملکم.

محترم امریکایی عقده دارد که
خشید که طبق دستور و توصیه شما
آب لیمو را آماده ساختم اما شدت -
گرما را زاده از جنای وار -
خطا نموده بود که به جای استفاده
از آن برای جلد چرب خود کلایس
را یک باره سر کشید و نوش جانش کرد.
محترم مختار "مهرد رویش پنجه شیری" -
کارنده موسسه انتشار صادرات -
کشید و سایر میوه جات خشک [

شما نیز سلام های ما را بندید باینک
مطلوب ار سالی تان را با هم بخوانیم:
"از امام مرشد محمد غزالی رحیل اللہ
علیه پرسیدند که :

چن گونه رسیدی بدین منزلت در
علوم؟ گفت :
بدان که هرچه نداشت، از -
بر سیدن، ننکه ندانسته.
محترم کل آقا، دوست خوب مجله !

به کفته خود تان چند کلمه بی که یک
جا کرده بودید، ما را متأثر نمیگشت
فرسته بی که قلب شما را شکست قلب
ما را نیز شکست، لذا نخواستم با
نشر آن، قلب خواننده کان مجله را
نیز بشکتم .

چه سوت میکرد .
محترم ماج "حضرت" از خیرخانه
منه !

سلام های صیمانه ما را نیز بدهد -
برید. از نامه تا چند سطر آن را
برگزیدم :

"زن در بهار زنده کی مشوقه
مرد است و در خزان زنده کی بر -
ستار او ."

محترم عبد الله "باختروال" محصل
تفخیر نفت و کاز تزار شریف !
سلام های کارکنان مجله را نیز بدهد -
بیند. ما همچ یک از طالب فریض
ستاده شده دوستان را تا خوانده
نیکدا نم . مطلب قابل نظر خسنه
نشر میشود . چند سطر از مطلب
خرابهم کرد .

محترم عبد الناصر "شیرین" محصل
سال سوم پو هنرمنی دیسانت هجومی
خوبی پو هنرمنی ا!

قد است اند رکاران سیا وون به
سلام های تان که طی دو نامه فر -
منست، زنده کی مربوط به و فایل
دلی و یک نگریست .

دختر امریکایی عقده دارد که
خشید که طبق دستور و توصیه شما
آب لیمو را آماده ساختم اما شدت -
هدف شما از چیز گونه مرغ است؟

زین فارغان لیسه "زرغونه"!
سلام های تان را صیمانه علیک میکو
یم . کوشش میکنم با محترم هارون -
یوسف در مورد تو شته های شان -
مصاحبه نایم . در مورد نشر سلسه
کشفوار سوخته، باید بکویم که
تمداد زیادی از دو سلطان م -
هایندندش نظر آن را در مورد
خواستار اند . به آمید هنگاری تان .

دوستان خوب "نادیه امیدو -
شفقه سلطانی" کارمندان شورای
شهر کابل جویه مل .

سلام های تان را صیمانه علیک می
کویم . شما متواته بهترین هنگاری
مجله باشیده هنگاری تان را بادیده
قدرتانی میکنم . از مطلب ارسالی
تان باید نشانه هنگاری تان را ادامه
دهید .

محترم قیام الدین غیاث از فابریک
جنکل !

شما تقاضای مصاحبه با هنرنمذ

داری کرده بودید، باید به همان
تار گفت که آن دخترک به همچ مو -
جمع مراجعه نکرده است، نهرا

بهم از رسایی داشت .
محترم فروزان "جاده وفا" !

"نظر تان را در مرور صفحه" -
کشوار سوخته "قدرتانی میکنم .
ما خسنه" با هنرنمذ یاد هنگاری چون

وحده رحیمان، امیرش پوری و کرن -
کارهای اینچه میکردیم اگر آن ها بی
کابل من آمدند . با آن هم اگر دو

سحلات هنگاری مصاحبه های شان را
خواهیم کرد .

محترم عبد الناصر "شیرین" محصل
سال سوم پو هنرمنی دیسانت هجومی
خوبی پو هنرمنی ا!

قد است اند رکاران سیا وون به
سلام های تان که طی دو نامه فر -
منست، زنده کی مربوط به و فایل
دلی و یک نگریست .

دست اند رکاران سیا وون به
سلام های تان که طی دو نامه فر -
منست، زنده کی مربوط به و فایل
دلی و یک نگریست .

خواندیم نزد ما ایجاد شد که
هدف شما از چیز گونه مرغ است؟

منع تازه و یا مرغی که بخزده از خارج
وارد میشود که آن هم اکنون موسر
نمیگرد .

محترم هنرمند "بازی کودکانه" -
سطر آن را چاپ میکنم :

داند و بساط فر قلم چنان گزسته
تاجوی خون زدیده به واهم روانکرد
اندر کار حصل گل های جاو دانه
هجرت جوانه کرد .

به آمید آن که دیگر هرگز چشان تان
نگریست .

محترم ظاهره "قلندری" و -
نادید "شهاب" از شهربلخی!

نظر تان اند رکاران سیا وون به
افتباهی نزد خواهد داد .

آزاده نیاشد هنگاری تان را ادامه
دهید .

محترم قیام الدین غیاث از فابریک
جنکل !

با نظرها و پنهانهاد های شمارا
با هر دو چشم میبینم . ازین پس

آزاده نیاشد هنگاری تان را ادامه
دهید .

محترم قلام مجتبی "نایب" !

با "مهریان" تان معروف شدم
و لی مخفف تا شهریان بود . در انتظار

نام نیسرده باید بعدی تان استم .
داد ما نرسیده لطفاً آن هنرنمذ

را نزد ما بفرستید حتماً با اینها

انیمه محمد فرید انش اموزان لیسه
درخانی، احمدعلی احمدی داشت
آموز لیسه عالی حبیبی، سید شاه آغا

مالی داشت آموز تخفیم ساختمانی و
جیوه بزی، سارا فروغ محصل سال اول

بوهنه علم طبیعی، مسلم سروری
ملال اشیدیع، داشت آموز لیسه

جزوانی، چونوس فیروزی، وحید
شمس داشت آموز مکتب عالی مکتب

لودین، زمینه و مارنارسی داشت آموز لیسه

صبور شهید، توریکی اسدی داشت

آموز لیسه زمینه عالی مکتب

کابل، فرود (طبیب)، فارغ (اعیان)

و هارفان، نیز این اعیانی، محمد هارون

راد ملش، فلام سرور و محمد هارون -

سریازان قیماند ای عموی ایرانی

و از ایل زیمه ناصر خسرو بلخی، لیلیسا

هوشمند، لوری خارن ایان الله -

سیروس یوسف زی، ترینا فروتن جدی

فریده امید محصل سال دم برهنه

نارسی، وصلت از برهنهون کابل و

جیوه محصل انتیوت پولیتکنیک کابل

محمد صبور کیم محصل سال دم فاکولتی

الجنوبی، برهنهون کابل، ناجیه ضیایی

د انش اموز لیسه خود چونه خوبی

هدیه آسف مرا، محمد آسف مرا -

بنیمه مرا، زمینه ایل زیمه

از این دوستان مطالب گرفتم که از
هم آنها سپاستاریم :

معتزم مراد محمد (حزن بنجینی)
از حمده میرزا فامیل خیرخانی

مشعل (زین) و

نائزلا (زین) فارغان لیسه "زفونی"

هزه الله همدرد کارمند صحت عالی

ولایت بل، بلقوس فیروزی، وحید

احمد فرید رشیدی، احمد ولی احمدی

احمدعلی احمدی محصل اکادمی

صفنه امیر، نظیفه محبوبی، شیر زی

کارمند انتیوت سروی بروزه سازی

وزارت آن ورقه، بیانیه حبیبی نار

لیمه آن، همایون حافظی افسر

فند ۲۶ سرحدی تعداد اشنا،

رازی، زلعنی مزمل، وحید

رازی، ابراهیم امید، میرزا

بیانیه ایل زیمه، سیروس، سلطان

رضیه کابل، شکری آذر شن اشنا، فونی

نام امیری از مقیم مسجد علیه

ریچه حد سنگ، محمدعلی، وحیده بیانیه

محل ایل زیمه سویا و محمد احسان مظہیں

محصل سال اول برهنهون زیان و

ادیانه .

مطالب ارسالی این دوستان را به

مطالعه

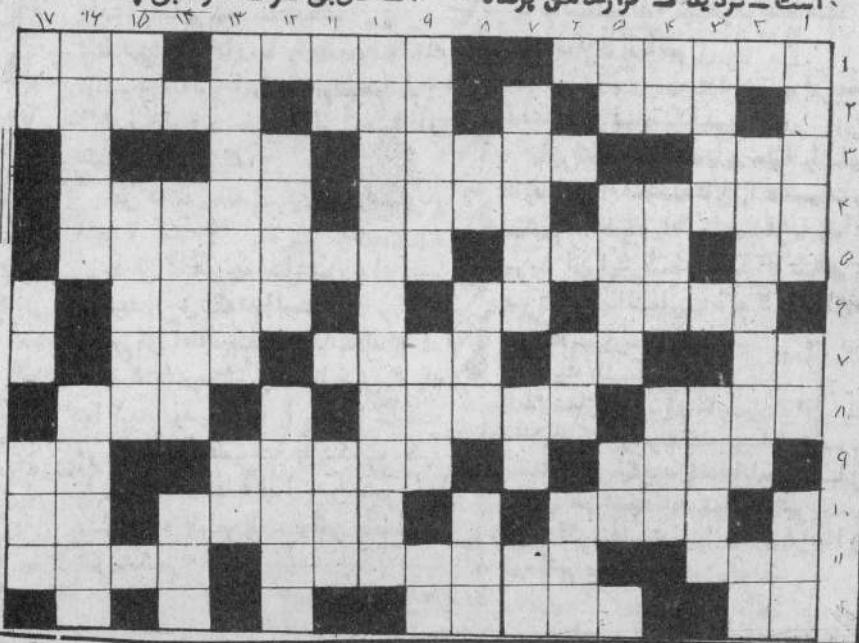
9

L

کارنامه

- ۷- جلد معرفت قرن بیست - فرار
ناگهانی اسپ - بهلوان .
۸- بیشتر بوسه - همنشین اتفاق .
۹- مان خالی - فرزندی که پسر ر
از همراه محروم شد - دلتی بی ما .
۱۰- او را دانای قرن لقب داده اند .
۱۱- معکوس ان (چیز) معنی .
میدهد - سرمایه دار اصطلاح حس
مت شال کشور .
۱۲- ابها (انگلیس) - روس
ها را باین نام باد من کنند .
۱۳- ماده مخدو - متراوف شرق
(اصطلاحی)
۱۴- شنل یکی از اثار اوست
زف اسپ .
۱۵- خشک نیست - شوهر بود
مونا .
۱۶- معکوس ان کچه است - بیشتر
آخر آدم .
۱۷- نقشه (انگلیس) - زمر
اتفاق .

- ۱۸- رو شده - بی سر نیست .
۱۹- یکی از سردارهای معرفت روم
پسر نا خلف الدم - اشاره به در .
۲۰- قوی که هیطر حکم اعدام
دست جمعی اثنا را صادر کرد - ها .
عری بکه اسم سلطان است - عصطف .
۲۱- طراور میزبان بازی های فیمال
۲۲- دماغ - یکی از عجایلهای معرفت
اروپا .
عروسی :
۲۳- اسبت ها - دروازه -
۲۴- یکی از سوارات نظام شس .
۲۵- مجسمه او از شهرهای میکل
انو است - پرس معاویه
ید من کند . خد قبول - یکی از اواز
خوانان قدیم دند .
۲۶- پهلوان - دین پراکنده - سلطان .
۲۷- رزم بی اغاز - معدرت - صورت .
۲۸- ارام ایران غول خوف توشت .
۲۹- عکس بی سر - داود بی ما .
۳۰- است - تردید - قوارد هن پرنده .



کارنامه پادگاری سماون

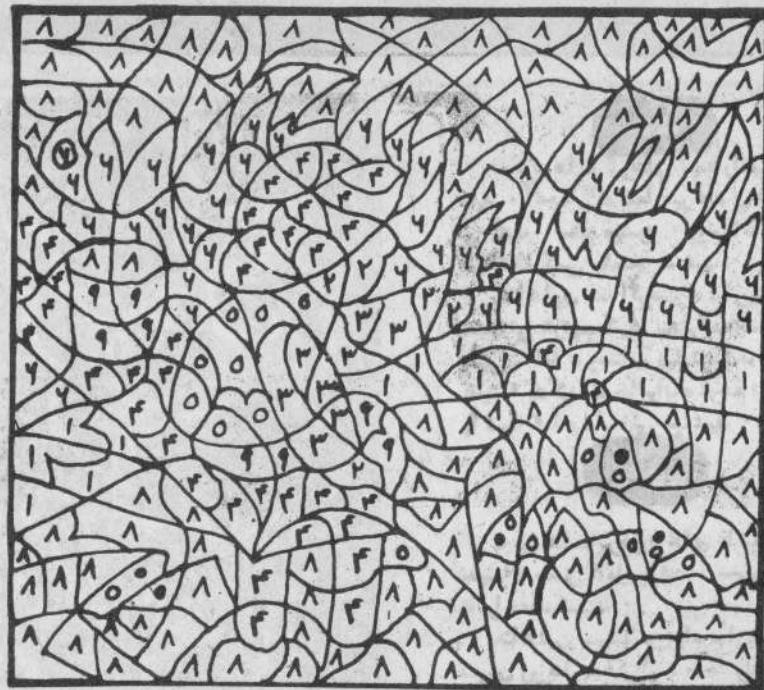
ام
ولد
وظیفه
کدام صفحه مجله را بیشتر مخوانند
ادرس

این کارت قطع کرده ببا ارسال کنند .

**پوایی برق کیان
چایزد مید هند:**

کلک ای مقبول تخته اسد پیغ
صرف طعام جاست پیغ غزد
رسستورانت مژده شکا بدست
افغان

کلک ای مقبول تخته سیاه کله



فرندت خان:
و فرم ناصری
و خوشحال صبا

رُنگ آمیزی کلک

- نوره امین کارمند اداره شورای -
مورکری حزب وطن - نانیه الجنوسر
(جشنیه) - پیغ متعلم مکتب
دوستی - پیدا مشتعله مکتب دوستی
ملالی از مکریهان سو - شکریه
(اذرا) از کوس لشیوج ستر - حسنه
(غزل) - زاده (نامزد) سف - ۱۰
لیسه منم - مهد النبیر (موازیش) -
اکرام الدین (الناسی) - سبجه
اریا غیضی - مونیهار محمد طاهر
(هزیزی) - پها سر باز - نع الله
از مکریهان اول - نعمیر آحمد
(احمد پار) داش اموز لیه شور شاه
سروی - بلقیس (قریانی لیبره خاله
لیلما از مکریهان سو - شفیق -
احمد (احمد پار) از مكتب کوهمری
- احمد از حمه سو خیر خانه میله -
سترانه از حمه سو خیر خانه میله -
ایمیل از ایمیل کرم نروفی اتحاد پا
کار گران - هاشم (مارک) دالش
آموز صنف آمکتب هدانا -
خوشحال (صبا) از لیسه محسوده
هوتکی - سونهتا از شهرلو -
هارون (ایبل) از جنتکه - سو سما
بتعلم لیمه در خانه هم میله -

- ۱- رنگ زرد
- ۲- رنگ نارنجی
- ۳- رنگ سرخ
- ۴- رنگ نموداری
- ۵- رنگ خاکستری

- ۶- رنگ سبز
- ۷- رنگ سفید
- ۸- رنگ آبی
- ۹- رنگ سفید

رُنگ آمیزی کلک

کودان هنفه
اگر شکل بالا را به ترتیب رنگ های
داده شده برای نعرات خانه بربی نمای
پیدا - تصویر مکمل برای تان میدهد -
لطفاً خانه را به ترتیب زیر که برا
هر شاره رنگ رویه می در نظر گرفته
شده است خانه بربی نماید .



سوال - موسیقی جاز به ابتکاوه جس
کس بوجود آمد

سوال - اسکندر رونانی - چند

سال میز کرد؟

سوال - رهبر سمهایان در جنگ
های صلیبی کی بود و

سوال - فیززاده ریاضی دانای
لقب چن کس است .

سوال - انسان هنگام خواب در هر

چند دقیقه به طور متوسط فقط میزند .

سوال - بر طبق روایات مذهبیں محل
تولد حضرت حوا در کجاست

سبله:

مجرد ها - کارهای تیمه راتسما
کهید . آنچه را که شما فیر عادی نکر
من کمی مهم نمیشود . زود باشید
به انتظار کسی پاسخ بد هید .
متاهلین - اگر قدرت دارید
معمانی ترتیب کنید بعتراست ساده
پیغوره اما دوستان بیشتر را دعوت
کنید ، به کودک خانواده توجه داشته
باشید ، احساساتی پیشید .

میزان:

مجرد ها - برخورد های هاشقانه
نمیتواند مشق کامل باشد . تجربه های
تاثر احفظ کنید .
متاهلین - شناس زیاد دارید .
درین روزها به فکر آپنده خانواده هم
باشید ، مخصوصاً از نظر اقتصادی . به
زودی چند مشکل بزرگ شما حل میگردد .

غمز:

مجرد ها - تفاهم کامل ایجاد کنید
مشق تاثر اگر ای و غنیمت دارید .
متاهلین - محبت خانواده گی شما
بیشتر نمیشود . اعتقاد و تفاهم را توسعه
کنید . انکار غیر معقول را از خود دور -
سازید . تفاضای کم کنی را در نکنید .

فومن:

مجرد ها - معجزه واقع نمیشود .
اما احتلالاً تغییر روش شما ممکن
تغییرات در برخورد جانب مقابل شود .
متاهلین - فرصتی که برای استراحت
بیش ماید فرمی است برای انجام
خواسته های خود تلاش نیادم کنید و
بیرونی باشما پاری میرسانید ، موقعیت
اجتناب نمایم بعترم نمیشود .

جدی:

مجرد ها - تیره گی های مختصر
نمیتواند روابط عمیق عاطفی شماران را
تاثیر بگیرد . چشم تاثر اقطع به یک
دریجه داشته باشید .
متاهلین - فراموشکاری موج - ب
میگردد تا خوش و هیجان دوست
داشته باشید . گی تاثر از خاطر ببرید .



حل:

مجرد ها - نزد یکی خوبست اما
بعتراست دری و دوستی . کم حوصله
نمیگرد تجعل را تجربه کنید .
متاهلین - صحبایت را از زندگی
خود دور سازید . مسؤولیت های
اعانی به شما متحول میگردد . ممکن است
نمیز خداست اما معنی کمی با او نگردد
باشید تا اوراحت تریاشد .

تغز:

مجرد ها - متعدد نمایشید . کار
های تان را قبل از سفر انجام دهید .
خبر خوش به شما مرسد .
متاهلین - روابط عمیق بین اعماق
خانواده ایجاد نمیشود . در نتیجه
یک مشاجره ، قدر همیگر را بعتر
بد آنید و نسبت به خود معربانش را بشید
اسراف نکنید و نسبت به زنده گی امید -
واری تانرا بیشتر سازید .

حول:

مجرد ها - پیاد اش خوبی بدست
میاورید . دوست تان بینتر از شما به
شنا نیازدارد . محبت از دارک کنید .
متاهلین - سرگرمی های خانواده
گی را ارج بگذارد . کودکان تان
نیاز دارد تا با آنها معربان باشید .
صحت تان خوب نمیشود ، تشویش را کفتر
سازید . برای اقتصاد خانواده برنامه
جدیدی طرح ریزی نمایید .

سرطان:

مجرد ها - آپنده را همسراه با
واقعیت ها در نظر بگیرید محبوب -
ترین کسی همانست که ایمان و یقین شما
را به خود محظوظ نماید .
متاهلین - اعتقاد به نفس را در
خود تقویت کنید . نگذارید شعله
های آتش کننده زنده گی شمارا خرا ب
سازید . برای هر کار بانظم باشید .

اس:

مجرد ها - خبری از دوست
قد یعنی تان میگردید که شما را به تفکر
تجدی فرامیخواند . زنده گی همانست
که میگردد نه انکه درباره اش فکر میکند
متاهلین - درین هفته تضمیم جدیدی
برای زنده گی خود میگیرید بد ون هدف
تیونزید . موافقیت باشماست ، در
صورتیکه در تصمیم تان جدیدی و قاطع
باشید .

خواسته کان جوان مجله!

صفحه سلام دخترها وسلام بجهه ها از جمله صفحات
جدید مجله است که میخواهم درجه سبز و بازی برای
دردهایتان، آنرا در هایتان و برای های روانی و اجتماعی
تائی و مازنایی از یک زندگی خوش و آرام آیند، و روشناتی
از آن دینه های جدید تائی درباره زندگی باشد که این
صفحه حاوی مکالمات حوال تلفنی، نامه های وارد، سرودهای
نوشتی هایتان خواهد بود، لطفاً قلم برد اید و آنچه را که تا حال
در دل نگهدارشید اید و کسی حتی به نزد پیکرین دوستان
تائی نگفته اید برای این صفحه بگوید، متین باشدید اید
صفحه دوست خوب ویں آزاری برایتان خواهد بود.



لئے زیبائی دلسته ام!



دختران زیادی داد ارات دولتی به کار مشغولند طبعاً
کار آن ها که بار متعیین از احرازات روزانه را بر میهاد ارد قابل
توجه است درین صفحه ماجوانان کارمندان ارات را از برحسب
شایستگی شان و برحسب معرفی آن ها از جانب مراجعین
وزارت خانه ها و همچنان از نظر کارمندان خوب بودن در انجام
کارها معزی خواهی نمود، والبته که این صحبت‌های نابسامی را
رسمی نخواهد بود.

فریحه که در سال ۱۳۶۲ از لیسه رایمه رایمه بلخی فارغ ترددیده،
یکی از کارمندان های پاذ کاوت و خوش برخورد وزارت صحت عامه
میباشد. میگوید که کارمندان اداری دولت در حفظ و نگهداری
اسناد دفتر باید محظوظ باشند و مسؤولیت خود را بر
مراجعین درک کنند من خودم به وظیفه ام شوق و علاقه فراوان
دان ماد قانه کارهای راییشی بین و به همکاران احترام زیاد
دان به نظر بختر بودن و خویش بودن نیک کارمند و دولتی درآنست
که وظیفه اش را متفق می‌بشارد و در حل مشکلات مراجعین همکار
و همدرد اند هایاند.

و چند پرسش ذوق ازاو:

* چگونه من اندیشیدم برایه خد ای عشق، ازد و اج، طفل
زندگی، زیبایی، کارروطن؟

- به خدا ساخت ایمان دارم. به عشق باور میکنم ازد و اج
چیز طبیعت است، اطفال دوست داشتنی اند. زندگی لذت -
بخشن است. به زیبایی دلبسته ام. کاریعنی از زندگی کم است و
وطن جای آرامش انسان است.

* اگر زن بصرت عانه میبودید؟

- از معده کارهای آن برآمده نمیتوانستم.

* اگر زیبی شفاخانه اطفال میبودید.

- بسیار مهر بآن میبود و بیش از حد به وارسی مریضان میبرد اخت.

ACKU
JUL DS
350
220
n 5

پروردگاری از میرزا کوچک خان
تیرنگه و زیارت نمایندگان
پسندیده شدند و میخواستند
که این روز را با این اتفاق
پیش از آن در میلاد پسران است

جعفر

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library